



پوهنتون اسلام

پوهنځی شرعيات و قانون

برنامه ماستري تفسير و حديث



ادارت اعلاى المعالىم

وزارت تحصیلات عالی

معییت امور علمی

# هدایات قرآنی برای برقراری امنیت اجتماعی

(رساله ماستری)

محصل: امین الله مساعد

استاد رهنما: پوهندوی دکتور فضل هادی وزین

سال: 1400 هـ.ش - 1443 هـ.ق



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
برنامه ماستری تفسیر و حدیث



جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# هدایات قرآنی برای برقراری امنیت اجتماعی

(رساله ماستری)

محصل: امین الله مساعد

استاد رهنما: پوهندوی دکتور فضل هادی وزین

سال: 1400 هـ ش – 1443 هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

## تصدیق نامه

محترم امین الله ولد برات محمد: ID: نمبر SH-MST-98-580 محصل دور پنجم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: هدایات قرآنی برای برقراری امنیت اجتماعی به روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۲ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۳ (نمره به عدد) نود و سه (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

شماره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور عبدالباری حمیدی	عضو هیات	
۲	دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی	عضو هیات	
۳	دکتور فضل الهادی وزین	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورده ماستری

## اهداء

- این بحث علمی را ضمن اظهار شکران و سپاس گذاری از آفریدگار توانا، اهدا می کنم به:
- محضر پدر و مادر گرامی ام که در راستای تربیه جسمی و روحی ام از هیچ نوع زحمتی دریغ نکردند و با مهر و محبت فراوان همواره مرا به دانش اندوزی تشویق و ترغیب نمودند؛
  - به معلمان و آموزگاران عزیز و مهربانم که در شرایط سخت و ناگوار با تحمل رنج های فراوان بنیادی ترین مسایل علمی را به من آموزش دادند و در راه کسب علم معرفت مرا یاری فرمودند.
  - آنانی که نفس خیرشان و دعای روح پرورشان، چراغی در مسیر پر خم و پیچ علم و دانش بود و از نور آن ها در کوچه های تاریک زنده استفاده کردم؛
  - دانشمندان، دانش دوستان، قلم به دستان، فرهنگیان و قهرمانان میدان علم و دانش که تلاش ها و زحمت های پی گیرشان همانند خورشید، جهان تاریک را فروزان و درخشان می سازد و همه پیشرفت ها در عرصه های مختلف زندگی حاصل و میوه عرق ریزی آنان است.
  - به همه آنانی که صادقانه می خواهند، مرهمی باشند برای دردهای ناسور کشور رنج دیده ام.

## سپاسگذاری

به اساس سخن ماندگار پیامبر بزرگ اسلام - صلی الله علیه وسلم - « من لم يشكر الناس لم يشكر الله<sup>1</sup>»، در قدم نخست الله -جل جلاله- را سپاس گزارم که بنده را لایق علم و تعلیم دیده و توفیق عنایت فرمود تا مرحله ماستری را به اتمام رسانده و این رساله را به تحریر در آورم.

سپس جای دارد که از وزارت تحصیلات عالی کشور اظهار امتنان نمایم که زمینه مرحله ماستری را در کشوری رنج‌دیده مان افغانستان فراهم ساخته، تا جوانان در بخش علوم و فنون پیشرفت چشم دیدی داشته باشند و در نهایت یک افغانستان آباد و سربلند که آرزوی همه افغانها است را داشته باشیم و تشکر خاص می نمایم از استادان پوهنتون سلام در مورد ماستری که توانستند با فراهم ساختن زمینه تحصیل در مقطع ماستری در عرصه علوم اسلامی مصدر خدمت واقع شوند.

جا دارد در این جا از همکاری بی شایبه و رهنمائی های مفید و ارزنده تمام دوستانم که برایم به هرنحوی در ترتیب رساله همکاری نمودند اظهار سپاس و امتنان نمایم و از دربار خداوند منان برای شان طول عمر و موفقیت های مزید در تمام عرصه های زندگی خواهانم .

قسمی که معلوم است تهیه و تدوین یک اثر علمی بدون همکاری و رهنمائی اساتید بزرگوار و دانشمند ممکن و میسر نیست بناءً مناسب می دانم تا از زحمات و همکاری های بی شائبه و همه جانبه استاد راهنمای خویش محترم پوهندوی دکتور فضل هادی وزین که با راهنمایی های دلسوزانه ایشان این تحقیق تدوین گردیده است، اظهار سپاس و امتنان خاص نمایم.

همچنان از محترم پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبب بلخی و محترم پوهندوی دکتور عبدالباری حمیدی استادان مناقش رساله، تشکر و سپاس خاص می نمایم زیرا مطالعه دقیق و ملاحظات آنان سبب اصلاحات مهم در این رساله گردید.

از بارگاه الله متعال می‌خواهم که این عمل ناچیز بنده را به دربار خود قبول و منظور نماید.

---

<sup>1</sup> ترمذی، سنن ترمذی، کتاب الشکر، باب ما جاء في الشکر لمن أحسن إليك، شماره حدیث: 1955، قال أبو عیسی هذا حدیث حسن صحیح

## خلاصه بحث

این رساله روی موضوع راهکارهای قرآن کریم برای برقراری امنیت اجتماعی طی یک مقدمه، دو فصل و یک خاتمه نگارش یافته است، اهمیت این موضوع به خصوص در شرایط فعلی کشور ما افغانستان کاملاً هویدا و آشکار است و شرح و بیان راهکارهای امنیتی قرآن می تواند وسیله ای باشد برای مراجعه و تطبیق احکام قرآن کریم به هدف تامین و برقراری امنیت اجتماعی در کشور.

با در نظر داشت مطالبی که در مورد هدایات قرآن برای برقراری امنیت اجتماعی در این رساله طی سه فصل و چندین مباحث فرعی بیان گردید به طور فشرده به این نتیجه می رسیم که امنیت اجتماعی عبارت است از ایجاد شرایط و موقعیتی که براساس آن همه افراد جامعه در انجام فعالیت های مشروع و قانونی خود، آزادی کامل داشته و از امکانات جامعه یکسان برخوردار باشند. و همه افراد در موقعیت برابر قرار گیرند. نخستین شرط زندگی سالم اجتماعی، استقرار نظم و امنیت در جامعه است. جامعه ای که بدون امنیت باشد، از آسایش و آرامش برخوردار نخواهد بود و نشاط و تلاش از آن رخت برمی بندد. در نا امنی اجتماعی، اقتصاد فرو می پاشد و حوزه فرهنگی گرفتار سکون می شود و فرهیختگان به جای تبادل آراء، اندیشه و اظهار افکار به کتمان و پنهان کاری روی می آورند به همین دلیل است که نظم و امنیت اجتماعی در قرآن و اسلام جایگاه ویژه ای دارد و در این کتاب بزرگ الهی راهکارهای اساسی و قابل تطبیق در هر جامعه و محیط برای برقراری امنیت اجتماعی بیان شده است.

قرآن کریم برای ایجاد وضعیت مطلوب اصول و قوانین را مطرح می سازد تا در سایه آن امنیت و آرامش اجتماعی فراهم آید تا قانون شکنان نظم و امنیت عمومی را مختل نساخته و اجتماع انسانی را با فروپاشی روبه رو نسازند. باید توجه داشت که برای ایجاد امنیت و پاسداری از حریم جامعه، اندیشه و انگیزه های ذاتی به تنهایی کفایت نمی کند بلکه نیازمند قانون است؛ چون انسان هرچند که به حسب فطرتش اجتماعی است و در اولین اجتماع خود امت واحدی بود ولی از آن جا که فطرتاً به سوی اختصاص منافع به خود حرکت می کنند بامناف دیگران تضاد پیدا می کند و از این جا لازم است که از قانون و شریعت پیروی کند تا حدود جلب منافع را مشخص سازد و از درگیری پیشگیری نماید؛ و به قانونی که الله متعال برای امنیت و سلامت جامعه و افراد و اشخاص آن که توسط پیامبرش برای بشر فرستاده به آن پابند بوده و آنرا در عمل کرد خود در نظر داشته باشد و به آن حکم کند.

**واژه های کلیدی:** امنیت، اجتماعی، قرآن.

## فهرست موضوعات

### 1 ..... مقدمه

- 3 ..... اسباب اختیار موضوع:
- 4 ..... اهمیت موضوع:
- 4 ..... سوال های اصلی تحقیق:
- 4 ..... پیشینه تحقیق:
- 7 ..... خطه بحث:

## فصل اول

### مباحث کلی در مورد امنیت اجتماعی

- 9 ..... مبحث اول: تعریف واژه های کلیدی
- 9 ..... مطلب اول: معنای لغوی امنیت
- 10 ..... مطلب دوم: بررسی برخی از مشتقات مشهور امن در قرآن
- 12 ..... مطلب سوم: معنای اصطلاحی امنیت
- 13 ..... مطلب چهارم: کلمات متقارب با امنیت در قرآن کریم
- 15 ..... مبحث دوم: اقسام امنیت، مفهوم و مبانی امنیت اجتماعی
- 15 ..... مطلب اول: امنیت فردی و انواع آن
- 18 ..... مطلب دوم: امنیت اجتماعی، تعریف و مبانی آن
- 18 ..... فرع اول: مفهوم و هدف امنیت اجتماعی
- 21 ..... فرع دوم: مبانی امنیت اجتماعی
- 25 ..... مبحث سوم: اهمیت و ارزش امنیت در قرآن کریم
- 25 ..... مطلب اول: امنیت به عنوان پاداش بی بدیل در قرآن
- 31 ..... مطلب دوم: دعای ابراهیم - علیه السلام - به خاطر امنیت اجتماعی
- 33 ..... مطلب سوم: شهر مکه نمونه ای از یک شهر دارای امنیت اجتماعی
- 35 ..... مطلب چهارم: سایر شهرهایی که از امنیت آن در قرآن کریم یاد آوری شده است
- 39 ..... مطلب پنجم: امنیت و آرامش در جنت



- 40 ..... مطلب ششم: امنیت نشانه پیروزی مومنان
- 42 ..... مطلب هفتم: ام نیت پیامبران-علیهم السلام-

## فصل دوم

### راهکار های قرآن برای برقراری امنیت اجتماعی

- 45 ..... **مبحث اول: راهکار های فکری و عقیدوی**
- 45 ..... مطلب اول: تقویه باور به مراقبت و نظارت خداوند از انسان
- 47 ..... مطلب دوم: تقویه فکر آخرت گرایی
- 50 ..... مطلب سوم: بی ارزش نشان دادن دنیا و تشویق به بهشت
- 53 ..... **مبحث دوم: راهکارهای اخلاقی**
- 53 ..... مطلب اول: رفق و نرمی و دفع کردن بدی به نیکی
- 55 ..... مطلب دوم: تشویق به عفو و گذشت
- 58 ..... مطلب سوم: تقویه فرهنگ اخوت و همدلی
- 60 ..... مطلب چهارم: تشویق به صبر و شکیبایی
- 62 ..... مطلب پنجم: امر به صداقت و راستی
- 63 ..... مطلب ششم: توبه و رجوع از گناه
- 64 ..... مطلب هفتم: نصیحت و خیرخواهی
- 66 ..... مطلب هشتم: حياء
- 68 ..... مطلب نهم: تواضع
- 72 ..... **مبحث سوم: راهکارهای عملی در بخش عبادت**
- 72 ..... مطلب اول: رابطه امنیت با عبادت
- 73 ..... مطلب دوم: نماز و نقش آن در حفظ و برقراری امنیت اجتماعی
- 74 ..... مطلب سوم: روزه و نقش آن در حفظ امنیت اجتماعی
- 75 ..... مطلب چهارم: حج و نقش آن در حفظ امنیت اجتماعی
- 77 ..... **مبحث چهارم: راهکارهای عملی در بخش خانواده**
- 77 ..... مطلب اول: ازدواج و نقش آن در ایجاد آرامش
- 78 ..... مطلب دوم: توجه به اصلاح خانواده و نیکی با اقارب

80	مبحث پنجم: راهکارهای عملی در بخش اقتصاد
80	مطلب اول: زکات و صدقات و نقش آن در برقراری امنیت اجتماعی
81	مطلب دوم: تشویق به قرض حسنه
82	مطلب سوم: تشویق به کسب روزی حلال
85	مبحث ششم: راهکارهای عملی در بخش حقوق و حکومت داری
85	مطلب اول: عدالت اجتماعی
88	مطلب دوم: شهادت به حق
90	مطلب سوم: وفاء به عهد و پیمان های سیاسی
92	مطلب چهارم: تقویه نظام شورایی
93	مطلب پنجم: اطاعت از ولی امر در کارهای نیک
95	مبحث هفتم: مجازات شرعی و نقش آن در تحقق امنیت اجتماعی پایدار
95	مطلب اول: قصاص قاتل
97	مطلب دوم: تعیین بدترین سزا برای کسانی که امنیت اجتماعی را به خطر مواجه می سازند
99	مطلب سوم: مجازات تهمت کننده برای حفظ امنیت روانی اجتماعی
100	مطلب چهارم: مجازات متجاوز جنسی
101	مبحث هشتم: راهکارهای عملی در بخش سیاست و روابط
101	مطلب اول: مشروعیت جهاد برای تامین امنیت اجتماعی
102	مطلب دوم: امر به معروف به هدف استحکام ارزش های جامعه
104	مطلب سوم: نهی از منکر و مبارز علیه فساد
105	مطلب چهارم: تشویق به صلح و آشتی در روابط سیاسی و اجتماعی
106	مطلب پنجم: تشویق به پناه دادن سیاسی
107	مطلب ششم: ابلاغ امور سیاسی به مسئولین
108	مطلب هفتم: حق آزادی
111	مطلب هشتم: سپردن امانت و کار را به اهل کار دادن
113	مبحث نهم: راهکاری عملی در بخش صحت و امنیت غذایی
113	مطلب اول: تشبیه نعمت های دنیوی و نعمت های بهشتی

114 ..... مطلب دوم: دسترسی دائم به غذا

115 ..... مطلب سوم: استفاده از انواع روزی های پاک و حلال

### خاتمه

117 ..... الف: نتیجه گیری

119 ..... ب: پیشنهاد ها

120 ..... ج: فهرست آیات

124 ..... د: فهرست احادیث

125 ..... هـ: فهرست اعلام

126 ..... و: فهرست منابع

129 ..... Summary of the discussion

## مقدمه

الحمد لله الذي أرسل رسوله بالهدى و دین الحق ليظهره على الدين كله، والصلوة والسلام على حبيبه المصطفى محمد بن عبدالله الذي بلغ الرسالة وأدى الأمانة و نصح الأمة و جاهد في الله حق جهاده، و على آله و صحابته و من دعا بدعوته و انهج منهجه واستن سبيله الى يوم الدين.

و بعد:

تقریباً چهارده قرن پیش، جهان به طور عموم و سرزمین عرب به طور خاص در عالمی از بدامنی، ظلم و استبداد به سر می برد، سرزمین عرب در آن وقت چنان آشفته و پریشان بود که هیچ کس در هیچ نقطه آن احساس آرامش نمی کرد، زمانی بود که انسان قوی، انسان ضعیف و نا توان را می بلعید، پدر بر دختر و پسر خویش رحمی نداشت و او را بی رحمانه می کشت تا رنج به دست آوردن روزی پسر و ننگ به شوهر دادن دخترش را به دوش نکشد، بسا از انسان های در آن دوران زنده گی می کردند که از ناحیه عدم اطمینان و آرامش ذهنی، فکری و اجتماعی در جنگلی از سردرگمی به سر می بردند و همانند بشریت پریشان امروزی به دنبال آرامش و امنیت خاطر به خوردن شراب و سایر مخدرات متوسل می شدند و یا برای رسیدن به آسوده گی خاطر ادیان موجود وقت را مطالعه می کردند.

در چنین روزگاری که نه نظامی وجود داشت و نه امنیت، آفریدگار عالم از روی رحمت و مهربانی اش، شخصی را از قلب دنیای عرب به عنوان سفیر و پیام آور خویش انتخاب نمود تا با آوردن یک نظام هدف مند و طرح قوانین جدید برای یک زنده گی نوین و قانونی، بشریت را برای ابد از سرگردانی و پریشانی نجات دهد و روح و روان آنان را آسوده و زنده گی اجتماعی آنان را آرام و مطمئن بسازد.

آری این پیام آور محمد-صلی الله علیه وسلم- بود که در خانواده پاکی از قبیله قریش در سرزمین تاریخی مکه به دنیا آمد و پس از چهل سال زنده گی پر از صداقت و امانت در میان مردم، به مشکلات فردی و اجتماعی جامعه خویش پی برد و درک این آشفتگی های روزگار سرانجام او را به غار تفکر و اندیشه برد تا جایی که روزها و شب های متوالی به دنبال راه حل در بلندای یکی از کوه های سرزمین مکه غرق فکر کردن به منظور یافتن راه برون رفت از این بنبست بود و در نتیجه پیامی را از عالم بالا و از نزد آفریدگار هستی دریافت نمود، پیامی که آغازش به امر «اقرأ» و خواندن شروع گردید و در طول بیست و سه سال به گونه تدریجی با در نظر داشت حوادث و رویداد های وقت نازل گردید و نور این چراغ آسمانی جهان آن روز را به طور قابل ملاحظه تحت تاثیر قرار داد که تا هنوز شعاعش پرتو افکن بخش بزرگی جهان کنونی ما است.

قرآن کریم، نظامی را در جهان اساس گذاشت که با تطبیق قوانین آن، امنیت اجتماعی کلی جامعه انسانی

به گونه کامل و همه جانبه برقرار می گردد و حق هیچ کسی در آن تلف نمی شود، قرآن در زمانی فرود آمده بود که زن به عنوان عضو جامعه انسانی شناخته نمی شد و زنده گی اجتماعی اش کم تر از وضعیت یک حیوان خانگی نبود ولی قرآن کریم از زنان آن زمان، دانشمندان، رهبران و الگوهای زنده گی ساخت و نقش آنان را برجسته نمود و برای شان حق شهروندی، حق رای و انتخاب و حق تجارت و کسب و کار داد، قرآن کریم در عصری نازل شد که انسان ها به برده گی گرفته می شدند و مانند متاع و کالای مصرفی به فروش رسانیده می شدند، اما قرآن کریم با وضع و طرح برنامه های سالم و تدریجی خواست این پدیده شوم و ننگین را از جامعه انسانی بردارد و مانع فروش و برده گیری انسان شود و امنیت و آرامش اجتماعی مساویانه را برای همه به ارمغان بیاورد.

بلی! تا زمانی که قرآن به مثابه یک قانون و دارای برنامه های مختلف امنیتی، نظامی، سیاسی و اجتماعی در جامعه انسانی و اسلامی مرجع اساسی و معیار حکم و داوری قرار می گرفت، جوامع انسانی از امنیت و آرامش کلی برخوردار بودند و شکایت های اندکی از نا به سامانی ها و بی عدالتی ها در روزگار شان ثبت می گردید، دوره خلافت راشد به خصوص دوره خلافت عمر فاروق -رضی الله عنه- را می توان به عنوان یکی از نمونه های نام برد که در آن دوران عدالت به معنای واقعی اش تطبیق می گردید و مساوات به مفهوم اصلی تجربه می شد.

مطالعه دقیق تاریخ به ما نشان می دهد که مسلمانان هر قدر که از مفاهیم اساسی قرآن دور تر شدند و با مرور ایام به جای تطبیق عملی آن، به بحث های لفظی پرداختند و در اختلافات فرعی فرو رفته و درگیر مناقشات بی معنا شدند، سرانجام پیشرفت های علمی، امنیت اجتماعی و سلطه و نظام را از دست دادند و بلاخره دست شان را به دامان دیگران انداختند تا امنیت و آبروی از دست رفته خویش را به سرزمین های شان اعاده کنند. نمونه واضح این مدعا همین سرزمین ما و کشوری به نام افغانستان است که ساکنانش را به طور عموم مسلمانان تشکیل می دهند و کتابی را در بغل دارند که همه طرح های امنیتی برای برقراری آرامش زنده گی فردی و اجتماعی، در آن موجود است و می دانند که قرآن منحیث یک کتاب بلیغ ضمن این که عرصه های مختلف زنده گی را در بر گرفته و روی موضوعات مختلف بحث کرده است، موضوع امنیت اجتماعی را به مثابه یکی از ضرورت های بشری به شکل کافی احتوا نموده ولی با وصف آن از هیچ گونه آرامش در زنده گی خود برخوردار نیستند و سال هاست که در آتش جنگ، فقر، بی کاری، جهل و نا آرامی می سوزند و راه برون رفت خود را نیز از معضله عدم امنیت اجتماعی گم کرده اند.

اما باید بدانیم که جامعه انسانی به طور عام و کشور های اسلامی که کشور ما افغانستان جزء آن به شمار می رود، به گونه خاص؛ هیچ راه بدیل به جزء برگشت به اصول و مقررات قرآنی برای آوردن امنیت اجتماعی در

جامعه خویش ندارند و اگر واقعاً به دنبال یافتن راه خروج از وضعیت موجود هستیم پس ناگزیر به قرآن و طرح های امنیتی آن مراجعه کنیم و تطبیق آن را سرلوحه کاری خود قرار دهیم و آنگاه خواهیم دید که از امنیت کامل برخوردار می شویم.

این رساله علمی به مثابه یک مطالعه موضوعی قرآن کریم به همین منظور نوشته شده است تا بدانیم که قرآن کریم از خلال سوره ها و آیه های جاویدانی اش چه هدایاتی را برای برقراری امنیت اجتماعی ما مسلمانان وضع کرده است؟، این بحث، تفکر ما را نسبت به قرآن و طرح های عملی آن در جهت تامین امنیت اجتماعی، وسیع تر می سازد و با دقت و تلاشی که در آن صورت گرفته است برای ما روشن خواهد شد که قرآن چه قدر طرف دار امن و آسایش مردم است و تبلیغات منفی که علیه قرآن صورت می گیرد، بی اساس و بی بنیاد و از روی دشمنی و عناد است که لجام آن به دست اسلام ستیزان و یا هواداران آنان در کشور های اسلامی است.

من با درک نکات فوق و با توجه به ضرورت فعلی ما به امنیت، صلح و آرامش در کشور و اعتقاد مردم خویش نسبت به قرآن و با تشویق و انگیزه استادانم تصمیم گرفتم، تلاش خود را در راستای نوشتن این بحث به انجام برسانم و با ارایه این تحقیق بتوانم سهمی خود را در انکشاف جامعه و برقراری امنیت در کشور ایفا نمایم.

### اسباب اختیار موضوع:

موضوعی را که برای تحقیق و مطالعه موضوعی اختیار نمودم، عوامل گوناگون دارد که از جمله به برخی موارد آن اشاره می کنم:

- 1- نا امنی های روز افزون در کشور عزیزمان افغانستان و ناامیدی مردم نسبت به تامین امنیت کلی در کشور؛ من خواستم با این تحقیق نشان بدهم که با تطبیق هدایاتی که قرآن کریم برای ما در قسمت امنیت اجتماعی وضع کرده است می توانیم، امنیت را در کشور برقرار نمایم.
- 2- ضرورت حاد و بنیادی مردم افغانستان به یافتن راه های مناسب جهت رسیدن به امنیت اجتماعی و کوشش و تلاش افراد مصلح در راستای پیدا کردن راه حل برای معضلات و مشکلات امنیتی، که شرح و بیان موضوع فوق الذکر می تواند به عنوان یک نقشه راه کمک گر واقع شود.
- 3- عدم فهم درست و کافی اکثریت مسلمانان از قرآن نسبت به مباحث امنیت اجتماعی و ضرورت های بشری به آن با مطالعه این بحث خواهیم فهمید که قرآن کریم در این مورد ساکت نمانده و به کثرت به موضوعات اجتماعی پرداخته است.
- 4- تشویق جوانان و شاگردان میدان علم و معرفت به مطالعه موضوعی قرآن و بحث و تحقیق در این مورد.

## اهمیت موضوع:

با در نظر داشت نکات یاد شده در فقره های قبلی و عوامل انتخاب موضوع و با توجه به میزان بلند ارج گذاری مسلمانان به موضوعات قرآنی و ضرورت صد در صدی جامعه ما نسبت به امنیت و تامین آرامش نسبی در کشور، ضرورت و اهمیت انجام چنین تحقیقی کاملاً ملموس و مشهود است، تحقیق و تدقیق پیرامون مسئله طرح شده و آگاهی از روش و طرح های قرآن نسبت به مسایل اجتماعی، دیدگاه ما را به اندازه کافی نسبت به قرآن و برنامه های آن متحول می سازد و بینش و جهان بینی ما را وسیع تر و فراخ تر می گرداند؛ چون با مطالعه و نگرش ژرفا در این موضوع درمیابیم که قرآن کریم منحصراً اولین مصدر و مرجع دین اسلام، چه قدر خوب این موضوع را احتوا کرده است و چه راهکار های مفیدی را برای برقراری امنیت اجتماعی بیان فرموده است، همچنان با مطالعه موضوعی این بحث در قرآن، درک می کنیم که قرآن کتاب جامع و فراگیر تمام بخش های زنده گی است.

## سوال های اصلی تحقیق:

هرگونه بحث و تحقیق روی مسائل علمی، اجتماعی و تاریخی، شامل سوال های است که در حقیقت این سوال ها عامل اصلی تحقیق می باشند، موضوع مورد مطالعه ما نیز متضمن سوال های زیادی هست که بعضی آن ها را ذیلاً متذکر می شویم:

الف: سوال اصلی

1- قرآن کریم برای تامین امنیت چه هدایات و رهنمایی هایی را بیان کرده است؟

ب: سوال های فرعی

2- عوامل از بین رفتن امنیت چیست؟

3- آیا طرح های قرآن برای تامین امنیت اجتماعی در عصر حاضر قابل تطبیق هستند؟

**فرضیه تحقیق:** قرآن کریم با بیان عوامل از بین رفتن امنیت اجتماعی، راهکارهایی را در بخش عقیده، اخلاق، اقتصاد و سیاست غرض برقراری امنیت اجتماعی بیان کرده است.

## پیشینه تحقیق:

نگارش و تحقیق در موضوعات قرآنی پیشینه ی طولانی دارد و در طول تاریخ هرکسی که با قرآن کریم اشتغال می داشت، نیازمند فهم مسایل و مطالعه آن بود، مفسرین بزرگ در هر زمان و مکان نظر به اهمیت و اقتضای عصر خویش، موضوعات مختلف را به بحث گرفته اند، هرچند در گذشته ها تفسیر موضوعی قرآن به گونه ای که فعلاً کاربرد دارد وجود نداشته اما خشت های اولی این بنای بزرگ و ریشه های بنیادی آن به زمان

های قدیمی بر می گردد.

در خصوص موضوع مورد بحث (هدایات قرآن برای برقراری امنیت اجتماعی) تالیف خاصی در فهرست کتاب ها و تفاسیر قدیمی دیده نمی شود اما پس از گرم شدن میدان تحریر و نویسندگی و باز شدن دروازه های تالیف و تحقیق پیرامون تفسیر موضوعی قرآن، بسا از دانشمندان جهان اسلام به نوشتن و جمع آوری این موضوع پرداخته اند که در ذیل نام برخی آن ها تذکر داده می شود:

1- التأمیل الشرعی للأمن الاجتماعی فی القرآن الکریم والسنة النبویة والفقہ الإسلامی: این اثر توسط دکتر جیهان الطاهر محمد عبد الحلیم استاذ همکار در جامعه حائل - بخش ثقافت اسلامی - نوشته شده و در آن موضوع امنیت اجتماعی در روشنی قرآن، سنت و فقه اسلامی بحث شده است.

2- الأمن المجتمعی فی ضوء العقیدة والفکر الإسلامی: این بحث به شکل رساله و بحث علمی توسط سلمان محسن عبدربه تحریر گردیده و در آن امنیت اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است اما نه تنها در روشنی قرآن بلکه در روشنی عقیده و فکر اسلامی که شکل عام را دارد.

3- مفهوم الأمن فی القرآن الکریم: این رساله تالیف دکتر رعد فواز الزین می باشد و در این کتاب روی مفهوم امن در قرآن کریم شامل مشتقات آن می شود بحث شده است.

4- امن البلدان من خلال القرآن (دراسة موضوعیة): این اثر دکتر ریاض بن محمد المسیمیری. استاد دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود در ریاض پایتخت کشور سعودی است، در این اثر روش های برقراری امنیت اجتماعی از خلال برنامه های قرآنی به شکل موضوعی بیان شده است اما در این کتاب موضوع امنیت به طور عموم در روشنی قرآن کریم به بحث گرفته شده است و روی امنیت اجتماعی شهرها تمرکز بیشتر صورت گرفته است نه امنیت اجتماعی که شامل بخش های زیادی است.

5- التریبة الأملیة فی ضوء القرآن الکریم: این اثر تالیف دکتر عبدالسلام حمدان اللوح. و دکتر محمود هاشم عنبر است و در آن روی تربیت امنیتی قرآن تمرکز شده است و نکات بسیار ارزنده در مورد اینکه چگونه یک فرد را از لحاظ امنیت فکری، نظامی، اجتماعی تربیت کنیم، وجود دارد، اما موضوع محوری آن روی برقراری امنیت اجتماعی نه بلکه روی تربیت امنیت فردی است.

6- الأمن النفسی فی ضوء القرآن الکریم: این رساله تالیف د. حشمت عبدالراضی است و در آن مشخصاً روی امنیت نفسی فرد تمرکز شده است نه امنیت اجتماعی.

7- جایگاه امنیت اجتماعی در قرآن کریم نویسنده: محتشم مؤمنی، نشریه مجموعه مقالات (قرآن و اخلاق) منبع: پایگاه تحقیقاتی القرآن.

8- أصول الأمن الغذائی فی ضوء القرآن والسنة: این موضوع به شکل یک مقاله علمی نوشته شده و در اینترنت



منتشر شده است که امنیت غذایی در روشنی قرآن به بحث گرفته شده است.

9- برنامه الأمن فی ضوء القرآن الکریم: این موضوع به شکل برنامه تلویزیونی توسط دکتور ابراهیم المیمن در تلویزیون «اذاعة القرآن الکریم» کشور سعودی منتشر می شود.

10- امنیت در روشنی قرآن کریم: این رساله ماستری توسط علی شیر مبارز شاهیمی محصل برنامه ماستری پوهنتون سلام، با رهنمایی محترم شیخ محمد نعیم جلیلی در سال 1398 (هـ.ش) 1440 (هـ.ق) نوشته و دفاع شده است، اما در این رساله موضوع امنیت به شکل عام مورد بحث قرار گرفته و به امنیت اجتماعی اندکی به آن اشاره شده است.

تالیفات و نوشته های فوق هرکدام در جای خود اهمیت و فواید خود را دارند، اما تا جایی که من بحث های فوق را مطالعه نمودم، برخی آن ها جامع و فراگیر تمام طرح های قرآن در مورد امنیت اجتماعی نبودند و برخی دیگر موضوع امنیت اجتماعی را به شکل عام در پرتو قرآن و سنت یا قرآن، سنت، عقیده و فقه اسلامی بیان کرده اند و نیز اکثر بحث ها فوق به زبان عربی نوشته شده اند که استفاده یا دست رسی به آن در کشور ما میسر و یا قابل فهم و برداشت نیست، به همین خاطر ضرورت جدی احساس می شود تا این موضوع با در نظر داشت نیازهای جامعه افغانی در روشنی قرآن کریم مورد مطالعه و تدقیق قرار گیرد.

روش تحقیق:

در تحقیق و نوشتن این موضوع از روش کتابخانه یی استفاده شده و با در نظر داشت منهج تفسیر موضوعی تحریر گردیده است برخی از اصطلاحات یا روش هایی که در انجام تحقیق به کار برده ام قرار ذیل است:

1. من در قدم نخست پس از انتخاب موضوع، وارد بحث های پیشینه یی را جستجو نمودم و در نتیجه دریافتم که برخی تلاش های در این زمینه صورت گرفته است، سپس چندین کتاب های مرتبط به موضوع را مطالعه نمودم؛
2. در قدم دوم خطه بحث را در ذهن خود ترتیب داده و سپس به مطالعه کامل قرآن کریم پرداختم و آیاتی را که مربوط امنیت اجتماعی و به خطه آماده شده ذهنی ام ربط داشتند، جمع آوری نمودم؛
3. پس از آن به فصل بندی و ترتیب عناوین پرداخته و آیات جمع آوری شده را در ذیل فصول و عناوین تنظیم نموده و با استفاده از کتاب های تالیف شده برخی مطالب مرتبط را یادداشت کردم؛
4. در نوشتن مطالب و موضوعات تلاش کرده ام اندوخته هایم را با کلمات و اصطلاحات خود بنویسم و متنی را که مستقیماً از سایر کتب نقل نموده ام با علامه قوس کوچک («») نشانی کرده و حواله های متون و مراجع نقل شده را در پاورقی با ذکر صفحه و جلد تحریر نموده ام؛

5. در ترجمه آیات نیز تلاش کرده ام تا ترجمه مفهومی آیات را مطابق فهم خود بنویسم و گاهی برای حصول اطمینان به تفسیر فارسی «نور» و یا تفسیر راستین ترجمه تفسیر تیسیر الکریم الرحمن ترجمه محمد گلشاده‌هی که خیلی ترجمه روان دارد مراجعه کرده ام؛
6. احادیث را در پاورقی تخریح نموده و به استثنای احادیث صحیح البخاری و صحیح مسلم، حکم سایر احادیثی را که از کتب دیگر نقل نموده ام، بیان کرده ام،
7. چون این بحث به عنوان مطالعه موضوعی قرآن نوشته شده است، بناءً تمام محتویات مطالب و مباحث آن از آیه های قرآن برداشت شده است و برای شرح آن گاهی از احادیث و سخنان گهربار پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- نیز استفاده شده است.

### خطه بحث:

مقدمه: شامل موضوعات مقدماتی از قبیل اسباب اختیار موضوع، اهمیت موضوع، سوال های اصلی تحقیق، پیشینه تحقیق، روش تحقیق.

فصل اول: مفاهیم کلی

مبحث اول: تعریف واژه های کلیدی

مبحث دوم: اقسام و مبانی امنیت

مبحث سوم: اهمیت و ارزش امنیت در قرآن کریم

فصل دوم: هدایات و راهکار های قرآن برای برقراری امنیت اجتماعی

مبحث اول: راهکار های فکری و عقیدوی

مبحث دوم: راهکارهای اخلاقی

مبحث سوم: راهکارهای عملی در بخش عبادت

مبحث چهارم: راهکارهای عملی در بخش خانواده

مبحث پنجم: راهکارهای عملی در بخش اقتصاد

مبحث ششم: راهکارهای عملی در بخش حقوق و حکومت داری

مبحث هفتم: مجازات شرعی و نقش آن در تحقق امنیت پایدار

مبحث هشتم: راهکارهای عملی در بخش سیاست و روابط

مبحث نهم: راهکاری عملی در بخش صحت و امنیت غذایی

خاتمه: شامل نتیجه گیری، پیشنهاد ها، فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اعلا و فهرست منابع

## فصل اول

### مباحث کلی در مورد امنیت اجتماعی

از آنجا که قرآن کریم به عنوان مرجع اساسی شریعت اسلامی و بهترین نسخه شفابخش آلام روحی و جسمی انسان ها در برگزیده ی نیازهای اساسی دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی انسان ها می باشد، نسبت به مسئله امنیت در اجتماع بشری توجه ویژه ای داشته و درآیات بسیاری ضمن بیان اهمیت موضوع امنیت، مخاطبان خود را نسبت به اهمیت آن متذکر شده است؛ در این فصل پس از تعریف و ارایه مفهوم امنیت به جایگاه و اشارات کلی قرآن به امنیت اجتماعی خواهیم پرداخت، این فصل شامل مباحث و مطالب ذیل است:

#### مبحث اول: تعریف واژه های کلیدی

مطلب اول: معنای لغوی امنیت

مطلب دوم: بررسی برخی از مشتقات مشهور امن در قرآن

مطلب سوم: معنای اصطلاحی امنیت

مطلب چهارم: کلمات مترادف امنیت در قرآن

#### مبحث دوم: اقسام امنیت، مفهوم و مبانی امنیت اجتماعی

مطلب اول: امنیت فردی و انواع آن

مطلب دوم: امنیت اجتماعی، تعریف و مبانی آن

فرع اول: مفهوم امنیت اجتماعی

فرع دوم: مبانی امنیت اجتماعی

#### مبحث سوم: اهمیت و ارزش امنیت در قرآن کریم

مطلب اول: امنیت به عنوان پاداش بی بدیل در قرآن

مطلب دوم: دعای ابراهیم - علیه السلام - به خاطر امنیت اجتماعی

مطلب سوم: شهر مکه نمونه ای از یک شهر دارای امنیت اجتماعی

مطلب چهارم: سایر شهرهایی که از امنیت آن در قرآن کریم یاد آوری شده است

مطلب پنجم: امنیت و آرامش در جنت

مطلب ششم: امنیت نشانه پیروزی مومنان

مطلب هفتم: امنیت پیامبران - علیه السلام -

## مبحث اول: تعریف واژه های کلیدی

عنوان بحث مورد نظر ما شامل سه واژه کلیدی (امن، اجتماع و قرآن) است بناءً مناسب است اولاً هر کدام به طور جداگانه لغتاً واصطلاحاً تعریف گردد، اما کلمه اصلی و محوری ما واژه امن می باشد که ریشه این واژه بیش از (925) مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است<sup>1</sup> و نظر به اختلاف مصادر، معانی گوناگون و متقارب از آن اراده شده است، مشهور ترین تکرار مصادر اشتقاق شده از این ریشه عبارت اند از ایمان، امانت و امن و چون ریشه این مصادر یکی هستند، بناءً معنای امنیت و آرامش طبق اصول زبان عربی در تمام مشتقات آن دیده می شود.

در این تحقیق، کلمه امن منحیث ریشه مورد بحث قرار نمی گیرد چون نظر به وسعت دایره معنوی این کلمه، جزئیات و موضوعات مرتبط به آن زیاد است و جمع آوری تمام مصادر و مشتقات آن ما را به گونه ای از اصول و منهج تفسیر موضوعی بیرون می سازد چون روش اصلی این نوع تفسیر ایجاز و اختصار و پرهیز از اطناب و تفصیل است به همین ملحوظ حسب ضرورت یکی از معانی اشتقاق شده از کلمه امن را که امنیت می باشد انتخاب نموده و در این خصوص بحث خواهیم کرد.

### مطلب اول: معنای لغوی امنیت

امن لغتاً به معنای ضد خوف و ترس است چنانچه ابن منظور<sup>2</sup> -رحمه الله- می نویسد: «الأمن ضدُّ الخوف ونقيضه، والأصل أن يُستعملَ في سُكونِ القلب، والأمانُ والأمانةُ بمعنى، فالأمن يعني الطمأنينة والاستقرار وعدم الخوف، ويعني الصدق وعدم الخيانة»<sup>3</sup> (امن ضد خوف و نقیض آن است و در اصل به معنای سکون و آرامش قلبی استعمال می شود، امان و امانت به یک معنا است، پس مفهوم اصلی امن اطمینان، استقرار و عدم ترس است یعنی راستی و نبود خیانت).

ابن فارس<sup>4</sup> -رحمه الله- گفته است: «الهمزة والميم والنون أصلان متقاربان: أحدهما: الأمانة التي هي ضد الخيانة،

---

<sup>1</sup> عبدالباقي، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، دارالكتب المصرية، القاهرة، 1364، ریشه امن صفحات 94 الى 105.  
<sup>2</sup> ابن منظور، جمال الدين ابو الفضل محمد بن مكرم بن علي الانصاري الخزرجي اديب و مورخ جهان اسلام در سال 630 هق در قاهره دیده به جهان گشود و در سال 771 هق در سن 87 سالگی از دنیا رفت و در شهر «قراه» از مربوطات قاهره پایتخت مصر دفن شده است. «ذهبي، شمس الدين محمد، سير اعلام النبلاء، بيروت، 1404 ق/1984 م، ص190»  
<sup>3</sup> ابن منظور، محمد بن مكرم؛ لسان العرب، بيروت: دارصادر، 1414 ق، ماده امن، ج 13 ص 21.  
<sup>4</sup> ابن فارس: أحمد بن فارس بن زكرياء قزوینی رازی، از ادیبان لغت و ادب است اصل او از قزوین است که در سال 329 هجری تولد شده است و مدتی در همدان اقامت گزیده بعد به ری سفر کرده و در آنجا در سال 395 هجری از دنیا رحلت کرد و از مشهور ترین تصانیف او مقاییس اللغة و جامع التأویل فی تفسیر القرآن است. زرکلی، الأعلام ج 1 ص193.

ومعناها سكون القلب، والآخر: التصديق»<sup>1</sup> (همزه، میم و نون دو اصل متقارب با هم می باشند؛ یک معنای آن امانت که به معنای ضد خیانت است و معنای دوم آن تصدیق و باور کردن است).

همچنان امام راغب اصفهانی<sup>2</sup> -رحمه الله- در کتاب مشهورش «مفردات غریب القرآن» می نویسد: «أصل الامن طمأنينة النفس وزوال الخوف»<sup>3</sup> (امن عبارت از آرامش نفس و زوال ترس و هراس است. به این اساس هر کلمه ای که از ریشه امن اشتقاق شود، معنا و مفهوم آرامش و از بین رفتن ترس و هراس در آن موجود است). عرب ها از این ریشه در موارد مختلف که در هر کدام معنای اطمینان و آرامش مشاهده می گردد، استفاده می کنند چنانچه می گویند: «أمن صاحبه وأمنه علي ماله وأمنه بماله: وثق به. ومصدره الأمانة ضد الخيانة» او بر رفیق خود اعتماد کرد و بر مال خود او را امین دانست. همچنان می گویند: «أمن أمانة وأمنة: لم يخف فهو آمن وهي أمانة وهم آمنون» یعنی او مطمئن شد و نه ترسید. آمنه: جعل له الأمن. او را امان داد یعنی برایش امنیت را تضمین کرد. آمن يؤمن إيمانا: أذعن وصدق. او ایمن شد و باور کرد. ومعاني المادة كلها ترجع إلي الاطمئنان.<sup>4</sup> یعنی معنای این ماده در مجموع به اطمینان و حصول آرامش بر می گردند.

مطابق به آن چه منابع لغوی زبان عربی نقل گردید، به این نتیجه می رسیم که معنای اصلی لغوی «امن» در فارسی، آرامش، اطمینان، آسایش و بی ترس بودن است<sup>5</sup> و هر کلمه ای که از آن مشتق شود معنای سکون، استقرار و آرامی در آن موجود است.

### مطلب دوم: بررسی برخی از مشتقات مشهور امن در قرآن

چنانچه قبلا اشاره شد از ریشه امن کلمات زیادی مشتق شده است که معنای لغوی آن در تمام کلمات اشتقاق شده موجود است، ذیلا به برخی مشتقات مشهور این واژه در قرآن اشاره می شود:

1- **امین:** واژه امین که صفت مشبه امن است و به معنای شخص مورد اعتماد است، سه بار به صیغه معرفه در

<sup>1</sup> ابن فارس، ابی الحسین احمد ابن فارس ابن ذکریا. (ب،ت). معجم مقاییس اللغة. تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. دارالفکر. سال طبع: 1399 هـ -

1979 م. (133/1)

<sup>2</sup> حسین بن محمد بن المفضل، أبو القاسم اصفهانی معروف به راغب از ادیبان حکماء و علماء اهل اصفهان بود که سال تولدش معلوم نیست و در بغداد سکونت گزیده است و در آنجا شهرت حاصل نمود آثار متعدد نگاشت که از جمله من (محاضرات الأدباء الذریعة إلى مکارم الشریعة (الأخلاق) ویسمی (أخلاق الراغب) وجامع التفاسیر) (المفردات فی غریب القرآن) و (حل متشابهات القرآن) و (تفصیل النشأتین) فی الحکمة و علم النفس و تحقیق البیان، فی اللغة والحکمة، و کتاب فی الاعتقاد) و (أفانین البلاغة) او در سال 502 هجری وفات کرده است. زرکلی، الاعلام ج 2 ص 255.

<sup>3</sup> راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، مفردات ألفاظ القرآن، دارالقلم - دمشق 1992 م. ج اول ص 25

<sup>4</sup> المعجم و التفسیر اللغوی لكلمات القرآن ج. 1. ص 181

<sup>5</sup> معین، محمد بن معین، فرهنگ معین، انتشارات مهر، قم، ایران، 1378 هـ ش ج 1 ص 280

وصف جبرئیل<sup>1</sup>، در وصف حضرت موسی -علیه السلام-<sup>2</sup> و در وصف شهر مکه<sup>3</sup> آمده است. و به صیغه نکره یازده مرتبه در وصف برخی از پیامبران<sup>4</sup>، در وصف جنت<sup>5</sup>، در وصف جبرئیل<sup>6</sup> در وصف شخصی از جن های تابع سلیمان<sup>7</sup>-علیه السلام- تکرار شده است.

2- امانت: کلمه امانت یک بار به صیغه مفرد در قرآن کریم ذکر گردیده است چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾<sup>8</sup>

(به درستی که ما امانت را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم که از پذیرفتن آن خودداری کردند و از آن ترسیدند و انسان آن را برداشت، بی گمان او ستمگر نادان است.)

ظاهرا امانت به چیزی گفته می شود که نزد کسی جهت حفظ و نگهداری گذاشته می شود اما اینکه مقصود از امانت در این آیه چیست مفسرین راجع به آن اقوال زیادی نقل کرده اند و چون مورد بحث ما نیست بناءً از تفصیل آن می گذریم.

همچنان کلمه امانت یک بار دیگر به صیغه جمع ذکر گردیده است چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾<sup>9</sup> (همانا خداوند به شما فرمان می دهد تا امانتها را به اهل آن بسپارید).

3- ایمان: کلمه ایمان نیز که از ریشه «امن» مشتق شده است در قرآن کریم به صیغه های مختلف به کثرت تکرار شده است و در هر جایی که این کلمه استعمال شده است منظور از آن یقین و باور کردن به وجود خداوند، روز قیامت و سایر معتقدات اسلامی است.

4- مؤمن: کلمه مؤمن که اسم فاعل ایمان است، دوازده مرتبه به صیغه مفرد و 98 مرتبه به صیغه جمع در قرآن

<sup>1</sup> سوره شعراء آیه 193

<sup>2</sup> سوره قصص آیه 26

<sup>3</sup> سوره تین آیه 3

<sup>4</sup> سوره اعراف، آیه 68، سوره شعراء آیه های 125، 143، 162، 178، سوره دخان آیه 19 و سوره یوسف آیه 54

<sup>5</sup> سوره دخان آیه 51

<sup>6</sup> سوره تکویر آیه 21

<sup>7</sup> سوره نمل آیه 39

<sup>8</sup> سوره احزاب آیه 72

<sup>9</sup> سوره نساء آیه 58

کریم تکرار شده است<sup>1</sup>، مؤمن یکی از نام های خداوند نیز هست و به این صفت یک بار در قرآن کریم آمده است<sup>2</sup>

### مطلب سوم: معنای اصطلاحی امنیت

معنای اصطلاحی امنیت با معنای لغوی آن متقارب و نزدیک است، علمای لغت آن را این گونه تعریف کرده اند: « هو عدم توقع مکروه في الزمان الآتی»<sup>3</sup> (امن عبارت از عدم توقع چیز نا پسند در زمان آینده است). اما امنیت در ادبیات معاصر امن در اصطلاح به دو شکل تعریف شده است که ذیلا بیان می گردد: تعریف اول: « الأمن إحساس بالطمأنينة التي يشعر بها الفرد سواء بسبب غياب الأخطار التي تهدد وجوده، أو نتيجة امتلاكه الوسائل الكفيلة بمواجهة تلك الأخطار حال ظهورها»<sup>4</sup>. (امن عبارت از اطمینانی است که یک فرد جامعه آن را احساس می کند برابر است که این احساس به سبب غیاب خطرهای تهدید کننده باشد یا در نتیجه دست یافتن او به وسایل ایمنی که در صورت ظهور خطرها می تواند در مقابل آن از خود دفاع کند). تعریف دوم: «الحالة التي تتوافر حين لا يقع في البلاد إخلال بالقانون، سواء كان هذا الإخلال جريمة يعاقب عليها، أو نشاطاً خطيراً يدعو إلى اتخاذ تدابير الوقاية؛ لمنع هذا النشاط من أن يتحول إلى جريمة»<sup>5</sup> (امن عبارت از حالت همگانی است که در شهرها رفتار خلاف قانون صورت نگیرد، برابر است که این رفتار مخالف قانون جرم موجب سزا باشد یا عمل عادی خطرناک که به اتخاذ تدابیر وقایوی ضرورت داشته باشد تا به از آن به یک جرم تبدیل نه شود).

تعاریفات دیگری نیز از برخی علما و مفسرین نقل شده است، چنانچه ابوحیان اندلسی<sup>6</sup> رحمه الله می گوید: امنیت عبارت است از بین رفتن آنچه سبب ترس هراس می شود.<sup>7</sup>

<sup>1</sup> عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، دارالکتب المصریة، القاهرة، 1364، ریشه امن صفحات 94 الی 105.

<sup>2</sup> سوره حشر آیه 23

<sup>3</sup> جرجانی، سید شریف علی بن محمد، التعریفات، دار إحياء التراث العربی - بیروت 2003م، صفحه 55.

<sup>4</sup> هلالی، نشأت هلالی، الأمن الجماعي الدولي، المكتبة الشاملة، ص(155)

<sup>5</sup> د. إدريس حامد، دور الأسرة في أمن المجتمع، ص(421).

<sup>6</sup> ابو حیان، محمد بن یوسف بن علی بن یوسف ابن حیّان أثیر الدین ابوحیان اندلسی (654-745ق) از بزرگان تفسیر، حدیث و ادبیات اهل سنت به شمار می رود. او در نواحی شهر غرناطه به دنیا آمد، به شهر مالقه مهاجرت کرد، در آنجا رشد یافت، و سپس با انتقال به قاهره در آنجا ساکن شد و در همان جا وفات یافت. او همچنین به شهرهای مختلفی از مناطق سرزمین اسلامی مثل افریقا، اندلس، اسکندریه مصر و حجاز مسافرت کرد و از محضر بیش از چهار صد و پنجاه استاد بهره برد. تبحر او در رشته های مختلف علوم به ویژه ادبیات عرب موجب شد تا او را با القابی مثل شیخ النحاة، یا امام النحاة، شیخ المحدثین و رئیس العلماء عنوان بدهند. و در سال 745 هـ در قاهره وفات یافت و در مقبره صوفیه بیرون از باب نصر به خاک سپرده شد. معجم الشعراء العرب، قسم التراجم والطبقات، ج 1 ص 365 المكتبة الشاملة.

<sup>7</sup> اندلسی ابو حیان، محمد ابن یوسف اندلیسی، تفسیر البحر المحیط، درالکتب العلمیة لبنان/بیروت، ط: 1، 1422 هـ ق تحقیق شیخ عادل أحمد عبد

شیخ محمد رشید رضا<sup>۱</sup> رحمه الله می نویسد: امنیت عبارت است از سکون و آرامش نفس و نبود ترس و هراس.<sup>۲</sup>

برخی از علمای سیاست، امنیت را اینگونه تعریف کرده اند: «سلامت و اطمینان نفسی، نبود ترس و هراس در زندگی مردم، و یا آنچه که زنده گی بر آن استوار است، مصالح و اهداف و وسائل که شامل امنیت فردی اجتماعی می باشد.»<sup>۳</sup>

پس در مجموع می توانیم بگوییم که امنیت عبارت است از امان بودن فرد، خانواده و اجتماع بدون ترس و هراس در زنده گی. و مفهوم کلی آن، آزادی و رهائی از ترس و خطر و احساس ایمنی از هرگونه تهدید است.

### مطلب چهارم: کلمات متقارب با امنیت در قرآن کریم

یک سلسله کلمات دیگر نیز در قرآن کریم ذکر شده است که مرادف معنای امنیت می باشند، این کلمات قرار ذیل اند:

1- سلم: این کلمه در قرآن کریم به معنای صلح و آرامش آمده است چنانچه در قرآن کریم آمده است:

﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالِكُمْ﴾<sup>۴</sup>

( پس سست نشوید، و (کافران را) به صلح بخوانید، چرا که شما برترید و خدا با شما است، و هرگز از (اجر و ثواب) اعمال تان نمی کاهد.)

2- سکینة: این کلمه نیز به معنی آرامش، اطمینان و استقرار آمده است، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي

أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزْذَوْا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ﴾<sup>۵</sup>

خدا است که به دل‌های مؤمنان آرامش و اطمینان خاطر داده است تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.

---

الموجود. ج 2 ص 68 .

1- محمد رشید رضا در سال ۱۸۶۵ م در روستایی از اطراف طرابلس در کشور لبنان به دنیا آمد. درس مقدماتی را نزد پدرش که از روحانیون روستا و امام جماعت مسجد بود، فراگرفت و به حفظ آیات قرآن کریم پرداخت. سپس به طرابلس رفت و در مدرسه‌ی ابتدایی «الرشیدیة» که از مدارس دولتی بود، به تحصیل مشغول شد. در سال ۱۸۸۲ م به مدرسه‌ی «الوطنیة الاسلامیة» رفت. رشید رضا به سال ۱۹۳۵ م در مصر درگذشت. رشید رضا نویسنده‌ای پرکار است، که از او آثار قلمی نسبتاً چشم‌گیری به یادگار مانده که عمده‌ی آنها عبارتند از: تفسیر القرآن الکریم مشهور به تفسیر المنار؛ معجم المفسرین (من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر) عادل نویهض، بیروت - لبنان، ط: 3، 1409 هـ ج 2 ص 529

2- رشید رضا، تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار) الهيئة المصرية العامة للكتاب، 1990 م 12. ج 5 ص 14.

3- الأمان فی ضوء القصص القرآنی، دراسة قرآنیة موضوعیة المؤلف سامی محمد بشیر الجدیبة الطبعة الأولى: 1433 هـ ق، ص 24

4- سوره محمد، آیه 35.

5- سوره الفتح، آیه 4.



همچنان در آیه دیگر می آید: ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾<sup>۱</sup>

( خداوند می دانست آنچه را که در درون دلهایشان نهفته بود، لذا اطمینان خاطری به دلهایشان داد، و فتح نزدیکی را پاداش شان کرد. مراد از سکینه در آیه شریف آرامش و سکون است.)

3- اطمئنان. این کلمه نیز در قرآن کریم به معنای آرامش آمده است چنانچه الله -جل جلاله می فرماید: ﴿فَإِذَا

اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا﴾<sup>۲</sup>

( هنگامی که آرامش خود را باز یافتید، نماز را برپای دارید. بیگمان نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معلوم و معین است.)

در آیه دیگر الله متعال می فرماید:

﴿وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾<sup>۳</sup>

( بعضی از مردم هم، خدا را در حاشیه و کناره می پرستند اگر خیر و خوبی بدیشان برسد، به سبب آن استوار و ماندگار می شوند، و اگر بلا و مصیبتی بدیشان برسد، برمی گردند. بدین ترتیب هم دنیا و هم آخرت را از دست می دهند، و مسلماً این زیان روشن و آشکاری است.)

---

1- سوره الفتح، آیه 18.

2- سوره نساء، آیه 103.

3- سوره حج آیه 11.

## مبحث دوم: اقسام امنیت، مفهوم و مبانی امنیت اجتماعی

امنیت دارای اقسام گوناگون و متنوع است و هر کدام آن به گونه جداگانه در جایگاه خود نیازمند بحث و بررسی هستند؛ اما در یک تقسیم بندی کلی که از لحاظ بنیادی اقسام ذکر شده را در بر می گیرد، می توان امنیت را به دو نوع «امنیت فردی» و «امنیت اجتماعی» تقسیم نمود؛ چون هنگامی که بحث از امنیت به میان می آید این موضوع را هم در حوزه فرد و هم در حوزه اجتماع متصور می سازد و در حقیقت ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر می داشته باشند به گونه ای که ایجاد و برقراری امنیت اجتماعی بدون پرداختن به علل و عوامل ایجاد امنیت فردی منتج نبوده و مثمر نخواهد بود از این جهت تجربه می رساند که «امنیت فردی زیربنای امنیت اجتماعی است و بیش ترین طرح های قرآن کریم برای تامین و برقرار امنیت اجتماعی، مواردی هستند که به اصلاح افکار، باورها و کردار افراد تعلق دارند.

و چون بحث مورد نظر ما بیان هدایات قرآن برای تامین امنیت اجتماعی یا امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن است بناءً با در نظر داشت تعریف یاد شده تلاش می کنیم راهکار های قرآن کریم را برای چگونه آوردن یک فضای آرام و مطمئن که تمام ارزش ها و قوانین طبیعی و انسانی در آن حفظ باشند، بدانیم و در این بحث خواهیم دانست که قرآن کریم چه طرح های زیبایی را در این خصوص برای بشر ارائه کرده است.

### مطلب اول: امنیت فردی و انواع آن

با در نظر داشت تعریفات که در مورد امنیت قبلاً نقل گردید، با ترکیب کلمه فردی با آن می توانیم امنیت فردی را چنین تعریف نماییم: امنیت فردی عبارت از حالتی است که در آن فرد فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان و مال یا آبروی خود یا از دست دادن آنها زندگی می کند.<sup>1</sup> در قرآن کریم به امنیت فردی زیاد تاکید شده است که در مجموع می توانیم آن را به سه بخش ذیل دسته بندی نماییم:

#### الف: امنیت روحی و فکری

منظور از امنیت فکری سلامت قوه فکری، روانی و عقلی انسان از چیزهایی است که باعث می شود فکر و عقل از مسیر طبیعی خود دور شود، در قرآن کریم به نیروی فکری انسان توجه ویژه ای صورت گرفته است، امنیت روحی و فکری با انتما و منسوب بودن به دین، معیت الهی و انس گرفتن با حضور و مراقبت خداوند

---

<sup>1</sup> الأمان فی ضوء القصص القرآنی، دراسة قرآنیة موضوعیة المؤلف سامی محمد بشیر الجدیبة الطبعة الأولى: 1433 هـ ق، ص 24

متحقق می شود، نزدیک شدن به خداوندی که یک انسان مومن را توسط اعمال نیک به درجات بلندی از انسانیت می رسد و اگر شکل و صورتش نا مناسب هم باشد از ارزش او نمی کاهد.<sup>1</sup>

قرآن کریم همواره انسان را به تفکر و تعقل تشویق می کند و از مواردی که امنیت فکری انسان ها را تهدید می کند نهی کرده است، به طور مثال شک انداختن مسلمانان نسبت به دین شان، تشکیک در قرآن کریم و اینکه این کتاب محفوظ نیست، تشکیک در سنت رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- و کوشش دشمنان اسلام به برگرداندن مسلمانان به کفر، از مواردی هستند که امنیت فکری مسلمانان را تهدید می کنند و در قرآن کریم آیه های زیادی برای حفظ امنیت فکری وجود دارد که در فصل بعدی به بیان آن پرداخته می شود.

### ب: امنیت جانی فرد

از دید قرآن کریم وجود انسان خیلی با ارزش است نباید کسی به آن تعرض کند، و تعرض به جان یک انسان برابر با تعرض به جان تمام انسان ها تلقی شده است، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ﴾<sup>2</sup>

( به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گوئی همه انسانها را کشته است، و هرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گوئی همه مردم را زنده کرده است.)

همچنان سخت ترین عذاب در قرآن کریم به کسی تعیین شده است که امنیت جان فرد را به خطر مواجه می سازد و او را می کشد چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَةُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾<sup>3</sup>

( و کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می ماند و خداوند براو خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می سازد و عذاب عظیمی برای وی تهیه می بیند.)

مراد از کلمه «مُتَعَمِّدًا» در آیه فوق این است که قاتل از روی قصد قتل کند و کلمه «خَالِدًا» به این

<sup>1</sup> دکتر محمد عماره، مقومات الامن الاجتماعی فی الاسلام، مکتبة الامام البخاری للنشر والتوزيع، 2009م، قاهره، مصر، ص 15

<sup>2</sup> -سوره مائده، آیه 32.

<sup>3</sup> -سوره نساء، آیه 93.

معناست که شخص قاتل برای همیشه در جهنم می ماند.<sup>۱</sup> پس الله متعال وعید بسیار شدیدی را برای قاتل مؤمن تعیین کرده است تا امنیت فردی انسان ها متحقق شود.<sup>۲</sup>

علاوه بر آیات فوق آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که به حفظ جان و خون انسان ها توجه و اهتمام می ورزد تا انسان با خیال راحت و احساس امنیت کامل در اجتماع و محیط سالم برای ادامه حیات باسعادت خویش تلاش کند.

### ج: امنیت مالی فرد

یکی دیگر از مؤلفه های امنیت فردی، امنیت مالی انسان است که به این بخش نیز در قرآن کریم توجه خاصی مبذول شده است، به طور مثال خداوند متعال برای برقراری امنیت مالی انسان ها قطع دست دزد را مشروع گردانیده و در این مورد می فرماید:

﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءَ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>۳</sup>

( دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید، و خداوند چیره و حکیم است (و برای هر جنایتی عقوبت مناسبی وضع می کند تا مانع پخش آن گردد زیرا با این کار امنیت مال ایجاد می شود).

مراد از «نَكَالًا» در آیه فوق سزای عمل بد دزدی برای کسی است که مرتکب جرم شده است و الله متعال برای حفظ مال قطع دست را فرض گردانیده این تجاوز سبب برهم خوردن امنیت مالی مسلمانان می شود و برای جلوگیری باید کسی که تجاوز کرد دستش قطع شود تا کسی دیگر جرأت هم چو تجاوز را نکند. هر چند اعضای انسان با ارزش است ولی در این جا الله متعال امر به قطع دست انسان در برابر مال کرده زیرا سبب برهم خوردن زنده گی تمام انسانها می شود و حیات مردم وابسته به مال است بناء در حقیقت قطع دست حیات بخش زنده گی تمام مردم است.<sup>۴</sup>

### د: امنیت شخصیت و آبروی فرد

---

1- ثعلبی نیشابوری، اسحاق بن احمد، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ط: 1، 1422، هـ - 2002 م. ج 3 ص 362.

2- اندلسی، عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، ط: 1، دار الکتب العلمیة 1422 هـ. ج 1 ص 282.

3- سوره المائده، آیه 38.

4- ابوسعود بن محمد بن مصطفی (ت: 982 هـ) (ارشاد العقل السلیم الی مزایا الکتاب الکریم) دار احیاء التراث العربی بیروت ج 3 ص 35

یکی دیگر از بخش های امنیت فردی، امنیت شخصیت و آبروی فرد است که درباره اهمیت آن قرآن کریم احکام زیادی را مشروع گردانیده است به طور مثال می توانیم از تحریم زنا، تحریم مسخره کردن و طعنه زدن دیگران و نهی از تجسس و غیبت را نام ببریم که بعداً در مورد آن مثال ها و توضیحات خاصی ارائه می شود.

### مطلب دوم: امنیت اجتماعی، تعریف و مبانی آن

عنوان اصلی بحث مورد نظر ما، امنیت اجتماعی است، در این مطلب مفهوم و مبانی آن مورد طی چند فرع بررسی قرار می گیرد:

#### فرع اول: مفهوم و هدف امنیت اجتماعی

اصطلاح امنیت اجتماعی یک اصطلاح جدید است که از دو کلمه امنیت و اجتماع ترکیب شده است و معنای لغوی واصطلاحی جزء نخست آن در مطلب اول توضیح گردید، بناءً قبل از تعریف اصطلاحی کامل، باید جزء دوم آن به گونه جداگانه تعریف گردد.

اجتماع از ریشه جمع گرفته شده و به معنای گرد آمدن، اتفاق کردن بر یک امر، ائتلاف و انجمن ساختن آمده است.<sup>۱</sup> جرجانی<sup>۲</sup> -رحمه الله- در «التعريفات» گفته است: «الاجتماع تقارب أجسام بعضها من بعض»<sup>۳</sup> (اجتماع عبارت است از نزدیک شدن برخی اجسام با بعض دیگر).

پس مراد از اجتماع حالتی است که انسان ها به گونه جمعی و همگانی که به نحوی مصالح شان به یک دیگر وابسته باشد در یک کشور یا اقلیم زنده گی کنند و با این وصف امنیت اجتماعی را برخی نویسندگان این گونه تعریف کرده اند: «هو شعور المجتمع وأفراده بالطمأنينة، والعيش بحياة طيبة، من خلال إجراءات كافية يمكن أن تزيل عنهم الأخطار، أيا كان شكلها وحجمها، حال ظهورها، ومن خلال اتخاذ تدابير واقية»<sup>۴</sup>. (( امنیت اجتماعی عبارت از حالت و کیفیتی است که ساکنان یک منطقه بتوانند بدون ترس، تهدید و خوف از ضیاع مال، جان، حیثیت و آبرو و سایر ارزش های ملی خویش زنده گی کنند و به علت حاکمیت قانون و وجود دستگاه حکومتی افراد قانون شکن به سزا و کیفر اعمال شان برسند).

۱. فرهنگ دهخدا

۲ علی بن محمد بن علی، معروف به شریف جرجانی فیلسوف، عالم و از جمله کبار علما در زبان عربی، او در سال 740 هجری تولد شده و در شیراز درس خواند است، مصنفاتی وی در حدود پنجاه عدد می باشد که از آن جمله کتاب «التعريفات» است او در سال 816 هجری فوت کرده است. اعلام-زرکلی- ج 7 ص 5.

۳ جرجانی، سید شریف علی بن محمد، التعريفات، دار إحياء التراث العربی - بیروت 2003م، صفحه 23

۴ الخطیب، عبدالقادر، اثر تعلیم القرآن الکریم فی حفظ الامن الاجتماعی، المكتبة الشاملة، اصدار 3.32 صفحه 6

پس امنیت اجتماعی عبارت است از ایجاد شرایط و موقعیتی که براساس آن همه افراد جامعه در انجام فعالیت های مشروع و قانونی خود، آزادی کامل داشته و از امکانات جامعه یکسان برخوردار باشند. و همه افراد در موقعیت برابر قرار گیرند و این از بهترین نعمت های دنیا برای انسان است، چنانچه در حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم - آمده است:

وعن عُبيدِ اللَّهِ بْنِ مُحْصِنِ الْأَنْصَارِيِّ الْخَطْمِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سِرْبِهِ، مُعَافَى فِي جَسَدِهِ، عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ، فَكَأَنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا بِحِذَائِهَا»<sup>1</sup>

( از عبیدالله بن محسن انصاری خطمی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «اگر کسی از شما، شب را در حالی به صبح برساند که در میان قوم و نفس خود، امنیت و در بدنش، سلامت داشته و پیش او خوراک آن روز موجود باشد، مثل این است که دنیا به طور کلی و با همه ی جوانبش، برای او آماده و جمع (و او به همه ی آرزوهای خود نایل) شده باشد.)

در کتاب «الامن الاجتماعی فی الاسلام» می نویسد: «اما الأمن الاجتماعی فیمكن تعريفه بأنه: أن يعيش الفرد و يحيا حياة اجتماعية آمنة مطمئنة مستقرة على نفسه و رزقه و مكانه الذى يعيش فيه هو و من يعول»<sup>2</sup> ( امنیت اجتماعی را می توان چنین تعریف کرد: امنیت اجتماعی این است که یک فرد بتواند معیشت کند و در اجتماع به گونه آرام، مطمئن و آسوده خاطر در برابر نفس، روزی و مکانی که در آن با اهل و عیالش زنده گی می کند، سپری نماید.)

امنیت اجتماعی به مفهوم عامش شامل تمام ابعاد زندگی مانند زندگی اقتصادی، فرهنگی، بعد صحتی، بعد تعلیمی، استقرار و آرامش هموطنان و تامین خدمات اساسی از قبیل فراهم آوری رفاه و آسایش شخصی و برنامه های وقایوی از انواع جرایم و انحرافات می شود.<sup>3</sup>

هدف ایجاد امنیت اجتماعی در قرآن کریم:

آنچه مسلم است هر نوع فعالیتی که از آدمی سر می زند چه در عرصه فعالیت های فردی باشد و چه در عرصه فعالیت های اجتماعی، هدف و یا اهدافی را تعقیب می کند. تلاش در جهت ایجاد «امنیت اجتماعی» نیز

1- ترمذی، سنن الترمذی، شماره حدیث: 2347 قال الترمذی هذا حدیث حسن. ج 4 ص 574

2 اسامه، سید عبدالسمیع، الأمن الاجتماعی فی الاسلام و مقارنته بما ورد فی اليهودیة و المسيحية، دارالجامعة الجديدة، مصر، صفحه 19

3 کیلانی، رشاد صالح ( ۲۰۱۲ ) : الأمن الاجتماعی ( مفهومه، تأصله الشرعی وصلته بالمقاصد الشرعية )، المؤتمر الدولي ( الأمن

الاجتماعی فی التصور الإسلامی )، كلية الشريعة، جامعة آل البيت، عمان، اردن، ص (25)

یقیناً از این قاعده مستثنی نبوده و مسئولین برقراری امنیت در هر جامعه ای بنابر اساسات اعتقادی خویش، اهدافی را دنبال می کنند. در این میان قرآن کریم که مسئولیت تربیت انسان را به عنوان کتاب الهی پروردگار در زمین برعهده دارد نیز برقراری امنیت اجتماعی را به عنوان وسیله بسیار مهم در جهت این امر مدنظر قرار داده و اهدافی را از امنیت دنبال می کند تا در نهایت منجر به دستیابی به خلافت پروردگار شود، یکی از بزرگ ترین اهداف راهکارهای امنیتی قرآن، محو فتنه و آثار شرک و بت پرستی در روی زمین است چون هدف اصلی از خلقت انسان، با توجه به آیه (وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)<sup>۱</sup> عبودیت و بندگی است، و انسان هنگامی در مسیر عبودیت حرکت می کند که در جامعه، توحید و یکتاپرستی متجلی باشد، بنابراین هرگونه پدیده اجتماعی که مغایر با توحید باشد به نوعی فضای امن را برای عبودیت و بندگی از بین برده و زمینه ناامنی مذهبی و فرهنگی را فراهم می آورد. به همین دلیل در آیات متعددی از قرآن کریم، خداوند متعال مسلمانان را به جهاد با عوامل ناامنی فرا می خواند تا با از بین بردن این عوامل، «امنیت اجتماعی» در سطح جامعه برقرار شده و انسان ها در سایه این امنیت، آسوده خاطر به بندگی خداوند پرداخته و جسم و جان خود را با آراستن به فضایل معنوی، آماده لقاء پروردگار نمایند. جهاد در راه خداوند نه به خاطر فرمانروایی در زمین و کشورگشایی و نه به منظور به چنگ آوردن غنائم و نه تهیه بازارهای فروش یا تملک منابع حیاتی کشورهای دیگر یا برتری بخشیدن نژادی بر نژاد دیگر است، بلکه به هدف خاموش کردن آتش فتنه ها و آشوب ها که سبب سلب آزادی و امنیت مردم می شوند و همچنان محو آثار شرک و بت پرستی و مقابله با متجاوزان و ظالمان و دفاع در برابر آنان است.<sup>۲</sup>

پس مهمترین هدف امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم در تامین امنیت اجتماعی، فراهم آوردن محیط سالم و آرام برای پرداختن به امر عبادت و بندگی خداست؛ محیطی که در آن کوچکترین اثری از ناامنی و عوامل ایجاد آن نباشد و مردمان با آسودگی خاطر و به دور از فتنه های رنگارنگ و آشوب های گوناگون، تنها و تنها در جهت خشنودی پروردگار گام بردارند و به هدف خلقت خویش یعنی عبودیت خالصانه خداوند نزدیک شوند.

---

<sup>۱</sup> سوره ذاریات آیه 56

<sup>۲</sup> اختصار از کتاب امن البلدان من خلال القرآن (دارسة موضوعية) دكتور رياض بن محمد المسيميري. استاد دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود-

رياض صفحات 25-30

## فرع دوم: مبانی امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی دارای یک سلسله مبانی و اساسات است و تا زمانی که این مبانی متحقق نشود، امنیت اجتماعی به گونه کامل برقرار نمی شود، این مبانی قرار ذیل اند:

أ. امنیت خانواده:

خانواده از ابتدای تاریخ تا اکنون به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بناء محکم و بنیادین و هدایت آن به جایگاه واقعی اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه نابودی است. اسلام به عنوان مکتبی انسان ساز، بیشترین توجه را به استحکام نظام خانواده کرده است. از این رو، این نهاد را کانون تربیت می شمارد. نیک بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صلاح و فساد این بناء وابسته می داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان از جمله دست یابی به آرامش برمی شمارد از آنجای که محل تجمع خانواده خانه است یعنی محل که دارای امنیت کامل آرامش کامل و محبت وجود دارد خانه است که سبب تجمع افراد خانواده می شود. از نظر قرآن، خانه در مقام و جایگاه بالایی قرار دارد و به هدف حفظ حریم آن تاکید شده است تا بدون اجازه کسی وارد آن نشود، چنانچه خداوند متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾

۱

( ای مؤمنان وارد خانه هائی نشوید که متعلق به شما نیست، مگر بعد از اجازه گرفتن و سلام کردن بر ساکنان آن. این کار برای شما بهتر است شاید که شما مد نظر داشته باشید.

خداوند -جل جلاله- ورود به خانه های غیر را بدون اذن صاحب آن ممنوع گردانیده است. حرمت این حریم را مقدس می دارد و ضرورت حاکمیت یک فرهنگ صحیح و صمیمی را در برخورد با اهل خانه بیان می کند، همچنان قرآن کریم با تاکید بر حفظ امنیت خانواده حکم می کند که اگر کسی شما را اجازه ورود نداد برگردید، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

---

۱- سوره النور، آیه 27.



( اگر کسی را در خانه ها نیافتید بدانجاها داخل نشوید تا به شما اجازه داده شود. اگر هم به شما گفتند: برگردید، پس برگردید. این پاکتر برایتان می باشد. الله متعال از کارهایی که می کنید آگاه است.) مفهوم آیه چنین است که اگر در خانه کسی را نیافتید تا اجازه دریافت کنید وارد نشوید. اگر کسی نبود داخل نشوید و یا اگر بود اجازه داخل شدن را نداد برگردید انتظار نکشید، و چنانچه واضح است این همه هدایات در حقیقت برای تامین امنیت و رفع ترس و خوف می باشد.

#### ب. امنیت سیاسی:

امنیت سیاسی عبارت از ضمانت و به عهده گیری حمایت حقوق انسانی از استبداد، تجاوز و تعدی و حاکم ساختن قانون و تطبیق آن بالای تمام اتباع کشور است قسمی که امنیت سیاسی در یک تحقیق در سال 1994م چنین تعریف شده است: «هی الحماية من تهديد القمع السياسي و الحماية من التعرض للصراعات و الحروب و الهجرة، او هو ضمان التمتع بحقوق الانسان و الحريات الأساسية بكل حرية و للجميع دون تمييز أو استثناء»<sup>۲</sup> ( امنیت سیاسی عبارت از حمایت مردم از تهدیدها و فشارهای سیاسی و حمایت مردم از انواع تعرض و تجاوزهایی که موجب جنگ و هجرت می شود یا عبارت از تضمین حق استفاده از حقوق انسانی و آزادی های اساسی بدون هیچ نوع تمییز و استثنا است.)

امنیت سیاسی شامل دادن حق سهم گیری برای تمام افراد جامعه در امر حکومت داری است به گونه ای که هر فرد جامعه به شکل آزادانه بتواند در تشکیل حکومت و انتخاب زعیم رای و نظر خود را اظهار نماید و کسی نتواند بالای او فشار بیاورد.<sup>۳</sup>

در قرآن کریم به امنیت سیاسی نیز توجه شده و تمام افراد و اتباع جامعه از نظر قرآن در امور سیاسی سهیم می باشند چنانچه الله متعال می فرماید: «وَأْمُرُهُمْ سُورَىٰ بَيْنَهُمْ»<sup>۴</sup>

( و کار آنان (مسلمانان) به شیوه رایزنی و بر پایه مشورت با یکدیگر است.

البته در فصل بعدی راجع به راهکارهای تحقق امنیت سیاسی بحث خواهد شد.

1- سوره النور، آیه 28.

2 مشری سلمی، الحق فی الامن السياسي، رساله تحقیقی، جامعه فرحات عباس، سطیف، ص 16

3 مشری سلمی، الحق فی الامن السياسي، رساله تحقیقی، جامعه فرحات عباس، سطیف، ص 17

4 سوره شوری آیه 38

### ج. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی نیز یکی از مبانی و اساسات امنیت اجتماعی است و در تامین امنیت اجتماعی نقش به سزایی دارد، برخی از محققان معاصر امنیت اقتصادی را چنین تعریف کرده اند: « هو أن يملك المرء الوسائل المادية التي تمكنه من أن يحيا حياة مستقرة ومشبعة»<sup>1</sup> ( امنیت اقتصادی این است که انسان بتواند مالک تمام وسایل مادی شود که در تامین زندگی آرام و آسوده نقش دارند).

در قرآن کریم به امنیت اقتصادی، اشارات و تصریحات زیادی وجود دارد و از رابطه امنیت با اقتصاد به کثرت یاد کرده است که از جمله آن می توان به دعای ابراهیم -علیه السلام- جهت فراوانی رزق و روزی اهل مکه اشاره کرد و ان شاء الله در فصل آینده راهکارای قرآن برای برقراری امنیت اقتصادی بیان خواهد شد.

### د. امنیت صحی و غذائی

تعاریف مختلفی از امنیت غذایی توسط افراد و نهادهای گوناگون ارائه شده است اما جامع ترین تعریفی که بیش از همه مورد رجوع قرار گرفته، تعریفی است که بانک جهانی در سال 1986 ارائه کرده است.<sup>2</sup> « Access by all people at all time to enough food for an active and healthy life » ( امنیت غذایی عبارت است از: دسترسی همه مردم در همه زمان ها به غذاهای کافی جهت زندگی سالم و فعال).

این تعریف لزوم دسترسی تمام مردم به غذای کافی جهت داشتن زندگی سالم و فعال را متذکر می شود و دارای محور اصلی می باشد که هر یک شاخصی برای ارزیابی وجود یا عدم وجود امنیت غذایی در یک ناحیه یا جامعه معین در نظر گرفته می شود. در سال های اخیر نیز بیشتر تحقیقات درباره امنیت غذایی بر همین چهار محور متمرکز بوده است که عبارت اند از: فراهم بودن غذا، دسترسی به غذا، مطلوبیت غذا و پایداری غذا. الله متعال در قرآن کریم نعمت امنیت غذایی را بر امنیت اجتماعی مقدم دانسته و به شکل منت گذاری بالای قبیله قریش چنین فرموده است:

﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ \* الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ﴾<sup>3</sup>

(پس باید صاحب و مالک این خانه را پرستش کنند، کسی که آنان را در گرسنگی خوراک داد و در

<sup>1</sup> سعید علی حسن ، التخطيط الاستراتيجي لتحقيق الأمن الاقتصادي، ورقة بحثية مقدمة لمؤتمر "تقنية المعلومات والأمن الوطني"، الرياض،

2007م: ص 4

<sup>2</sup> [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org) / <https://www.umat.edu/ethics/debatin>

<sup>3</sup> -سوره فیل آیه 3-4

بیمنای امن و امان بخشید.

## مبحث سوم: اهمیت و ارزش امنیت در قرآن کریم

کسی که قرآن را به درستی مطالعه کند به خوبی خواهد دانست که از دیدگاه قرآن در میان نعمت های الهی هیچ چیزی بالا تر و با ارزش تر از امنیت نیست و در حقیقت فلسفه و هدف نهایی نزول قرآن و آمدن پیامبران را نیز همین مسئله امنیت و ایجاد یک محیط آرام و دور از تهدید و ظلم برای بشریت تشکیل می دهد؛ چون معمولاً پیامبران زمانی فرستاده می شوند که انسان ها به نحوی از جاده عدالت منحرف می گردیدند و امنیت آن ها آسیب پذیر می شد، در مطالب این مبحث آیات و نشانه هایی را بیان خواهیم کرد که این موضوع را به درستی برای ما می رسانند.

### مطلب اول: امنیت به عنوان پاداش بی بدیل در قرآن

چنانچه قبلاً اشاره شد قرآن کریم از پدیده امنیت به عنوان بارزترین و مهم ترین بخش حیاتی انسان ها هم در دنیا و هم در آخرت به کثرت یاد نموده و عدم خوف را که مفهوم مستقیم آن وجود امنیت و آرامش است به عنوان یک پاداش و اجر بزرگ برای نیکوکاران برشمرده است و در چهارده مورد جمله «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»<sup>۱</sup> به عنوان پاداش اعمال نیک تکرار کرده است که این موارد ذیلاً تذکر داده می شوند:

اول: ﴿ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۱﴾

( گفتیم: همگی از آنجا ( به زمین ) فرود آئید و چنانچه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از من پیروی کنند ، نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه غمگین خواهند شد.

در این آیه خداوند پاداش و مزد آنانی را که از هدایت و رهنمود الهی پیروی می کنند، عدم خوف، امنیت و مسرت و خرسندی که نتیجه آرامش و سکون است؛ قرار داده است.

دوم: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۲﴾

سوم: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۳﴾

( کسانی که ایمان آوردند، یهودیان ، و مسیحیان، و صابئین، هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته و

<sup>1</sup> سوره بقره آیه 38:

<sup>2</sup> سوره بقره آیه(62):

<sup>3</sup> سوره انعام آیه (48)

کردار نیک انجام داده باشد ، چنین افرادی پاداششان در پیشگاه خدا محفوظ بوده و ترسی بر آنان نیست و غم و اندوهی بدیشان دست نخواهد داد.

در این دو آیه مومنان، یهودیان، نصرانی ها و سایر معتقدان ادیان آسمانی در صورتی که به وجود الله و جهان آخرت باور داشته باشند و مطابق باور های شان کارهای شایسته از خود به جای بگذارند به اجر بزرگ در نزد پروردگارشان وعده داده شده اند که خوف، ترس و غمگینی در آن دیده نمی شود.

چهارم: ﴿ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۱﴾

( آری ! هرکس خالصانه روبه خدا کند و نیکوکار باشد ، پاداش او در پیش خدایش محفوظ است ، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین خواهند گردید ( و بهشت و سعادت اخروی در انحصار هیچ طائفه و نژاد خاصی نیست) .

این آیه نشان می دهد که هر شخصی خودش را به خداوند تسلیم کند و در عین حال نیکو کار هم باشد، او در نزد خداوند از اجر و جایگاه خاصی برخوردار است و هیچ ترس و غمی بر وی چیره نخواهد شد.

پنجم: ﴿ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۲﴾

( کسانی که دارائی خود را در راه خدا صرف می کنند و به دنبال آن منتی نمی گذارند و آزاری نمی رسانند ، پاداششان نزد پروردگارشان است، و نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین خواهند شد.

ششم: ﴿ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۳﴾

( کسانی که دارائی خود را در شب و روز ( و در همه اوضاع و احوال ) و به گونه پنهان و آشکار می بخشند ، مزدشان نزد پروردگارشان ( محفوظ ) است و نه ترسی بر آنان است و نه ایشان اندوهگین خواهند شد.

این دو آیه حکایت حال کسانی را می کند که مال و اندوخته های مادی شان را در راه خداوند شب و روز و به طور پنهانی و آشکارا به مصرف می رسانند و پس از انفاق و صدقات شان کسی را منت و اذیت نمی کنند و کاری را که برای رضای خداوندگار خویش انجام داده اند آن را به رخ دیگران نمی کشند، اجر و پاداش آنان نیز

<sup>1</sup> سوره بقره آیه (112)

<sup>2</sup> سوره بقره آیه (262)

<sup>3</sup> سوره بقره آیه (274)

این است که ترس و هراس بر آنان مستولی نمی شود و چهره براق شان آثار غمگینی را نخواهد دید<sup>۱</sup>.

هفتم: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾<sup>۲</sup>

( بیگمان کسانی که ایمان بیاورند و کار شایسته انجام بدهند و نماز را چنان که باید برپای دارند و زکات

را بپردازند ، مزدشان نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.)

این آخرین آیه از سوره بقره است که جمله «لاخوف علیهم و لا هم یحزنون» در آن آمده است و مربوط

کسانی می شود که با وصف ایمان و در پهلوی انجام سایر اعمال نیک و شایسته، نماز را اقامه می کنند و زکات

اموال شان را می پردازند و از پاداش بی بدیل امنیت و آرامش کلی در دنیا و آخرت برخوردار می گردند.

هشتم: ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

يَحْزَنُونَ﴾<sup>۳</sup>

( آنان شادمانند از آنچه خداوند به فضل و کرم خود به ایشان داده است ، و خوشحالند به خاطر کسانی که

بعد از آنان مانده اند و به آنان نپیوسته اند، این که ترس و هراسی بر ایشان نیست و آنان اندوهگین نخواهند

شد.)

این آیه از شهدای راه حق سخن می گوید که پس از شهادت شان از فضل و نعمات بزرگ الهی مستفید

گردیده و با دنیایی از خوشحالی و سرگرمی به آن عده دوستان و نزدیکان شان که تا هنوز به کاروان آنان

نپیوسته اند، مزده می دهند و گویا به این جهان پیغام می فرستند که مطمئن باشید ما را ترس و غمی نیست

و ما به وعده پروردگار خویش رسیده ایم و این روزی جسمی آنهاست، و روزی روحی آنها خوشحالی و

شادمانی، و از بین رفتن هر نوع ترس و اندوه است.<sup>۴</sup>

نهم: ﴿وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾<sup>۵</sup>

( ما پیغمبران را جز به عنوان بشارت دهندگان و بیم دهندگان نمی فرستیم . پس کسانی که ایمان آورند

و کار شایسته کنند ، نه ترسی دارند ( از شر و بلائی که بدانان می رسد ) و نه غمگین می شوند.

این آیه شبیه آیات گذشته بیانگر این است که عدم خوف و برخورداری از امنیت و آرامش از آن کسانی

---

<sup>۱</sup> سعدی، شیخ عبدالرحمن بن ناصر، تفسیر راستین ترجمه فارسی تیسیر الکریم الرحمن، محمد گل گمشاد زهی، ج ۱ ص 401

<sup>۲</sup> سوره بقره آیه (277)

<sup>۳</sup> سوره آل عمران آیه (170)

<sup>۴</sup> سعدی، شیخ عبدالرحمن بن ناصر، تفسیر راستین ترجمه فارسی تیسیر الکریم الرحمن، محمد گل گمشاد زهی، ج 2 ص 196

<sup>۵</sup> سوره مائده آیه (69)

است که به غیبت باورمند باشند و خود، خانواده و جامعه خویش را اصلاح کرده باشند و وظیفه پیامبران و انذار دهنده گان جز ابلاغ رسالت نیست.

دهم: ﴿ يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴾<sup>۱</sup>  
( ای فرزندان آدم! اگر پیامبرانی از خودتان پیش شما بیایند و آیات مرا بر شما بخوانند، پس هرکس پرهیزگاری کند و به اصلاح پردازد نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می گردند.

این آیه تقریباً مفهوم آیه قبلی را می رساند و خطاب به انسان ها می گوید: هرگاه پیامبری از جانب خداوند آمد و احکام الهی را به شما رسانید، کسانی که از عذاب خداوند بترسند و بر مبنای باور شان خود را اصلاح کنند، از خوف و غمگینی نجات می یابند.

یازدهم: ﴿ أَهْوَاءَ الدِّينِ أَقْسَمُ لَّا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴾<sup>۲</sup>  
( آیا اینان کسانی هستند که شما سوگند خوردید خداوند رحمتی نصیب آنها نمی گرداند؟! اما اینک به آنها گفت شد: که وارد بهشت شوید، هیچ ترسی بر شما نیست، و اندوهگین نمی شوید.

در این آیه منظری از فضای قیامت و جهان آخرت تذکر رفته است و گویا خداوند به آنانی که در دنیا مومنان را مسخره می کردند می گوید: شما بودید که سوگند می خوردید این مومنان از رحمت الهی برخوردار نیستند و این جاست که خداوند رخ کلامش را متوجه آن مومنان می سازد و فرمان می دهد که وارد بهشت شوید و دیگر از تهدید و حزن در امان باشید.

دوازدهم: ﴿ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴾<sup>۳</sup>  
( با خبر! یقیناً دوستان خداوند ترسی بر آنان ( از خواری در دنیا و عذاب در آخرت ) نیست.

سیزدهم: ﴿ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴾<sup>۴</sup>  
( ای بندگان ( پرهیزگار ) من ! امروز نه بیمی بر شما است و نه غم و اندوهی دارید.)  
هرچند نعمت های خداوند بی شمار اند ولی جای امنیت و آرامش را هیچ چیز دیگر گرفته نمی تواند، در این دو آیه مشاهده می کنیم که خداوند پاداشی را که برای اولیا و بنده گان خاص خود در نظر گرفته است

<sup>1</sup> سوره اعراف آیه (35)

<sup>2</sup> سوره اعراف آیه (49)

<sup>3</sup> سوره یونس آیه (62)

<sup>4</sup> سوره زخرف آیه (68):

امنیت و آرامش است.

چهاردهم: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۱﴾

( کسانی که می گویند پروردگار ما تنها یزدان است ، سپس ( بر این توحید و یکتاپرستی ) ماندگار می مانند ، نه ترسی بر آنان است و نه غمگین می گردند.)

این آیه نیز به ما می رساند که مومنان راستین که در راه ایمان و اهداف شان استقامت می کنند، مستحق اجر و پاداش بی بدیل امنیت و آرامش در زنده گی دنیوی و اخروی هستند.

پانزدهم: ﴿ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۲﴾

( خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد، چنانکه کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین ساخت، و دینشان را که برایشان پسندیده است پا برجا و برقرار خواهد ساخت، و بپوشان را به ایمنی تبدیل خواهد نمود (به گونه ای که) مرا بپرستید و چیزی را با من شریک نسازند، و کسانی که پس از این کفر ورزند اینانند که فاسقند.)

این یکی از وعده های راستین است که تاویل و صورت عملی آن مشاهده شده است. خداوند به افراد این امت که ایمان بیاورند و کار شایسته انجام دهند وعده داده است که آنان را جایگزین پیشینیان و وارث فرماندهی و حکومت زمین کند، و آنان در زمین جانشین خواهند بود و به تدبیر امور آن خواهند پرداخت<sup>۳</sup>. این آیه برای آنان اطمینان می دهد که مومنان راستین که همواره اعمال شایسته انجام می دهند، روزی جای نشین و صدر نشین مقام های حکومتی می گردند و دینی را که برای اعلا ی و سرفرازی آن فعالیت می کردند، روزی جاگزین قوانین بشری خواهد گردید و در فرجام زمان ترس و هراس، مشکلات و زحمات، اشکنجه و زندان و سایر بدبختی های روزگار به آخر می رسد و پرچم امنیت و عدالت به اهتزاز در خواهد آمد و آفتاب پیروزی زمین را روشن و گرم خواهد ساخت.

<sup>۱</sup> سوره احقاف آیه (13):

<sup>۲</sup> سوره نور آیه (55)

<sup>۳</sup> سعدی، شیخ عبدالرحمن بن ناصر، تفسیر راستین ترجمه فارسی تیسیر الکریم الرحمن، محمد گل گمشاد زهی، ج 7 ص 221



شانزدهم: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾<sup>1</sup>

( کسانی که ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرک ( پرستش چیزی با خدا ) نیامیخته باشند ، امن و امان ایشان را سزا است ، و آنان راه یافتگان ( راه حق و حقیقت ) هستند.  
این آیه آن عده مومنانی را سزاوار امن و آرامش می داند که ایمان شان را به ظلم و شرک آلوده نه ساخته باشند.

مجموع آیات ذکر شده نشان می دهند که امنیت و آرامش از نعمت های بی بدیل خداوند متعال برای یک انسان است چون هیچ نعمت دیگر بدون امنیت و آرامش لذت و شیرینی ندارد.  
بخاطر ایجاز و اختصار از شرح و بسط در تفسیر آیات صرف نظر شد اما چیزی که در آیات فوق الذکر به اندکی تفسیر نیاز دارد این است که مفهوم عبارت «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» چیست؟ آیا این عدم خوف و غمگینی متعلق به دنیا است یا آخرت و یا به هر دو؟ هرچند برخی مفسران می گویند: جمله اول متعلق به دنیا و جمله دومی متعلق به آخرت و یا بر عکس است اما اکثر مفسران هر دو را متعلق به آخرت دانسته اند چنانچه امام طبری<sup>2</sup> -رحمه الله- در تحت آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» می نویسد: «(فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ) من فزع يوم القيامة وأهواله (وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) على ما خلفوا وراءهم بعد مماتهم»<sup>3</sup> (خوفی برآنان نیست از ترس و سختی های روز قیامت و غمگین نمی شوند بر آنچه بعد از مرگ شان در دنیا گذاشتند).

اما از عموم و اطلاق آیه دانسته می شود که عدم خوف و عدم حزن و غمگینی به دنیا و آخرت تعلق دارند و چنانچه دیده می شود افرادی که مواصفات شان در آیات مذکور، تذکر رفته است، در دنیا نیز از نوعی آرامش و اطمینان برخوردار هستند که نظیر آن در افراد عادی به چشم نمی خورد، البته به استثنای آیاتی که از سیاق شان دانسته می شود که مربوط آخرت می شوند.

<sup>1</sup> سوره انعام آیه (82)

<sup>2</sup> ابن جریر طبری: محمد بن جریر بن یزید بن غالب. مورخ، مفسر در آمل طبرستان متولد گردیده است و در بغداد وطن گزید و در آنجا دفن گردید است به ایشان قضا پیشهاد شد اما از قبول آن امتناع ورزید مشهورترین کتب آن، دانشمندان او را توصیف و تمجید کرده اند و گفته اند او تقه است اقوال او مورد تأیید است مؤلفات کثیر دارد که بارزترین آنها تفسیر آن است جامع البیان عن تأویل آی القرآن که مشهور بنین علما به تفسیر الطبری. است و او را پدر تفسیر و تاریخ می گویند چون در تاریخ نیز کتب بزرگی دارد که آن را تاریخ الأمم والملوک، نام گذاشته است که چنین شاهکاری را کسی دیگر نکرده است و هم چنان تهذیب الآثار، اختلاف الفقهاء، التبصیر فی معالم الدین صریح السنة از جمله آثار آن اند. (اعلام) -زرکلی- 6/69 و (طبقات مفسرین)-داودی- 2/110.

<sup>3</sup> طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن ج 22 ص 111

## مطلب دوم: دعای ابراهیم - علیه السلام - به خاطر امنیت اجتماعی

یکی از مشهورترین آیات قرآن کریم که در آن به موضوع «امنیت» تصریح شده است آیه ۱۲۶ سوره مبارکه ی بقره و آیه (35) سوره ابراهیم می باشند که مشتمل بردعای پیامبر بزرگ خداوند حضرت ابراهیم - علیه السلام - درباره سرزمین و مردم مکه است.

1- ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾<sup>۱</sup>

( و به یادآور هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا! این سرزمین را شهرامنی قرار داده و اهل آن را، آنهاهایی که به خدا و روز آخرت ایمان آورند، از ثمرات گوناگون روزی ده، خداوند گفت: کسی که کفر کند او را نیز برای مدتی از نعمت ها بهره مند می سازم و سپس سرنوشت او را به عذاب جهنم می کشانم و آن چه بد جایی است.)

از این آیه برداشت می شود که برکت و افزایش رزق و روزی و سایر ضروریات بشری، زاده و محصول امنیت و آرامش اجتماعی است زیرا چنانچه در صریح آیه دیده می شود ابراهیم علیه السلام اولاً برای اهالی شهر مکه تقاضای امن می کند و سپس می خواهد به آنان رزق و روزی فراوان بدهد. همچنان از این آیه برداشت دیگری هم می شود و آن این که عبادت و امنیت با هم رابطه مستقیم دارند و هرچند اصل در زنده گی عبادت است اما چون بدون امنیت عبادت امکان پذیر نیست بناء قضیه امنیت بر عبادت مقدم شده است.

2- ﴿وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾<sup>۲</sup>

( و زمانی را به یاد آور که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر (مکه) را یک شهر امن و آرام بساز و من و فرزندانم را از پرستش بتان دور نگه دار.)

ظاهراً این دعای ابراهیم - علیه السلام - درحالی به پیشگاه الهی عرضه شده است که «مکه تدریجاً شکل شهری را به خود گرفته و قبیله جرهم در آنجا ساکن شده بودند و پیدایش آب زمزم آنجا را قابل سکونت ساخته بود و در نتیجه ابراهیم علیه السلام در دعای خود، اصلی ترین نیاز این اجتماع نه چندان بزرگ آن روزگار را مد نظر قرار داده و قبل از هر تقاضای دیگری برای آنان درخواست امنیت کرد و این خود اشاره ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حاکم نباشد فراهم کردن اقتصاد سالم و تامین سایر

<sup>1</sup> سوره بقره آیه 126

<sup>2</sup> سوره ابراهیم آیه (35)

ساختار و زیر بناهای زنده گی ممکن نیست و برخورداری از یک زندگی انسانی مطلوب بدون وجود امنیت امکان ناپذیر است و اگر جایی امن نباشد قابل سکونت نیز نیست گرچند تمام نعمت های دنیا در آن جمع باشد و اصولاً شهر و دیار و کشوری که فاقد نعمت امنیت هستند، سایر نعمت ها را نیز از دست خواهند داد، چنانچه شهید سید قطب<sup>۱</sup> در ذیل تفسیر آیه مذکور می نویسد: «نعمت امن و امان نعمتی است که با انسان تماس دارد و او را همواره لمس می نماید. در احساس و شعور او تاثیر به سزایی دارد. متعلق به حرص و نیاز او بر حفظ خویشتن است. روند قرآنی این نعمت امن و امان را در اینجا ذکر می کند تا ساکنان این شهر به یاد آن افتند. آن کسانی که هم اینک دارای نعمت زیاد هستند و به سبب آن گردن می افرازند، و شکر نعمت را به جای نمی آورند. سرانجام خداوند دعای پدرشان ابراهیم را پذیرفت، و مکه را شهر امن و امان کرد. ولی قریشیان غیر راه ابراهیم را درپیش گرفتند، و کفران نعمت کردند، و برای خدا شریک ها و همگون ها ساختند، و از راه خدا بازماندند و دیگران را نیز از راه خدا بازداشتند»<sup>۲</sup>.

این حقیقتی است که ما امروز در کشور خود (افغانستان) مشاهده و تجربه می کنیم و چون این کشور از سال های زیادی بدینسو فاقد امنیت است به همین علت از قافله پیشرفت و انکشاف در عرصه های مختلف زندگی عقب مانده ایم و مردم این کشور نه تنها از زنده گی خود لذت نمی برند بلکه ساکنان این مرز و بوم تاریخی نمی توانند مسئولیت های دینی و ملی شان را به گونه درست انجام دهند.

آن چه که از دعای ابراهیم-علیه السلام- برداشت می شود و برای ما حایز اهمیت ویژه می باشد، این است که ما در عصر کنونی قسمی که خود را پیروان ملت ابراهیمی می دانیم و از او به عنوان اسوه و قدوه دین توحید و یکتا پرستی یاد می کنیم، به تاسی و پیروی از دعاوی در خصوص شهر مکه، باید همواره برای کشور خود امنیت و آرامش بخواهیم و از خداوند متعال همواره طلبگار امن باشیم و در برابر آنانی که امنیت مردم را به خطر مواجه می سازند، مبارزه کنیم.

در اثر همین دعای ابراهیم-علیه السلام- بود که شهر مکه برای قبیله قریش مایه افتخار و بزرگی گشت و

---

<sup>۱</sup> سید قطب ادیب متفکر، مفسر اسلامی مصری، در روستای موشه (موشا) از توابع استان اسیوط مصر - که به روستای عبد الفتاح نیز معروف است - به تاریخ (1324 - ۱۲۸۵ ه.ش. دیده به جهان گشود. او در سن شش سالگی وارد مدرسه شد، در سال دوم ابتدایی شروع به حفظ قرآن کرد و در سال چهارم ابتدایی در سن ده سالگی حافظ کل قرآن کریم شد. وی خدمات بی شمار و آثار گرانبها دارد از جمله: مهمه الشاعر فی الحیاه و شعر الجیل الحاضر، الشاطی المجهول، التصوير الفنی فی القرآن، العداله الاجتماعیه فی الاسلام، تفسیر "فی ظلال القرآن، الدراسات الإسلامیه، الجهاد فی سبیل الله و... (فائز، ابراهیم محمد، سید قطب و بیداری اسلامی، تهران: نشر احسان، 1384 ص 5)

<sup>۲</sup> سید قطب. فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرم دل، سال چاپ 1387 هجری، نشر احسان تهران. تفسیر آیه (35) سوره ابراهیم

همه اقوام و قبایل جزیره عرب به آنان احترام می کردند و این حقیقت را خداوند در سوره قریش این گونه تذکر داده و به قریش اظهار منت می کند: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ \* الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾<sup>1</sup> ( و باید صاحب و مالک این خانه (کعبه) را بنده گی کنند، خدایی که آنان را از گرسنگی نجات داد و خوف و ترس شان را به امن تبدیل کرد).

### مطلب سوم: شهر مکه نمونه ای از یک شهر دارای امنیت اجتماعی

دعای ابراهیم -علیه السلام- در مورد امنیت و آرامش شهر مکه مستجاب گردید و از آن وقت به بعد تا هنوز این شهر نمونه کاملی از یک شهری است که از امنیت و آرامش کلی برخوردار است و در مواضع مختلف قرآن کریم از آن یاد آوری شده است، در جایی خداوند متعال به آن قسم یاد کرده و در جای دیگر گفته است هرکس وارد ساحه کعبه که قلب شهر مکه قرار دارد گردد، مستحق امنیت و اطمینان فوق العاده می گردد و هیچ کس حق تعرض بر او را ندارد، در ادامه آیاتی را راجع به امن بودن شهر مکه دلالت دارند متذکر می شویم:

1- قول الله متعال: ﴿وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾<sup>2</sup> (و قسم به این شهر آرام)

در این آیه خداوند به شهر آرام و مطمئن که منظور همان شهر مکه است سوگند خورده است و این دلالت واضح دارد بر اهمیت ویژه امنیت و عظمت شهر مکه که به علت برخوردار بودن از امنیت حایز این بزرگی گردیده است.

2- قول الله متعال: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ \* فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾<sup>3</sup> ( همانا نخستین خانه ای که برای مردم بنیانگذاری شده خانه ایست که در مکه قرار دارد، با برکت و مایه هدایت جهانیان است، در آن نشانه های روشنی است، (و از آن جمله) مقام ابراهیم است، و هرکس داخل آن شود در امان است و خداوند حج خانه کعبه را بر کسانی از مردم که توانایی رفتن به آنجا را دارند واجب گردانیده است، و هرکس کفر بورزد، پس خداوند از جهانیان بی نیاز است).

آیه های متذکره می رساند که مکه نمونه شهر آرام و دارای امنیت اجتماعی است و در حقیقت این

<sup>1</sup> سوره قریش آیه 3 و 4

<sup>2</sup> سوره تین آیه (3)

<sup>3</sup> سوره آل عمران آیه های (96 و 97):

درسی است برای تمام مسلمانان در روی زمین که محل زندگی خود را مانند مکه آرام و امن بسازند چنانچه سید قطب -رحمه الله- در ذیل تفسیر آیه فوق می نویسد: «از جمله فضائل این خانه این است که هرکس داخل آن شود در امان خواهد بود. چه آنجا پناهگاه امن و امانی برای هر انسان ترسان و هر اسان است. این فضیلت را جای دیگری در زمین ندارد. چنین ویژگی و فضیلتی را این خانه از زمانی دارا است که ابراهیم و اسماعیل-علیهماالسلام- آن را بنا کردند و ستون هایش را برافراشتند. حتی در روزگاران جاهلیت عرب و در دوره ای که از دین ابراهیم-علیه السلام- منحرف گشتند، و از توحید خالص و یگانه پرستی خصلتی که این دین نمایانگر آن است به دور ماندند، باز هم کعبه چنین بود بلکه در این روزگاران، حرمت کعبه شهرت داشت و آوازه فضیلتش طنین انداز بود، به گونه ایکه شخصی کسی را می کشت و پشمی به گردن خویش می انداخت و او را در حرم بیت الله میشد. چه بسا فرزند مقتول او را می دید و با وی روبرو می گردید، وی دیدار قاتل او را بر نمی انگیخت و به هیچانش نمی انداخت، و تا از آنجا بیرون می رفت در امن و امان بسر می برد، این تکریم خداوند سبحان نسبت به این خانه است، و چنین امن و امانی در حالی این خانه را فراهم است که مردمان در پیرامون آن، غرق جاهلیت بوده و در زمان جاهلیت بسر می بردند.<sup>1</sup>

3- قول الله متعال: ﴿وَقَالُوا إِن نَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾<sup>2</sup>

( و گفتند: اگر همراه تو از هدایت پیروی کنیم از سرزمین خود ربوده می شویم. آیا آنان را در «حرم امن» جای نداده ایم، که فرآورده های هر چیزی برای روزی (آنان) از نزد ما به سوی آن سرازیر می شود؟ بلکه بیشترشان نمی دانند.)

در این آیه از بهانه مشرکان مبنی بر عدم اتباع پیامبر و ایمان بر قرآن، به عنوان شکوه و گلایه تصریح گردیده است، آنان می گفتند: اگر ما به رهنمود پیامبر باور کنیم و از او به عنوان رهبر پیروی نماییم، در نتیجه به اثر مجبوریت ها و عدم پذیرش جهان پیرامون مان، در سرزمین خویش آرام نخواهیم بود و همسایگان ما را نخواهند گذاشت با این دین و عقیده ای که محمد آورده است در این منطقه به آسوده گی زنده گی نماییم و آنان هرگز تحمل این چنین باور ها را ندارند، اما خداوند در جواب این بهانه سست و بی بنیاد آنان می گوید: آیا ما حرم پر از امن و اطمینان را در اختیار شان نگذاشتیم که از هر گوشه و کنار جهان ثمرات گوناگون انتقال

<sup>1</sup> سید قطب. فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرم دل، سال چاپ 1387 هجری، نشر احسان تهران ج 1 صفحه 305  
<sup>2</sup> سوره قصص آیه (57):

می شود و با وجودی که سرزمین شان غیر قابل کشت است، اما در هر فصل و موسم میوه های مختلف برای شان می رسد<sup>1</sup>.

2- قول الله متعال: ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِعِمَّةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ﴾<sup>2</sup>

( آیا ندیده اند که ما حرمی ایمن (برای آنان) قرار داده ایم. حال آنکه مردم از اطراف آنان ربوده می شوند؟ آیا به باطل ایمان می آورند و نعمت خداوند را ناسپاسی می کنند.)

قسمی که قبلاً اشاره شد از آیات متذکره چنین برداشت می شود که خداوند شهر مکه را به عنوان اولین مرکز تمدن بشری و به اثر دعای ابراهیم -علیه السلام- امان داده است و این امر در حقیقت درسی بزرگی برای جهانیان است تا اهمیت قضیه امنیت را به خوبی درک نمایند، اگر توجه کنیم همه ساله هزاران تن از زائران و حجاج از کشورهای مختلف جهان جهت ادای فریضه حج به آن سرزمین می روند که مردم متدین کشور عزیز ما افغانستان با وجودی که تمام علاقه مندان شانس رفتن را به علت محدودیت پذیرش پیدا نمی کنند؛ بخشی این زائران را تشکیل می دهند اما بنا به عوامل مختلف چون بی سوادی و عدم فهم درست از اسلام، برای ما اهداف و مقاصد بزرگ حج را نمی آموزاند و تا هنوز ما نیاموختیم که در جریان زیارت خانه کعبه و مکان های پذیرش دعا، مانند ابراهیم -علیه السلام- برای کشور خویش برای تامین و برقراری امنیت دعا کنیم و پیش از همه تلاش نماییم تا به هموطنان خود فضای امن ایجاد کنیم.

### مطلب چهارم: سایر شهرهایی که از امنیت آن در قرآن کریم یاد آوری شده است

به استثنای شهر مکه از شهر ها و مناطق دیگر که در گذشته ها ساکنان شان از امنیت و آرامش برخوردار بودند و زنده گی راحت داشتند، در قرآن کریم تذکر رفته است، به گونه مثال این شهرها یاد آوری می شوند:

الف: شهر سباء<sup>3</sup>

یکی از شهرهای تاریخی و قدیمی که در قرآن کریم از امن بودن آن یادآوری شده است شهر سبا است که

<sup>1</sup> سعدی، تیسیر الکریم الرحمن، ج 7 ص 247

<sup>2</sup> سوره عنکبوت آیه (67)

<sup>3</sup> سباء در اصل نام شخص است و بعداً به نام منطقه ای که فرزندان او در آنجا سکونت می کردند تبدیل شد، این منطقه در فاصله سه شبانه روزی سفر عادی با صنعاء پایتخت یمن قرار دارد و در گذشته ها دارای باغ و بستان های بی نظیری بود که مردم آن سرزمین از سرشاری نعمت های آن همواره استفاده می کردند و چنان از امنیت و آرامش برخوردار بودند که شب ها و روز ها مسافه های طولانی را بیدون هیچ نوع خطر می پیمودند تا این که به اثر کفران و ناسپاسی و طغیان و سرکشی از همه این نعمت های بزرگ محروم گردیدند، سد مآرب از جمله شهکاری های تمدنی انسان های آن زمان است که شهرت جهانی دارد. حموی، یاقوت بن عبد الله الحموی، معجم البلدان، دار الفکر - بیروت. ج 3

در مورد آن می گوید:

﴿لَقَدْ كَانَ لِسِيَّ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ غَفُورٌ﴾<sup>1</sup>

(بی گمان برای (اهالی) سبا در محل سکونتشان نشانه ای بود: دو باغ راست و چپ، (گفتیم) از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جای آورید، شهری پاکیزه و پروردگاری آمرزنده دارید.)

همچنان در آیه دیگری الله متعال در مورد امنیت شهر سبا چنین می گوید:

﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ﴾<sup>2</sup>

(و میان آنان و آبادی هایی که پر برکت و نعمت کرده بودیم آبادی هایی پیوسته به هم قرار دادیم و در آن جا آمد و شد مقرر داشتیم، (گفتیم) شب ها و روز ها را امن و امان در آن جا سیر و سفر کنید).

شهید سید قطب-رحمه الله- در تفسیر آیه فوق می نویسد: «سبا اسم قومی بود که در جنوب یمن زندگی می کردند. آنان سرزمین های حاصل خیزی داشتند. هنوز برخی از این سرزمین های سرسبز و خرم برجای هستند. تا به آنجا از نردبان ترقی بالا رفته بودند و پیشرفت کرده بودند که آب های باران های تندی را مهار می کردند که در جنوب و شرق از سوی دریا به سویشان می آمد و می بارید. به این منظور سد های طبیعی ترتیب می دادند، سد هایی که میان دو کوه قرار می گرفتند و دو سوی آن کوه ها به یک دیگر می پیوستند. در دهانه دو کوه و در مرز دشت و بیابان سدی را ساخته بودند و در آن دروازه ورودی برای آن ساخته بودند که باز و بسته می شدند، و آب زیادی را در پشت آن جمع آورده بودند، و هر گونه که می خواستند از آب فراوان آن سود می بردند و استفاده می کردند. از این سد آب فراوانی را در اختیار می گرفتند و برای رفع نیازمندی های خود به کار می بردند. این سد «سد مأرب» نام داشت. باغ های فراوان موجود در راست و شمال، رمز حاصل خیزی و سبز و خرمی و فراوانی نعمت و رفاه و کالاهای عالی و دلپسند است، به این جهت این باغها نشانه ای بودند برای شناخت دهنده و بخشنده نعمت هایی که داشتند. از ایشان خواسته شده بود که از رزق و روزی خداوند استفاده نکنند و سود ببرند و سپاسگزار و شکرگزار خداوند باشند»<sup>3</sup>

ب: سرزمین حجر

یکی دیگر از شهرها و تمدن های جهان باستان خداوند متعال از امنیت آن سخن گفته است، سرزمین

<sup>1</sup> سوره سباء آیه (15)

<sup>2</sup> سوره سباء آیه (18)

<sup>3</sup> سید قطب. فی ظلال القرآن، ج 4، ص: 2199

حجر است که قرآن کریم در مورد اهالی آن این گونه حکایت می کند: ﴿وَكَاثُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ﴾<sup>1</sup>

( آنان در دل کوه ها خانه هائی می تراشیدند و ( از نزول عذاب و تخریب آنها ) خاطر جمع بودند.)

باشنده گان سرزمین حجر که پیامبران چون لوط و شعیب-علیهما السلام- به سوی آنان آمده بود، از قدرت و مهارت آنان در قسمت آبادانی و شهکاری های ساخت و ساز خانه ها و ابر سازه های از صخره ها که تا هنوز بر جای مانده اند و مایه عبرت و اندرز جهانیان می باشند تذکر می دهد، هرچند آنان برای خود خانه های آرام و امن می ساختند و زنده گی خویش را در آن ها سپری می کردند اما از آنجا که اساس دنیا بر زوال و عدم بقا است سرانجام آنان نیز هلاک شدند و آثار شان منحیث نمونه های بزرگی از ساخت و مهارت بشر باقی ماند.<sup>2</sup>

#### د. دهکده آرام

همچنان قرآن کریم مثال و نمونه ای را از یک دهکده آرام و ایمن که اهالی آن به سبب وفور امنیت از رزق و روزی فراوان برخوردار بودند چنین بیان می کند:

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾<sup>3</sup>

( خداوند (مردمان) شهری را مثال می زند که ایمن و آسوده بودند و از هر طرف روزیشان به گونه فراوان به سویشان سرازیر می شد، اما کفران نعمت خدا کردند و خداوند به خاطر کاری که انجام دادند لباس گرسنگی و هراس را (به تن آنان کرد و طعم گرسنگی را) بدیشان چشانید.)

این آیه مثالی را از شهر و دیاری که امنیت و آرامش در آن ها حکم فرما است، برای ما بیان می دارد، شهرهای که به اثر تامین امنیت اجتماعی از نعمت ها و لذت های بی شماری طبیعی مستفید می گردند اما به اثر بی توجهی به مسایل امنیتی و عدم تامین عدالت اجتماعی سرانجام به تنگنای فقر و گرسنگی می روند و سرانجام جای امن، انکشاف و پیشرفت را خوف و نا امنی می گیرد.

هرچند برخی مفسران از این منطقه شهر مکه را مراد دانسته اند<sup>4</sup> اما اکثر مفسران به علت نکره بودن واژه «قریه» این آیه را مثال غیر معین می پندارند، به اساس این تاویل می توانیم برداشت نماییم که سنت و

<sup>1</sup> سوره حجر آیه (82)

<sup>2</sup> ابن عاشور، محمد الطاهر بن عاشور، التحرير و التنوير، دار سحنون للنشر والتوزيع - تونس - 1997 م ج 14 ص 72

<sup>3</sup> سوره نحل آیه (112)

<sup>4</sup> سعدی، تیسیرالکریم الرحمن، ج 6 ص 37



طبیعت الهی مبتنی بر این است که در اثر فساد، بی عدالتی و عدم احترام به قانون زنده گی، امنیت اجتماعی سلب می شود و سلب امنیت مساوی است به هلاکت همگانی ملت ها، چنانچه حافظ ابن کثیر<sup>۱</sup> -رحمه الله- در تفسیر این آیه می نویسد: «هذا مثل أريد به أهل مكة؟ فإنها كانت آمنة مطمئنة مستقرة يتخطف الناس من حولها، ومن دخلها كان آمناً لا يخاف»<sup>۲</sup> ( این مثالی است که منظور آن اهل مکه است چون آن آرام و مطمئن بود که از هر طرف مردم به سوی آن می آمدند و هرکسی که وارد آن می شد در امن می بود و از هیچ چیز ترس نداشت.) و در تفسیر «الخواطر» معروف به تفسیر شعراوی چنین نوشته است: «القرية التي ضربها الله لنا مثلاً هنا، هل هي قرية معينة أم المعنى على الإطلاق؟ قد يُراد بالقرية قرية معينة كما قال البعض إنها مكة، أو غيرها من القرى»<sup>۳</sup> (دهکده ای که خداند مثال آن را بیان کرده است آیا یک قریه معین است یا غیر معین؟ گاهی از آن قریه معین به گفته برخی ها مکه مراد می شود و ممکن است غیر آن نیز مراد شود.)

همچنان در این مورد در «التفسير الوسيط» چنین می نویسد: «وللمفسرين اتجاهان في تفسير هذه الآية . فمنهم من يرى أن هذه القرية غير معينة، وإنما هي مثل لكل قوم قابلوا نعم الله بالجحود والكفران . وإلى هذا المعنى اتجه صاحب الكشاف حيث قال : قوله - تعالى - ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً﴾ أي : جعل القرية التي هذه حالها مثلاً لكل قوم أعم الله عليهم فأبطرتهم النعمة . فكفروا وتولوا ، فأنزل الله بهم نعمته ، فيجوز أن تراد قرية مقدره على هذه الصفة ، وأن تكون في قرى الأولين قرية كانت هذه حالها ، فضرب بها الله مثلاً لمكة إنذاراً من مثل عاقبتها»<sup>۴</sup>

( مفسرین در تفسیر این آیه دو دیدگاه دارند، بعض آنان می گویند این قریه معین نیست و در حقیقت مثالی است که برای هر قومی که در مقابل نعمت های خداوند به انکار و ناسپاسی می پردازند، صاحب تفسیر کشاف همین دیدگاه را تایید نموده و می گوید: این قریه مثالی برای هر قومی است که مورد نعمت الهی قرار گرفته و به اثر وفور نعمت کفران و سرکشی کردند و عذاب خداوند به سراغ شان آمده است، به این اساس می

<sup>1</sup> ابن کثیر: امام حافظ عمادالدین، ابوالفداء، اسماعیل بن عمر بن کثیر بن ضوعبن کثیر بن زرع، البصری، دمشقی الشافعی، وی در یکی از قریه های منطقه (بصری) در شام، تولد گردیده است. وقول راجح این است که تولد آن در سال 700 هـ بوده و وفات آن در دمشق در ماه شعبان سال 77 هـ میباشد. پدر وی ابوحفص عمر یکی از جمله بزرگواران و علمای برجسته بی منطقه خود در (بصری) بود و امام خطیب در منطقه خود بود و قتی که پدرش وفات نمود عمر وی سه سال داشت ابن کثیر به دمشق رفت و تحصیل علوم پرداخت و سن اش خورد بود که قرآن کریم را حفظ کرد. و کتب فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و لغت را فراگرفت. الاعلام للزرکلی ج 1 ص 308

<sup>2</sup> ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل، تفسیر قرآن العظیم، انتشارات دار طیبه للنشر و التوزیع، 1420 هـ. 1999 م ج 1 ص 140

<sup>3</sup> شعراوی، محمد متولی، (ت: 1418 هـ)، تفسیر الشعراوی (الخواطر)، مطابع أخبار اليوم، مصر. ج 1 ص 5053

<sup>4</sup> طنطاوی، محمد سید التفسیر الوسيط للقرآن الکریم، قاهره، الطبعة، الأولى دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزیع، الفجالة 1998 م. ص 2575

شود هر قریه ای را که دارای این صفت باشد مراد نمود و یا در گذشته ها قریه ای با این صفت وجود داشته است و خداوند آن را برای انذار اهل مکه مثال زده است.)

### مطلب پنجم: امنیت و آرامش در جنت

قرآن کریم ارزش و بهای امنیت را به گونه دیگری برای ما بازتاب می دهد و آن این که امنیت را از بزرگ ترین نعمت های بهشت توصیف می کند و می گوید مومنان در میدان محشر و نیز در جنت آرام و آسوده خاطر هستند، البته آیاتی که به این مطلب دلالت دارند خیلی زیاد است اما در اینجا فقط آیه های نقل می شوند که کلمه امن در آن ها به گونه مستقیم به کار رفته است: قول الله متعال:

1- قول الله متعال: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ<sup>1</sup>

( بی گمان کسانی که در آیات ما به کژی و باطل می گرایند بر ما پوشیده نخواهند بود. آیا کسیکه در آتش انداخته می شود بهتر است یا کسی که در نهایت امنیت و آسایش در روز قیامت می آید؟ هرچه می خواهید بکنید و او به آنچه می کنید بیناست.

در این آیه خداوند متعال پس از این که از علم و آگاهی خود نسبت به کسانی که در مورد آیات و کلام الهی کج نگر هستند و به نگاه شک و تردید آن را می بینند و از هدایات و احکام او عدول می کنند، به صیغه سوال می گوید: آیا کسی که در آتش انداخته می شود بهتر است یا کسی که در قیامت ایمن می آید و هیچ خطری او را تهدید نمی کند؟، پس معلوم می شود که دریافت امتیاز امنیت از بهترین پاداش در آخرت است و مومنان راستین در روز قیامت با دل آرام و خاطر آسوده می آیند چون قبلاً در دنیا با آمدن این روز ایمان و باور داشتند<sup>2</sup>.

2- قول الله متعال: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ<sup>3</sup>

( کسانی که کارهای پسندیده انجام بدهند ، پاداش بهتر و والاتری از آن خواهند داشت، و در آن روز چنین کسانی در امن و امان به سر می برند.)  
این آیه نیز به صراحت می رساند که انسان های نیک پندار و نیک کردار از احوال و سختی های قیامت در

<sup>1</sup> سوره فصلت آیه 40 :

<sup>2</sup> سعدی، تیسیر الکریم الرحمن، ج 10 ص 197

<sup>3</sup> سوره نمل آیه (89)

امن هستند و پاداش خویش را بهتر از آن چه که فکر می کنند دریافت می نمایند.

3- قول الله متعال: ﴿ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ﴾<sup>1</sup>

( با اطمینان خاطر و بدون هیچ گونه خوف و هراسی وارد بهشت شوید!)

مومنان با وصف این که در میدان محشر از آرامش برخوردار هستند، حین ورود به جنت نیز به آنان گفته می شود: با دل جمع و خاطر آرام وارد بهشت شوید! این آیه می رساند که مومنان در هنگام ورود به بهشت نیز شامل امنیت هستند<sup>2</sup>.

4- قول الله متعال: ﴿يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ﴾<sup>3</sup>

( آنان در آنجا هر میوه ای را که بخواهند می طلبند و از هر نظر در امانند.)

این آیه نمایان گر تداوم امنیت در جنت است و برای همیشه از میوه ها و لذات بهشت در حالی استفاده می کنند که هیچ نوع خطر جنگ و نا امنی به سراغ آنان نمی آید.

5- قول الله متعال: ﴿وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الصَّغْفِرِ بِمَا

عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ﴾<sup>4</sup>

( اموال و اولاد شما چیزهایی نیستند که شما را به ما نزدیک و مقرب سازند ، بلکه کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته و بایسته بکنند آنان، در برابر اعمالی که انجام داده اند پاداش مضاعف دارند، و ایشان در طبقات بالا در امن و امان بسر می برند).

در این آیه خداوند متعال پس از این که تقرب به خداوند را از طریق اموال و اولاد بدون ایمان و عمل صالح نفی می کند، به مطلب بزرگی اشاره می کند و آن این که هرچند نفس اموال و اولاد انسان را به خداوند نزدیک نمی کند اما استفاده درست از مال و تربیه سالم اولاد باعث مضاعف شدن اجر می شود و چنین انسان ها در قصرهای بهشت آرام و آسوده خواهند بود.

### مطلب ششم: امنیت نشانه پیروزی مومنان

یکی از مواردی که به اهمیت و عظمت امنیت اشاره دارد این است که نزول امن و سکون از جانب خداوند

<sup>1</sup> سوره حجر آیه (40):

<sup>2</sup> زحیلی ، وهبة بن مصطفى ، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، انتشارات: دار الفكر المعاصر - دمشق، الثانية ، 1418 هـ ج 14 ص

<sup>3</sup> سوره دخان آیه (55):

<sup>4</sup>سوره سبأ آیه (37):

برای مسلمانان در جنگ ها، نشانه پیروزی و فتح شمرده شده است چنانچه در سوره انفال آمده است:

﴿إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ﴾<sup>1</sup>

( ای مؤمنان! به یاد آورید زمانی را که خداوند خواب سبکی را بر شما افکند تا مایه آرامش و امنیت شما از طرف خداوند گردد و از آسمان آب بر شما باراند تا توسط آن شما را پاکیزه دارد و وسوسه های شیطانی را از شما به دور سازد، و با این نعمت دل هایتان را ثابت و گام های تان را استوار سازد.)

همچنان در سوره آل عمران می فرماید: ﴿ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ...﴾

( سپس بر شما پس از یک شکست، امنیت و سکون را به صورت خواب سبک نازل کرد که گروه از شما را فرا می گرفت.)

مسلمانان نخست در معرکه ها و پیکارهای نظامی شان با تعداد اندک و اسلحه نا چیز با دشمنان شان که تعداد شان چند برابر بود، مواجه می شدند اما به کمک و یاری خداوند و نزول امنیت و سکون در صورت خواب سبک به پیروزی قاطع نایل می گردیدند، در روایتی از عبد الله بن مسعود نیز آمده است که می گوید خواب سبک در جنگ نشانه امنیت است:

«عن ابن مسعود قال: «النُّعَاسُ فِي الصَّلَاةِ مِنَ الشَّيْطَانِ وَالنُّعَاسُ فِي الْقِتَالِ أَمَنَةٌ مِنَ اللَّهِ»<sup>2</sup>

( خواب اندکی در نماز از جانب شیطان و در جنگ از جانب الله متعال است.)

مسلمانان این نشانه را در جنگ های تاریخی شان تجربه کرده اند چنانچه انس رضی الله عنه می گوید:

«أَنَّ أَبَا طَلْحَةَ قَالَ غَشِينَا النُّعَاسُ وَنَحْنُ فِي مَصَافِنَا يَوْمَ أُحُدٍ قَالَ فَجَعَلَ سَيْفِي يَسْقُطُ مِنْ يَدِي وَأَخَذُهُ وَيَسْقُطُ وَأَخَذُهُ»<sup>3</sup>

( ابو طلحه-رضی الله عنه- می گوید که خواب سبک ما را فرا گرفت در حالی که ما در روز احد در صف جنگ قرار داشتیم، او می گوید حتی شمشیر من از دستم می افتید و من آن را می گرفتم، باز می افتید و من دوباره آن را می گرفتم.)

<sup>1</sup> سوره انفال آیه (11)

<sup>2</sup> مصنف عبد الرزاق 499/2 ، حدیث شماره (4219) ، وطبرانی، المعجم الكبير، ج 9 ص 288 ، حدیث شماره (9452). البانی این روایت را در ضعیف الجامع شماره 2373 ضعیف گفته است.

<sup>3</sup> بخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، نسخه طوق النجاة، المكتبة الشاملة، حدیث شماره 4562

## مطلب هفتم: امنیت پیامبران -علیهم السلام-

خداوند متعال امنیت پیامبرانش را به عهده گرفته و به آنان از طریق ایجاد سکون و آرامش قلبی مشکلات زنده گی را آسان و انگیزه های خوف و خطر را از دل های شان دور می کند تا بتوانند پیغام الهی را به مردم به گونه درست برسانند چنانچه خداوند خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم می گوید:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ<sup>1</sup>

(ای پیامبر! آنچه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر چنین نکنی پیام او را نرسانده ای، و خداوند ترا از گزند مردم محافظت خواهد کرد، همانا خدا قوم کافر را هدایت نمی کند.

ابن عاشور<sup>2</sup>-رحمه الله- در ذیل تفسیر این آیه می نویسد: « فقد ضمن الله له الحياة حتى يبلغ شرعه ، ويتم مراده»<sup>3</sup> ( خداوند حیات پیامبر را ضامن شد تا شریعتش را برساند و مرادش را تمام کند).

و همچنان به موسی -علیه السلام- می گوید:

﴿وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ﴾<sup>4</sup>

(و عصای خود را بیانداز و هنگامی که دید به حرکت در آمد انگار که ماری است، به سرعت می خزد پا به فرار نهاد و بازگشت. (فرمودیم) ای موسی! نترس، که پیامبران در پیشگاه من هراسی ندارند.)  
با آنچه در مطالب گذشته نقل گردید، اهمیت و ارزش امنیت به خوبی معلوم می گردد.

<sup>1</sup> سوره مائده آیه 67

<sup>2</sup> ابن عاشور محمد طاهر بن عاشور: رئیس مفتیان مالکی تونس و رئیس دانشگاه الزيتونة تونس. بود در سال (1296) تولد شده و در سال (1393) وفات کرده است، مهم ترین اثر او تفسیر التحرير و التنوير است. سایت (www.Wikipedia.com).

<sup>3</sup> ابن عاشور، التحرير والتنوير، ج 4 ص 114

<sup>4</sup> سوره قصص آیه (31)

## فصل دوم

### راهکارهای قرآن برای برقراری امنیت اجتماعی

در این فصل هدایات و راهکارهای قرآن کریم را که در قالب اصلاح افکار، اخلاق و کردار انسان به منظور تامین امنیت اجتماعی ارائه کرده است به گونه فشرده طی مباحث و مطالب ذیل به شرح می گیریم:

مبحث اول: راهکارهای فکری و عقیدوی

مطلب اول: ایجاد باور به خداوندی که بیننده دایمی رفتار و کردار انسان است

مطلب دوم: ایجاد فکر آخرت و زنده گی مجدد

مطلب سوم: بی ارزش نشان دادن دنیا و تشویق به بهشت

مبحث دوم: راهکارهای اخلاقی

مطلب اول: رفق و نرمی و دفع کردن بدی به نیکی

مطلب دوم: تشویق به عفو و گذشت و ایثار

مطلب سوم: تقویه فرهنگ اخوت و همدلی

مطلب چهارم: تشویق به صبر و شکیبایی

مطلب پنجم: امر به صداقت و راستی

مطلب ششم: توبه

مطلب هفتم: نصیحت

مطلب هشتم: حیاء

مطلب نهم: تواضع

مبحث سوم: راهکارهای عملی در بخش عبادت

مطلب اول: رابطه امنیت با عبادت

مطلب دوم: نماز و نقش آن در ایجاد امنیت اجتماعی

مطلب سوم: روزه و نقش آن در ایجاد امنیت اجتماعی

مطلب چهارم: حج و نقش آن در حفظ امنیت اجتماعی

مبحث چهارم: راهکارهای عملی در بخش خانواده

مطلب اول: ازدواج و نقش آن در ایجاد آرامش

مطلب دوم: توجه به خانواده و نیکی به اقارب

مبحث پنجم: راهکارهای عملی در بخش اقتصاد  
مطلب اول: زکات و صدقات و نقش آن در برقراری امنیت اجتماعی  
مطلب دوم: تشویق به قرض حسنه  
مطلب سوم: تشویق به کسب روزی حلال  
مبحث ششم: راهکارهای عملی در بخش حقوق و حکومت داری  
مطلب اول: عدالت اجتماعی و نقش آن در برقراری امنیت اجتماعی  
مطلب دوم: شهادت به حق و نقش آن در برقراری امنیت  
مطلب سوم: وفاء به عهد و پیمان و نقش آن در برقراری امنیت  
مطلب چهارم: تقویه نظام شورایی  
مطلب پنجم: اطاعت از ولی امر در کارهای نیک  
مبحث هفتم: مجازات شرعی و نقش آن در تحقق امنیت پایدار  
مطلب اول: قصاص قاتل  
مطلب دوم: تعیین بدترین سزا برای کسانی که امنیت اجتماعی را به خطر مواجه می سازند.  
مطلب سوم: مجازات تهمت کننده برای حفظ امنیت روانی اجتماعی  
مطلب چهارم: مجازات متجاوز جنسی  
مبحث هشتم: راهکارهای عملی در بخش سیاست و روابط  
مطلب اول: مشروعیت جهاد برای تامین امنیت اجتماعی  
مطلب دوم: امر به معروف به هدف استحکام ارزش های جامعه  
مطلب سوم: نهی از منکر و مبارز علیه فساد  
مطلب چهارم: تشویق به صلح و آشتی در روابط سیاسی و اجتماعی  
مطلب پنجم: تشویق به پناه دادن سیاسی  
مطلب ششم: رازداری سیاسی  
مطلب هفتم: حق آزادی  
مطلب هشتم: سپردن امانت و کار را به اهل کار دادن  
مبحث نهم: راهکاری عملی در بخش صحت و امنیت غذایی  
مطلب اول: شباهت نعمات دنیوی و بهشتی برای مومنان  
مطلب دوم: دسترسی دائم به غذا

مطلب سوم: استفاده از روزیهای پاک

مطلب چهارم: بهره‌مند شدن از انواع غذاها و محصولات زراعتی

### مبحث اول: راهکارهای فکری و عقیدوی

بزرگترین نیرویی که بالای انسان حاکمیت دارد فکر و اندیشه و طرز تفکر و پنداشت او می باشد و تمام اعمال و کارکردهای انسان نتیجه افکار و باورهای او است که در سر می پروراند، قرآن کریم با درک این موضوع در قدم نخست اصلاح عقیده و اندیشه را هدف قرار داده و می خواهد شیوه تفکر انسان را تغییر دهد، در مطالب این مبحث راهکارهای قرآن کریم در بخش فکر و عقیده بیان می گردد:

#### مطلب اول: تقویه باور به مراقبت و نظارت خداوند از انسان

قرآن کریم در اولین قدم می خواهد به انسان بفهماند که او تنها نبوده و کسی در آفرینش و هدایت او نقش دارد که هیچ لحظه ای از گوشه های زنده گی و طرز رفتار و کردارش از او پنهان نیست، او همواره نظاره گر و مراقبت کننده است و آیه های بی شماری در قرآن کریم وجود دارند که نشان می دهند اعمال و کردار انسان همواره زیر نظر و ترصد خداوند و فرشتگانش هستند و تنها این مفهوم که خداوند بیننده اعمال و آگاه همه چیز است، بیش از (41) بار در سوره های مختلف قرآن با چهار صفت دلالت کننده بر آگاهی تکرار شده است.

**اول:** عبارت «إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» ( همانا خداوند به آن چه که شما انجام می دهید بینا است) این آیه با تقدیم و تاخیر مبتدا و خبر که همه یک مفهوم را ارایه می کنند (14) مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است.

**دوم:** عبارت «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» یعنی خداوند به آن چه انجام می دهید آگاه و خبردار است، این مفهوم نیز با تقدیم و تاخیر کلمات که مفهوم همه یکی است، (19) بار در قرآن تکرار شده است.

**سوم:** جمله « وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ » و خداوند به آن چه که شما انجام می دهید دانا و آگاه است، این مطلب با تقدیم و تقدیر کلمات (4) مرتبه تکرار شده است.

**چهارم:** جمله «إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» یعنی خداوند به آن چه که شما می کنید احاطه کننده است و هیچ چیزی از او مخفی و پوشیده نمی ماند، این مفهوم به همین عبارت یک بار در قرآن آمده است.

جملات ذکر شده هرکدام پس از ذکر و بیان مسایل و ارزش های مهم در زنده گی تکرار شده اند و بدون شک اگر انسان به چنین سطح جهان بینی و باور برسد که رفتار و کردارش همیشه زیر تعقیب و دید هستند او مجبور می شود یا از روی شرم و حیای طبیعی و یا به منظور احتیاط و حفظ شخصیت و آبرویش، متوجه



کوچک ترین عمل خود باشد و اگر یک جامعه از چنین افرادی تشکیل شود که همه به این دیدگاه باشند، میزان اعمال خشونت، ظلم، فساد و سایر اعمال خلاف قانون به صفر منتهی می شود، چون شکل گیری این اندیشه انسان را متحول و ظاهر و باطن اش را یکی می سازد و با این باور انسان معیار ارزش دهی کارهایش را به مردم مرتبط نمی داند بل که می خواهد قدر و منزلتش نزد خداوند بالا برود.

تفصیل و تفسیر تمام آیاتی که در ختم آن ها جمله فوق تکرار شده است، در این بحث کوچک ممکن نیست، فقط به عنوان نمونه یک آیتی را که به موضوع ما مناسبت دارد نقل می نمایم که می گوید:

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ<sup>1</sup>﴾

( و اگر در مسافرت بودید و نویسنده ای نیافتید پس گروهی بستانید، و اگر کسی از شما دیگری را امین دانست، باید کسی که امین قرار داده شده است امانتش را باز پس بدهد، و از پروردگارش بترسد، و شهادت را پنهان نکنید، و هرکس که آن را پنهان کند دلش گناهکار است، و خداوند به آنچه می کنید داناست.)

قسمی که می دانیم هر انسان دارای طبیعت و غریزه شخصی است که مجبور است به اشکال مختلف به آن رسیده گی کند اگر چه این رفتار وی امنیت، دارایی و ارزش های دیگران را به خطر مواجه سازد اما اگر اینجا اندیشه وجود خداوند متصور نباشد به مشکل می توان با استفاده و تعمیل قوانین جزایی و اعمال فشار از بسا رویداد های و حوادث جلو گیری کرد اما اگر ما حس و شعور باور به خداوند را به گونه درست در اذهان مردم نهادینه بسازیم، به آسانی و با مصارف اندک می توانیم امنیت اجتماعی را تامین نمایم.

چنانچه زمانی که دو شخص به سفر می روند و در آنجا قانون و محکمه ای وجود ندارد و به هدف رفع احتیاج یک دیگر به پرداخت قرض و ادای گرو به عنوان تضمین باز پرداخت مجبور می شوند، در این صورت هرچند آنان می توانند در مقابل هم خیانت کنند و یا کسی آنجا شاهد قضیه بوده و توانایی کتمان شهادت را نیز داشته است و با پنهان کردن حقایق می تواند دامنه اختلاف را وسیع و گسترده بسازد؛ پس واضح است که در اینجا جز باور به خداوند، ترس از عذاب و این که او شاهد قضیه است چیزی دیگری نمی تواند جلو توسعه اختلاف و دشمنی و جار و جنجال های قومی را که در اخلاص امنیت دیگران نیز نقش دارند، بگیرد.

در حدیث جبرئیل آمده است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- حضور و مراقبت خداوند را در عبادت به

---

<sup>1</sup> سوره بقره (283)

احسان تعبیر کرده است: «...قال: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ. قال: أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ. فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ...»<sup>1</sup>

( آن شخص -جبرئیل- علیه السلام- پرسید: احسان یعنی چه؟ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «خداوند را چنان عبادت کن که گویی او را می بینی و اگر (ایمان و استحضار تو چنان قوی نیست) که تو او را ببینی، با این تصور عبادت کن، که او تو را می بیند.)

### مطلب دوم: تقویه فکر آخرت گرایی

دومین وسیله و هدایت قرآن برای تامین امنیت اجتماعی از طریق اصلاح افکار و باور ها، تقویه و شکل دهی فکر آخرت و زنده گی دوباره در اذهان انسان ها است و چنانچه می بینیم سوره های مختلف قرآن به نام ها و اوصاف روز رستاخیز نام گذاری شده اند و خداوند به اشکال گوناگون خواسته است نهال عقیده مستحکم ایمان به زنده گی مجدد را در ذهن و مغز انسان، غرس نموده و با تکرار و توالی می خواهد آن را به حدی رشد دهد که این تفکر در تغییر و تحول عملی او نقش اساسی داشته باشد و اعمال او را به گونه ی اداره کند که در هر قدمی کارش سنجش و محاسبه روز قیامت و بهشت و جهنم را مد نظر بگیرد.

روش های اساسی قرآن برای ترکیب اندیشه آخرت:

قرآن کریم برای رشد و تقویه اندیشه آخرت روش هایی را بیان نموده است که ذیلا ارایه می گردد:

#### 1- نشان دادن قیامت به عنوان یک رویداد نهایت سخت و هولناک

آیات بی شماری وجود دارند که نشان دهنده این مطلب اند و چون نقل همه آیات ما را از موضوع به نحوی خارج می سازد بناءً با نقل یک یک آیه پیرامون هر موضوع اکتفا می کنیم، خداوند در اولین آیه سوره حج این گونه جهانیان را مورد خطاب قرار می دهد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ﴾<sup>2</sup>

( ای مردم جهان! از پروردگار تان بترسید چون زلزله و رویداد لحظه قیامت خیلی چیز بزرگ است.)

اگر تفکر و اندیشه ترس از سختی های روز قیامت، ذهن یک انسان را مشغول سازد، هیچگاه او فرصتی نمی یابد تا ظلمی را مرتکب شود و ارزش های دیگران را زیر پا کند، این تصور نفس اماره انسان را مغلوب و

---

<sup>1</sup> بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح البخاری، کتاب الایمان، باب سؤال جبرئیل-علیه السلام- عن الایمان و الاسلام و الاحسان، شماره حدیث: 50، نسخه طوق النجاة، المكتبة الشاملة،  
<sup>2</sup> سوره حج آیه 1

عقل سلیم را فرمان ده می سازد که در نتیجه آن فرد می تواند از خواهشات نفسانی اش جلو گیری کند.

## 2- ایجاد انگیزه و ترس محاسبه و گزارش دهی از اعمال

این موضوع نیز به طور گسترده و وسیع در قرآن شامل گردیده است مثال واضح آن اولین آیه سوره انبیاء است ﴿اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾<sup>1</sup>

( روز حساب گیری مردمان خیلی نزدیک شده است در حالی که آنان در غفلت و بی خبری به سر می برند و همواره از هشدارها اعراض کننده هستند.)

آلوسی<sup>2</sup>-رحمه الله- گفته است: «برخی مفسرین مانند: ابن عباس-رضی الله عنه- قرطبی، زمخشری-رحمهما الله- به این نظر اند که مراد از ناس، مشرکین مکه است، و اکثر مفسرین گفته اند: در اینجا کلمه «ناس» جنس است و شامل تمام مردم می شود»<sup>3</sup>

## 3- پرسش از نعمت ها

مورد دیگری که قرآن می خواهد انسان را تذکر دهد، مسئله پرسش از نعمت های گوناگون مادی و معنوی است که در دنیا آن را به کار می برد و با روش های مختلف از آن ها لذت می برد، احساس و انگیزه پرسش از نعمت ها نیز می تواند در اصلاح و تغییر نفس نقش داشته باشد، خداوند می فرماید: ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ

يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾<sup>4</sup>

( و سپس حتماً و به گونه جدی شما در آن روز، از نعمت ها پرسیده می شوید.

ابن کثیر-رحمه الله- در ذیل تفسیر این آیه<sup>5</sup> احادیث و اقوال زیادی را از سلف نقل نموده است چنانچه روایتی را به سند مرفوع از ابن مسعود-رضی الله عنه- روایت می کند که مراد از نعمت ها، امنیت و صحتمندی است. همچنان از علی بی ابی طلحه<sup>6</sup> به روایت ابن عباس-رضی الله عنه- نقل می کند که او گفته است: مراد از

<sup>1</sup> سوره انبیاء آیه (1)

<sup>2</sup> آلوسی، الألوسی، أبو الثناء شهاب الدین محمود بن عبدالله آلوسی، متولد سال (121 هجری فقیه، مفسر، ادیب عربی و مفتی عراقی در سده سیزدهم هجری بود وی ذکاوت عجیب داشت در 13 سالگی شرحی بر قطر الندی نوشت سپس از بسیاری از عالمان مشهور بغداد اجازه روایت یافت و خود در شمار استادان بزرگ در آمد و ملقب به «علامه» شد. بیش از 20 کتاب در زمینه های ادبیات، تراجم، منطق، عرفان، عقاید و تفسیر از وی به جا مانده است، دقائق التفسیر، شرح العینة فی مدح سیدنا علی رضی الله عنه بارزترین کتب وی تفسیره الکبیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. او در سال 1270 در بغداد وفات کرد. زرکلی، الاعلام، ج 7 ص 176

<sup>3</sup> آلوسی، روح المعانی، ج 12 ص 316

<sup>4</sup> سوره تکوین آیه (8)

<sup>5</sup> ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل، تفسیر قرآن العظیم، انتشارات دار طیبه للنشر و التوزیع، 1420 هـ 1999 م. ج 8، صفحه 477.

<sup>6</sup> علی بن ابی طلحة: سالم بن المخارق القرشی الهاشمی، کنیه اش أبو الحسن، أبو محمد و أبو طلحة گفته شده و از طبقه ششم تابعین است که در

نعمت ها صحت بدن، قوه شنوایی و بینایی است که در روز قیامت از چگونگی استعمال و استفاده آن ها پرسیده می شود، هرچند خداوند خودش از همه چیز با خبر و آگاه تر است چنانچه در آیه دیگر آمده است:

﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾<sup>۱</sup>

( یقیناً نیروی شنوایی، بینایی و قلب انسان همه مورد بازپرس قرار می گیرند.

#### 4- انذار از عذاب جهنم

سومین وسیله قرآن کریم در این خصوص، ایجاد ترس و انذار از عذاب جهنم است و این موضوع نیز در سوره های مختلف قرآن کریم به کرات و مرات تکرار شده است که به عنوان مثال یکی آن را نقل می نماییم:

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَعُضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَةُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾<sup>۲</sup>

( و کسی که یک نفر مومن را عمداً به قتل برساند، پس جزای او جهنم است که برای همیشه در آنجا می ماند، و خداوند بالای او خشمناک شده و او را لعنت کرده است و برایش عذاب بزرگی را آماده کرده است.)

قتل و کشتار از بزرگ ترین پدیده های است که امنیت اجتماعی ما را کاملاً مختل می سازد و در جامعه ای که به اثر بی توجهی و عدم تطبیق طرح های قرآنی دامنه قتل گسترش یابد، در آن جامعه دیگر خبری از آرامش نخواهد بود، چنانچه امروز ما این حقیقت را در کشور خود تجربه می کنیم، در این آیه قسمی که معلوم است برای این گناه بزرگ شدید ترین جزا تعیین گردیده است که شامل ورود به جهنم، همیشه بودن در آن، نزول غضب، لعنت و عذاب بزرگ است، پس هرگاه ما نسلی را تربیه نماییم که با این طرح معتقد باشد و قتل را سبب خلود در جهنم بداند، هیچگاه چنین شخصی جرئت کشتن یک فرد بی گناه را نخواهد کرد.

#### 4- دیدار و ملاقات با خداوند

وسيله دیگری که قرآن کریم می خواهد آن را در ذهن و فکر انسان جای گزین کند، حقیقت ملاقات و رو به رو شدن به خداوند است و این مطلب نیز در جای قرآن تذکر داده شده است چنانچه بیان می دارد: ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾<sup>۳</sup>

( ای انسان همانا تو تا رسیدن به پروردگارت زحمت و تکلیف فراوانی را می کشی و سرانجام به او رو به رو

سال 143 هـ وفات کرده است. شذرات الذهب.

<sup>۱</sup>. سوره اسرا آیه (36)

<sup>۲</sup>. النساء (93)

<sup>۳</sup>. سوره انشقاق آیه (6)

می شوی.)

زمانی که باور ملاقات به خداوند نیز در انسان به گونه درست شکل بگیرد، دیگر جرئت بسا از اعمال خلاف و نامشروع را نخواهد کرد و هرگاه افراد جامعه همه به این باور باشند، آرامش و سکون همه جارا فرا خواهد گرفت.

### مطلب سوم: بی ارزش نشان دادن دنیا و تشویق به بهشت

روش دیگری که قرآن می خواهد توسط آن امنیت مردم را از طریق اصلاح افکار و اندیشه ها، تامین نماید؛ این است که دنیا و لذایذ آن را در نظر انسان بی ارزش نشان می دهد و لجام فکر انسان را به زیبایی های بهشت می برد جایی که نظیر آن را نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه به دلی کسی خطور کرده است، چنانچه می گوید:

﴿ وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴾<sup>2</sup>

( و این زندگی فعلی شما جز بازی و سرگرمی نیست و یقیناً جهان آخرت زنده گی حقیقی است اگر انسان ها بدانند.)

و همچنان الله متعال می فرماید: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوٌّ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُمْصِرًا ثُمَّ يَكُونُ خُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴾<sup>3</sup>

( بدانید که زندگی دنیا تنها بازی، سرگرمی، آرایش و پیرایش، فخر و ناز در میان همدیگر و مسابقه در افزایش اموال و اولاد است و بس . دنیا همچو باران است که گیاهان آن ، کشاورزان را به شگفت می آورد ، سپس گیاهان رشد و نمو می کنند و بعد گیاهان را زرد و پژمرده خواهی دید، و آنگاه خرد و پرپر می گردند. در آخرت عذاب شدیدی ( برای دنیاپرستان ) و آمرزش و خوشنودی خدا ( برای خداپرستان ) است . اصلاً زندگی

<sup>1</sup> این مطلب در حدیثی آمده است که امام بخاری روایت کرده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ، وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ، دُخْرًا بَلَّهُ مَا أَطْلَعْتُمْ عَلَيْهِ» ثُمَّ قَرَأَ { فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ } صحيح البخاری، حدیث شماره: 4780.

ترجمه: ابوهریره - رضی الله عنه - می گوید: نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «خداوند متعال می فرماید: برای بندگان نیکوکارم، نعمت هایی فراهم و ذخیره کرده ام که هیچ چشمی آنها را ندیده و هیچ گوشی آنها را نشنیده و به قلب هیچ انسانی خطور نکرده است. و این نعمت ها غیر از آن نعمت هایی است که شما از آنها اطلاع دارید». سپس رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - این آیه را تلاوت کرد: { فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ } یعنی هیچ کس نمی داند در برابر کارهایی که انجام می دهد، چه نعمت های مسرت بخشی برایش، نهفته است.

<sup>2</sup> سوره عنکبوت آیه (64)

<sup>3</sup> سوره حدید آیه 20

دنیا چیزی جز کالای فریب نیست.

به این ترتیب قرآن کریم می خواهد ارزش و اعتبار نعمت های این جهان را در برابر چیزهایی که خداوند متعال برای انسان در بهشت آماده کرده است خیلی ناچیز و اندک نشان دهد چون خداوند متعال می داند که اصلی ترین عامل جنگ، فساد و صدها بدبختی دیگر که انسان ها انجام می دهند طلب و جست و جوی مال و متاع دنیا است، به همین منظور به جای فرو رفتن و انغماس در ناز و آسایش دنیوی او را به چیز بهتر و بزرگ تر تشویق می کند و جهان بینی اش را وسیع تر و فراخ تر می سازد، چنانچه در آیه دیگر امر می کند که برای به دست آوردن جنت با هم مسابقه کنند:

﴿سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا عَرْضُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾<sup>1</sup>

( باهم د برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن به سان پهنای آسمان و زمین است و برای کسانی آماده شده است که به خدا و پیغمبرانش ایمان داشته باشند؛ مسابقه کنید! و این داد و بخشش خدا است که به هر کس بخواهد آن را می دهد و خدا دارای عطای بزرگ و فراوان است.)

البته قابل یاد آوری است که بی ارزش نشان دادن دنیا به معنای ترک جامعه و اختیار رهبانیت و گوشه نشینی و همچنان به معنای عدم تلاش و کسب رزق و روزی نیست بلکه هدف این است که انسان برای به دست آوردن اهداف و مقاصد خود در دنیا که چندان ارزشی برایش ندارند و رو به زوال هستند، مرتکب ظلم، وحشت و تجاوز به حقوق دیگران نشود، چون قرآن تلاش و جستجوی رزق را عبادت می خواند چنانچه می فرماید:

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾<sup>2</sup>

( و به هر چیزی که خدا به تو عطا کرده بکوش تا (ثواب و سعادت) دار آخرت تحصیل کنی و لیکن بهرهات را هم از (لذات و نعم حلال) دنیا فراموش مکن و (تا توانی به خلق) نیکی کن چنانکه خدا به تو نیکویی و احسان کرده و هرگز در روی زمین فتنه و فساد برمی‌نگیز، که خدا مفسدان را ابدًا دوست نمی‌دارد.)  
در این آیه، میانه روی به عنوان برنامه و سنت الهی خداوند متعال معرفی می گردد، برنامه ای که دل

<sup>1</sup> .سوره حدید آیه 21

<sup>2</sup> سوره قصص آیه 77

صاحب اموال را انگیزه آخرت می دهد و او را محروم از آن نمی دارد که در این دنیا بهره ای از خوشی ها و نعمت ها داشته باشد. بلکه او را بر این کار تشویق و ترغیب می کند و آن را بر عهده او می اندازد، تا انسان زهدی را در پیش نگیرد که زندگی را مهمل و ناچیز بشمارد و آن را پوچ و بی ارزش فکر کند. خداوند چیزهای حلال و پاکیزه را آفریده است تا مردمان از آنها استفاده کنند و بهره مند گردند، و در زمین برای افزایش و استفاده از آن بکوشند و در راه تحصیل و به دست آوردن آن کوشش کنند، و در نتیجه زندگی رشد و نمو داشته باشد و تازه و شاداب شود، و خلافت انسان در این زمین پیاده گردد. البته این هم به شرطی که انسانها دیدگاهشان در این مورد، متوجه آخرت باشد، و از راه آخرت منحرف نگردند و به سبب اشتغال به نعمتهای دنیا از آخرت غافل نشوند. اگر چنین حساب شده و آگاهانه از نعمتها استفاده کنند و بهره مند گردند، همچون استفاده و بهره بردن نوعی از انواع شکر حساب می شود و در این صورت همچون کاری طاعتی و عبادتی از طاعتها و عبادتها است و خدا پاداش نیکوی آن را می دهد، به این ترتیب، این برنامه تعادل و توازن را در زندگی انسان محقق می سازد، و برای انسان ارتقاء دائمی روحی را ممکن می سازد، زندگی متعادلی که محرومیت در آن نیست و ارکان و اصول زندگی فطری ساده و بی آرایش، در آن ضائع نمی گردد و هدر نمی رود.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 5، ص 2711

## مبحث دوم: راهکارهای اخلاقی

قرآن کریم، پس از اصلاح فکر و اندیشه و گسترش ساحه بینش و عقیده انسان که در حقیقت زمینه ساز اصلاح رفتار و کردار انسان هستند، می کوشد از طرق و روش های مختلف، اخلاق انسان را به سمت خوبی و نیکی توجیه کند و قرآن کریم ضمن منع منکرات و نهی از چیزهایی که باعث اخلاق امنیت و تجاوز بر حقوق دیگران می شوند، مسلمانان را به انجام یک سلسله مسایل اخلاقی که برای تامین هرچه بیش تر امنیت اجتماعی کمک کننده واقع می شوند؛ مامور ساخته است و راهکارهای اخلاقی را از بهترین گزینه ها برای برقراری امنیت اجتماعی می داند. در این زمینه مثال های زیادی وجود دارد که این بحث مختصر ایجاب نقل همه را نمی کند به این دلیل چند مورد محدود را پیرامون این مطلب متذکر می شویم:

### مطلب اول: رفق و نرمی و دفع کردن بدی به نیکی

یکی از صفات اخلاق بزرگ در اسلام رفق و نرمی است که در داشتن این اخلاق در جامعه سبب می شود تا امنیت اجتماعی برقرار شود، رفق در لغت خلاف زشتی و درشتی است و لطافت و نرمی و آسانی در کار را می گویند.<sup>۱</sup> و در اصطلاح حافظ ابن حجر آن را چنین تعریف نموده است: «الرفق: لين الجانب بالقول و الفعل، والأخذ بالأسهل، و هو ضد العنف»<sup>۲</sup>

( رفق عبارت از نرمی در گفتار و افعال و آسانی در آن میباشد ، ضد آن عنف یا درشتی است.)

در مورد رفق و نرمی و آثار و فواید آن آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن ها نقل می شود:

- 1- خداوند متعال در باره رفق فرموده است: ﴿فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾<sup>۳</sup>  
(به سبب رحمت خداست که با آنها نرمش نمودی، و اگر درشت خو و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند، پس، از آنها درگذر، و برای آنان طلب آمرزش کن و در کارها با آنان مشورت نما، و هرگاه تصمیم به کاری گرفتی بر خداوند توکل کن، بی گمان خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.)
- 2- خداوند متعال به موسی و هارون -علیهما السلام- دستور می دهد تا در برابر فرعون از نرمی کار بگیرند،

1 - ابن منظور، محمد بن مكرم؛ لسان العرب، بيروت: دارصادر، 1414 ق، جلد: ۱۰، ص: ۱۱۸.  
2 - ابن حجر، فتح الباری. أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار المعرفة - بيروت، 1379. جلد: ۱۰، ص: ۴۴۹.  
3 - سوره: آل عمران / ۱۵۹ .



چنانچه فرموده است: ﴿اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ \* فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾<sup>۱</sup> ( به سوی فرعون بروید که سرکشی کرده است ، سپس به نرمی با او سخن بگوئید شاید او سنجش کند پندگیرد یا بترسد.

3- رفق و نرمی باعث می شود تا پراگندگی و نفرت که از عوامل بزرگ فساد و ناامنی در جامعه است از بین برود چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّفُتِنَّا بِكَ لَمْ يُؤْمِرُوا بِنَجَاتِكَ لَ تَهْلِكُ مِنْهُ النُّبُوءَاتُ كَثِيرًا مَّا أَضَلَّ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ﴾<sup>۲</sup>

( از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان که نافرمانی کردند نرمش نمودی. و اگر درشت خویی و سنگدل بودی از پیرامون تو پراکنده می شدند.)

پس در نتیجه می توانیم بگوییم که عمل به اخلاق رفق و نرمی در جامعه نقش بزرگی در برقراری امنیت و از رفتن مفاسد دارد و اگر این صفت والا در جامعه عام شد کم تر شاهد حوادث جرمی و جنایی خواهیم بود چون نرمی باعث نجات از انحراف، افراط و تفریط می شود چنانچه ابن قیم<sup>۳</sup> -رحمه الله- می گوید: «إذا انحرفت عن خُلُقِ الْأَنَاةِ وَالرِّفْقِ انحرفت: إمَّا إلى عَجَلَةٍ وطيش وعنف، وإمَّا إلى تفریط وإضاعة، والرِّفْقُ والأَنَاةُ بينهما»<sup>۴</sup>

( هنگامی که از اخلاق نرمی و بردباری دور شدی منحرف می شوی یا به عجله، پرخاش و زور گویی روی می آوری و یا راه تفریط و ضایع کردن را در پیش می گیری و رفق و نرمی در میان این دو قرار دارد.)

و امام غزالی-رحمه الله- گفته است: «الأعمال ينبغي أن تكون بعد التَّبَصُّرَةِ والمعرفة، والتَّبَصُّرَةُ تحتاج إلى تأمُّلٍ وتمهُّلٍ، والعَجَلَةُ تمنع من ذلك، وعند الاستعجال يروِّج الشَّيْطَانُ شرَّه على الإنسان من حيث لا يدري»<sup>۵</sup>

( اعمال و کارها باید بعد از بصیرت و شناخت صورت گیرند و بصیرت به فرصت و تأمل نیاز دارد و عجله مانع آن می شود و هرگاه کار به عجله صورت بگیرد شیطان شر و فساد خویش را بر انسان قسمی که تحمیل می کند که هیچ نمی داند.)

همچنان در آیات مختلف قرآن کریم به این موضوع پرداخته شده است و فضیلت دفع کردن بدی ها توسط نیکی به وجوه مختلف بیان شده است چنانچه خداوند متعال می گوید:

1 - سوره : طه / ۴۳-۴۴.

2 - سوره : آل عمران / ۱۵۹ .

3 ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر بن ایوب در سال 511 ه در دمشق چشم به جهان گشود او یکی از علمای بزرگ بوده که نزد شیخ الاسلام ابن تیمه (رحمه الله) علوم -اسلامی را فرا گرفته و همراه در قلعه دمشق محبوس شد و از جمله تالیفات وی مدارج السالکین، الوابل الصیْب من الکلم الطیب و طرق الکمیه فی السیاسة الشرعیة می. (باشد ابن قیم) رحمه الله (در شهر دمشق سال 721 وفات نمود) الاعلام للزرکلی، ج 5، ص 25

4 ابن قیم، مدارج السالکین ج 2 ص 296

5 غزالی، احیاء علوم الدین، ج 3 ص 33

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

( نیکی و بدی برابر نیستند، تو بدی را به گونه بهتر دفع کن و سپس خواهی دید کسی که با او دشمنی داری به دوست صمیمی تبدیل می شود.)

نشر و تقویه این اخلاق عالی و برجسته می تواند بسا از مشکلات اجتماعی بزرگی ما را حل کند چون بسیاری از موارد امنیتی نتیجه انتقام و عدم بخشش کسانی است که بنا به عوامل گوناگون مرتکب خطا و اشتباه در حق دیگران می شوند.

### مطلب دوم: تشویق به عفو و گذشت

جامعه انسانی از افرادی تشکیل می شود که از لحاظ اخلاق، سطح بینش، رفتار، دانش و برداشت متفاوت هستند و طبعاً با وصف این همه قانون و مقررات از چنین افراد اشتباهات و خطا های سر می زند که موجب اخلال امنیت فردی یا اجتماعی می گردد، قرآن کریم یکی از راه های حل را در مقابل برخی گناهان، به عوض انتقام انسان ها را به عفو و گذشت تشویق می کند و پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم را در مقاطع مختلف زنده گی دعوتی به عفو و گذشت مامور ساخت است و تسامح و گذشت را یکی از صفات اهل جنت شمرده است چنانچه با زبان بلیغ بیان می دارد: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۲</sup>

( اهل جنت کسانی اند که داشته های شان را در حالت خوشی و سختی به خرچ می رسانند و آنان فرو برنده خشم هستند و از اشتباهات مردم می گذرند و خداوند انسان های نیکو کار را دوست می دارد.)  
چنانچه معلوم است یکی از عوامل فساد و از بین رفتن امنیت اجتماعی در جامعه، عدم تقوا و پرهیزگاری است و از نگاه قرآن کریم عفو و گذشت سبب نزدیک شدن به تقوا می شود، قسمی که الله تعالی به عفو و گذشت تشویق نموده و فرموده است: ﴿وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ﴾<sup>۳</sup>.

(و اینکه ببخشید، این کار نزدیکتر است به پرهیزگاری و در میان خود نیکی را فراموش نکنید.)  
از آیه فوق معلوم می شود که عفو و گذشت سبب از رفتن مفسده کدورت می شود چنانچه سید قطب در ذیل تفسیر این آیه می گوید: « در این درس ما با گوشه ای از قانون خانواده آشنا می شویم گوشه ای از تنظیم

1. سوره فصلت آیه 34

2. آل عمران (134)

3. سوره البقره آیه ۲۳۷.

اصل استواری که گروه مسلمانان بر آن ماندگار و جامعه اسلامی بر آن پایدار می گردد. همان اصلی که اسلام سخت بدان اهتمام ورزیده و از هر نظر در رعایت آن کوشیده و تلاش بی امان و کوشش فراوانی را صرف تنظیم و نگهداری و از بین بردن هرج و مرج جاهلیت کرده است، نظام اجتماعی اسلامی، یک نظام خانوادگی است، در ضمن اینکه یک نظام ربّانی برای انسان است، در این نظام همه ویژگیهای سرشت انسانی و نیازها و آرزوها و شرایط و ارکان آن در نظر گرفته شده است و مهم ترین ویژگی این نظام تقویّه روحیه عفو و گذشت است که باعث از بین رفتن ده ها بی نظمی و هرج و مرج می شود.<sup>۱</sup>

از عامل دیگر فساد اضطراب و پریشانی است و آثار فردی عفو و گذشت این است که باعث کاهش اضطراب، افسردگی، عصبانیت در فرد میشود و باعث می گردد که فرد اعتماد کامل بالای خود داشته باشد، بنا بر این گفته میتوانیم که خشم و خشونت یگانه عامل افزایش امراض روانی و جسمانی است، عفو و گذشت یگانه راهی برای سلامت جسمی و روانی تجویز شده است و کسیکه زیاد عفو و گذشت میکند سبب راحتی نفسش می شود.<sup>۲</sup>

همچنان عفو سبب تبدیلی دشمنی به دوستی می شود، زیرا غالباً هرگاه کسی بدی کند در مقابل انتظار بالمثل را از جانب مقابل دارد، ولی اگر جانب مقابل برخورد نیک همایش نماید طبعاً طوفانی در وجودش برپا میشود و وجدانش بیدار میشود و برای طرف مقابل شخصیت بزرگی قائل میشود، این جا است که سردی تنفر و کینه به گرمی محبت و صمیمیت تبدیل میشود و این از آثار مهم عفو و گذشت است به همین خاطر الله تعالی در قرآن کریم فرموده است:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾<sup>۳</sup>

(برابر نیست نیکی و نه بدی دفع کن بدی را به آنچه که آن بهتر است پس ناگهان آنکس که میان تو و میان او دشمنی است گویا که او دوست قریب است.)

از آیه فوق معلوم می شود که دفع بدی بوسیله نیکی باعث از بین رفتن دشمنی که یکی از مفسد بزرگ در جامعه را تشکیل می دهد، می شود چنانچه ابن کثیر-رحمه الله- می گوید: «در قرآن همین سه آیه به این معنا است و آیه ی چهارمی وجود ندارد، پیام آیات این است که خداوند دستور می دهد به دشمن از نوع انسان

<sup>۱</sup> سید قطب، فی ظلال القرآن ج 4 ص 88

<sup>۲</sup> - صالح بن عبدالله و عبدالرحمن بن محمد ، موسوعة نضرة نعیم، (ج 1 ص ۲۹۱۰).

<sup>۳</sup> - سوره : فصلت / ۳۴.

خوبی شود تا او را به طبع پاکش برگردانند و برای این کار رعایت اصل دوستی و گذشت لازم است و نیز دستور می دهد که از دشمن شیطانی ناگزیر باید به خداوند متعال پناه ببرند، چرا که در این دشمن نیکی و خوبی تأثیرگذار نیست و تنها به دنبال نابودی انسانها است و بس. و چون میزان دشمنی بین شیطان و انسان از پیش زیاد بوده است»<sup>1</sup>.

همچنان قرآن کریم ضمن تشویق و انگیزه به عفو و گذشت انسان را به ایثار و فداکاری در برابر جامعه و ملت مامور می سازد،

برای بیان کامل و شایسته ایثار کافی است که گوش جان را به ندای آسمانی قرآن بسپاریم که با شیوه ای زیبا و شگفت انگیز، خصلت برادری، گذشت، ایثار و محبت انصار را که در آن زمان اکثریت جامعه اسلامی را تشکیل می دادند، به تصور می کشد<sup>2</sup> و می فرماید: (وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)<sup>3</sup>

( و آنانکه پیش از مهاجرین در سرای ایمان و هجرت جای گرفتند و کسی را که به سویشان هجرت کند، دوست می دارند و از آنچه که به ایشان داده شود، در دل خود نیازی نیابند و دیگران را بر خود مقدم می دارند، هر چند خود محتاج باشند، و هر که از بخل خود محفوظ بماند، پس همانا آنان رستگارانند.

این ایثار آگاهانه و انتخابی و روابط عاطفی اجتماعی که در اخلاق انصارش تجلی نمود، حقیقتاً در تاریخ بشر کم نظیر است. گروه انصار، مهاجرینش را که به خاطر دین خود مورد اذیت و آزار قرار گرفته و از دیار خود رانده شده بودند به عنوان برادر خود پذیرفتند و آنان را یاری دادند. مهاجرینش همه چیز خود را در راه خدا فدا کردند و وقتی به مدینه رسیدند هیچ چیز نداشتند، انصارش نیز در بسیاری از نعمات و امکانات زندگی، مهاجرینش را بر خود ترجیح دادند، تا جایی که هر کدام از آنان وفات می نمود، دیگری از او ارث می برد<sup>4</sup>.

قرآن کریم به ایثار و فداکاری در برابر جامعه و ملت به عبارات مختلف تشویق می نماید به طور مثال از داستان پسران آدم - علیه السلام - حکایت می کند آن زمانی که یکی از برادران خواست دیگری را به قتل

<sup>1</sup> ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، (ج 5 ص 305).

<sup>2</sup> زحیلی، التفسیر المنیر، ج 25 ص 113

<sup>3</sup> سوره حشر آیه 9

<sup>4</sup> علوان، عبدالله ناصیح، کیف نربی أولادنا، عبدالله ناصح علوان، ترجمه: عبدالله احمدی، المكتبة الشاملة، ج 1 ص 420

برساند، فرد دوم نه خواست که دست به خونریزی بزند و در برابر قتل تمکین کرد تا این کشتار موجب گسترش و توسعه دامنه خون ریزی نگردد، چنانچه الله متعال در حکایت از آن می فرماید: ﴿لَمَّا بَسَطَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطِ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>1</sup>

( گفت: اگر دستت را به سویم به هدف قتل دراز کنی من دستم را به سوی برای کشتنت دراز نمی کنم، زیرا من از خداوندی که پروردگار عالمیان است می ترسم.

اگر اخلاق ایثار و فداکاری تقویه شود بسیاری از مشکلات بزرگ در کشور ما افغانستان حل می گردد به طور مثال جنگی که در حال حاضر جریان دارد و هر روز از هردو طرف قربانی میگیرد و روز به روز فساد و بدبختی زیاد می شود و اگر هردو طرف جنگ در افغانستان از ایثار و خود گذری کار بگیرند در نتیجه مشکلات امنیتی حل می گردد و صلح حکفرما می شود.

### مطلب سوم: تقویه فرهنگ اخوت و همدلی

اخوت و برادری نیز از اخلاقیات بزرگ اجتماعی است که در اسلام به آن بسیار تاکید شده است و قرآن کریم مسلمین را به رابطه اخوت بسیار تشویق کرده است و مقتضیات و لوازم آن را در تعداد زیادی از آیات قرآن ذکر می کند و در احادیث نبوی هم به آن تصریح شده است:

1- قرآن تمام مومنان را با هم برادر می خواند چنانچه پروردگار متعالی می فرماید: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ**<sup>2</sup>  
( به تحقیق مؤمنان با هم برادرند.)

2- اخوت سبب افزایش قوت انسان می شود چنانچه الله متعال در مورد حضرت موسی علیه السلام می گوید: **(سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ)**<sup>3</sup>  
( بازویت را به سبب برادرت محکم خواهیم کرد.)

3- قرآن اخوت را نعمت الهی می دان چنانچه می فرماید: **(وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا)**<sup>4</sup>

( آنگاه که شما دشمن (همدیگر) بودید پس خدا میان دلهایتان انس و الفت ایجاد کرد، و به نعمت خدا

1. سوره مائده آیه 38

2. سوره حجرات آیه 10

3. سوره قصص آیه 10

4. سوره آله عمران آیه 103

برادر گشتید، و بر لبه گودالی از آتش بودید، پس خداوند شما را از آن نجات داد، اینگونه خداوند آیات خود را برایتان بیان می کند تا هدایت شوید.)

در احادیث نیز به اخوت و همدلی تاکیدات زیادی صورت گرفته است چنانچه عبدالله به عمر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده است: «المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يسلمه ومن كان في حاجة أخيه كان الله في حاجته ، ومن فرج عن مسلم كربة فرج الله عنه كربة من كربات يوم القيامة ، ومن ستر مسلما ستره الله يوم القيامة».<sup>1</sup>

( مسلمان برادر مسلمان است، بالای او ظلم نمی کند، و کسیکه یک مشکل برادر خود را حل کند خداوند مشکل او را حل میکند ، و کسیکه یک مصیبت را از مسلمان دفع میکند ، خداوند مصیبت های روز قیامت را از او دور میکند ، کسیکه عیب برادر مسلمان خود را پنهان کرد خداوند در روز قیامت گناهان او را پنهان میکند. تقویه اخلاق اخوت و برادری در قرآن کریم یکی از بهترین برنامه ها برای برقراری امنیت اجتماعی است ، چنانچه الله متعال در مورد انصار می گوید: ﴿وَأذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾<sup>2</sup> ( آنگاه که شما دشمن (همدیگر) بودید پس خدا میان دلهایتان انس و الفت ایجاد کرد، و به نعمت خدا برادر گشتید، و بر لبه گودالی از آتش بودید، پس خداوند شما را از آن نجات داد، اینگونه خداوند آیات خود را برایتان بیان می کند تا هدایت شوید.)

همچنان قرآن کریم کسی را که جرم را انجام داده است به خاطر مصلحت و تقویه فرهنگ اخوت و برادری جانب مقابل را برای او برادر خطاب می کند و می فرماید: ﴿فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾<sup>3</sup> ( پس هرکسی که از جانب برادرش برای او چیزی بخشوده شد، به خوبی پیروی کند و به نیکی دبه را به او بپردازد، این تخفیف و رحمت از جانب پروردگار تان است، پس کسی که بعد از آن تجاوز کند برایش عذاب دردناک است.)

اخوت اسلامی ایجاب می کند، افرادی که با هم نزاع و دشمنی دارند طبق دستور صریح اسلام با هم صلح

1 - بخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، نسخه طوق النجاة، المكتبة الشاملة، شماره حدیث: ۱۱۱۵.

2 - سوره آل عمران آیه 103

3 - سوره بقره آیه 178

و آشتی نمایند. و جامعه اسلامی نیز مسئول و متعهد است که در برابر افرادی که به صورت ناظر بیطرف و تماشاگر نگاه نکند، بلکه بر افراد صاحب فکر و اندیشه و قدرتمند واجب و لازم است به منظور اصلاح جامعه خویش مداخله نمایند و اجازه ندهند تا آتش فتنه و فساد، دشمنی و کینه توزی توسعه بیشتری پیدا کند و جامعه اسلامی را به تباهی و نابودی بکشاند چنانکه در بسیار از آیات قرآن مجید و روایات اسلامی از صلح و اصلاح تمجید و سفارش شده است. خداوند متعال می فرماید: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ) <sup>۱</sup>  
(همانا مؤمنان همه برادرند پس در میان برادران خود اصلاح کنید.)

### مطلب چهارم: تشویق به صبر و شکیبایی

یکی از مهمترین نوع اخلاق در اسلام صبر است که سرچشمه زیادی از مواصفات نیک است و در تامین امنیت اجتماعی نقش بسیار بزرگ دارد. صبر در لغت عبارت از حبس، بازداشتن و منع نفس است. <sup>۲</sup> فیروز آبادی <sup>۳</sup> - رحمه الله - گفته است: صبر نظر به حالات مختلف معنی های متفاوت دارد: اگر حبس نفس از مصیبت باشد بنام صبر یاد میشود، و اگر در جنگ باشد شجاعت نامیده میشود، و اگر مانع شدن خود از گفتن کدام سخن باشد بنام کتمان یاد می شود و اگر حبس نفس از کارهای بیهوده باشد زهد نامیده می شود و اگر از شهوت فرج باشد عفت نامیده میشود، و اگر حبس نفس از شهوت طعام باشد شرف نفس نامیده می شود و اگر حبس نفس از جواب دادن کسیکه در حالت غضب باشد حلم نامیده میشود. <sup>۴</sup>  
صبر در اصطلاح چنین تعریف شده است: «الصبر هو حبس النفس عن محارم الله، وحبسها علی فرائضه، وحبسها عن التسخط والشکایة لأقداره و هو ثبات القلب علی الأحکام القدیریة والشرعیة» <sup>۵</sup> ( صبر عبارت از منع کردن نفس از محارم خداوند و بازداشتن آن در مقابل فرایض خداوند و همچنان بازداشتن آن از از نارضایتی و شکایت در برابر تقدیر است و صبر عبارت از ثبات قلب بر احکام تقدیر و شریعت است.)  
در قرآن کریم به صبر و حوصله مندی در برابر مشکلات و مناسبات مختلف زیاد تاکید شده است که در ذیل به برخی آن ها اشاره می شود:

<sup>۱</sup> سوره حجرات آیه ۱۰

<sup>۲</sup> جوهری، الصحاح، ص ۷۰۶، این منظور، لسان العرب، ج ۴ ص ۴۳۷

<sup>۳</sup> فیروز آبادی: شیخ مجد الدین ابی طاهر، محمد بن یعقوب الفیروزآبادی الشیرازی از جمله ائمه لغت و ادب بوده است، در شهر کارزین شیراز ایران امروزه در سال ۷۲۹ ه متولد گردیده است، به کشورهای عراق، مصر، شام، هند و روم نیز سفر نموده است، در مسند قضاء نیز وظیفه انجام داده است، که بنابر همین اساس به حد شهرت رسیده است، او سر انجام در سال ۸۱۷ ه وفات نموده است. اعلام زرکلی ج ۷، ص ۱۴۶.

<sup>۴</sup> - فیروز آبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، ص: ۴۲۲.

<sup>۵</sup> ابن قیم، کتاب الروح، ص ۲۴۱

1- در قرآن کریم به مومنان دستور داده شده است تا در وقت مصیبت ها به صبر و نماز استعانت کنند: ﴿يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

( ای کسانی که ایمان آورده اید! از صبر و نماز در برابر مشکلات سخت زندگی کمک بگیرید ، خداوند با

صابران است.)

2- صبر کردن و توصیه به صبر انسان را یکی از راه های نجات از خسران عنوان شده است:

﴿وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾<sup>۲</sup>

( قسم به زمانه ، هر آینه انسان در زیان است مگر کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالحه را انجام داده

اند و یکدیگر را به حق و صبر توصیه میکنند.)

3- صبر موجب دخول جنت می شود چنانچه الله -جل جلاله- فرموده است: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا

يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۳</sup>

( آیا گمان دارید که داخل شوید در بهشت و هنوز متمیز نساخته است خدا مجاهدان را از شما و متمیز

نکرده است صابران را.)

4- صبر به عملی کردن احکام الهی و متاثر نه شدن از گپهای دشمنان و منافقین هم از اوامر الله متعال است:

﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا﴾<sup>۴</sup>

( پس انتظار بکش حکم پروردگار خود را و اطاعت مکن از ایشان گنهکار یا ناسپاس را)

5- بزرگان دین هم اتباع خود را به صبر حکم کرده اند مثلیکه قرآن کریم از لقمان حکیم نقل می فرماید: ﴿يَا

بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾<sup>۵</sup>

(ای پسرک من! برپا دار نماز را و امر کن به نیکوئی و منع کن از بدی و صبر کن بر آنچه برسد به تو هر

آینه این از کارهای مهم است)

از نظر قرآن کریم صبر آثار و پیامد های زیادی دارد و می تواند مفاسد زیادی فردی و اجتماعی را در

جامعه جلوگیری کند، چنانچه دوری و نفرت یکی از عامل فساد و اخلاص امنیت اجتماعی است.

1 - سوره : البقره / ۱۵۳ .

2 - سوره : العصر / ۱-۳ .

3 - سوره : آل عمران / ۱۴۲ .

4 - سوره : الانسان / ۲۴ .

5 - سوره : لقمان / ۱۷ .



صبر باعث از بین رفتن غضب و دشمنی می شود که این دو صفت از جمله مفاصد و اخلال کننده امنیت اجتماعی هستند، چنانچه در حدیث آمده است: **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «أَوْصِنِي. قَالَ: «لَا تَغْضَبُ». فَرَدَّدَ مَرَارًا. قَالَ: «لَا تَغْضَبُ»!**

( ابوهریره - رضی الله عنه - می گوید: مردی به نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - گفت: مرا نصیحت کن. آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «خشم نکن». آن مرد چند بار، تقاضایش را تکرار کرد و رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - همچنان می فرمود: «خشم نکن»)

### مطلب پنجم: امر به صداقت و راستی

یکی از صفات اخلاق بزرگ در اسلام صدق و راستی است که اهمیت و نقش زیادی در جلوگیری از اخلال امنیت اجتماعی دارد، صدق در لغت از ماده ص، د، ق گرفته شده و ضد کذب یعنی دروغ است در عربی می گویند: صدقت القوم یعنی برایشان راست گفتم، صدق به راستی سخن و همچنان به راستی در محبت اطلاق می شود.<sup>2</sup>

صدق در اصطلاح چنین تعریف شده است: «الصدق مطابقة القول الضمير و المخبر عنه معا»<sup>3</sup>

( صدق عبارت است از مطابقت سخن با ضمیر و مخبر عنه هردو است.)

در قرآن کریم به صداقت و راستکاری منحیث یکی از عوامل بزرگ برقراری امنیت و آسایش و عامل دفع مفاصد زیاد تاکید شده است که در ذیل برخی آیات مرتبط نقل می گردد:

1- صداقت یکی از صفات انبیاء شمرده شده است، الله تعالی فرموده است:

﴿وَأذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا﴾<sup>4</sup>

( و یاد کن در کتاب ابرهیم را هر آینه او در گفتار و کردار بسیار راستین و پیامبر بود.)

2- الله متعال به بندگان خویش تاکید می کند با صادقین و راستگویان یکجا باشند چنانچه فرموده است: **يَا أَيُّهَا**

**الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ**<sup>5</sup>

( ای اهل ایمان، خداترس باشید و با مردان راستگوی با ایمان بپیوندید.)

<sup>1</sup> صحیح البخاری، شماره حدیث: 6116.

<sup>2</sup> ابن منظور، لسان العرب، ج 10 ص 193، رازی، مختار الصحاح، ص 174

<sup>3</sup> -الأصفهانی، أبی القاسم حسین بن محمد بن راغب، المفردات فی غریب القرآن، مکتبة نزار مصطفى الباز، جز: اول، ص: ۳۶۳.

<sup>4</sup> - سوره: مریم / ۴۱.

<sup>5</sup> سوره توبه آیه 119

ابن کثیر-رحمه الله- در تفسیر این آیه می نویسد: «أي: اصدقوا والزموا الصدق تكونوا مع أهله، وتنجوا من المهالك، ويجعل لكم فرجاً من أموركم ومخرجاً»<sup>۱</sup> ( یعنی راست بگوئید و صداقت را بر خود لازم بگردانید شما با اهل آن می باشید و از هلاکت ها نجات می یابید و خداوند به وسیله صدق برایتان گشایش و راه برون رفت قرار می دهد).

از آیات فوق اینطور نتیجه گرفته میشود که صداقت یکی از صفات الله تعالی میباشد و الله تعالی انبیاء را به صفت صداقت توصیف کرده است ، انبیاء در زندگی ما مسلمانان الگو هستند باید ما نیز از آنها پیروی کنیم و هرگاه انسان در تمام عرصه های زندگی خود از صداقت کار بگیرد، این امر باعث می شود تا امنیت اجتماعی عام گردد.

### مطلب ششم: توبه و رجوع از گناه

توبه به معنای رجوع و برگشت است.<sup>۲</sup> و در اصطلاح چنین تعریف شده است: «هي الرجوع إلى الله و أن يعزِمَ أن لا يعودَ إلي الذنب أبداً».<sup>۳</sup> (عبارت است از برگشت به طرف خداوند و تصمیم گرفتن قلبی بر اینکه انسان دیگر به گناهی که انجام داده است دوباره انجام ندهد.) در قرآن کریم به توبه و رجوع و برگشت از گناه به سوی خداوند آیات زیادی آمده است که به طور نمونه چند آیه آن نقل می شود:

1- همه باید توبه کنند همانطور که آیه قرآنی بدان تصریح دارد. ﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ﴾<sup>۴</sup>

( ای مؤمنان همه به درگاه خداوند توبه کنید.)

2- خداوند توبه پذیر است واز توبه و رجوع بندگان استقبال می کند، چنانچه می فرماید: ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ

يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾<sup>۵</sup>

( آیا نمی دانند که تنها خدا است که توبه توبه کاران راستین را و زکات و صدقه مؤمنان مخلص را می

پذیرد ، و فقط او است که بسیار توبه پذیر و مهربان است.)

3- توبه گناهان گذشته را نابود می سازد به دلیل آیه ی قرآن که می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً

<sup>۱</sup> ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج 4 ص 230

<sup>۲</sup> - ابن منظور، لسان العرب جلد: ۱، ص: ۴۵۴.

<sup>۳</sup> - جرجانی، التعریفات، ص 63

<sup>۴</sup> - سوره: النور/ ۳۱ .

<sup>۵</sup> - سوره: التوبه / ۱۰۴ .

نُصُوْحًا عَسَىٰ رُبُّكُمْ أَنْ يُكْفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ...<sup>1</sup>

( ای کسانی که ایمان آورده اید به درگاه خدا توبه راستین کنید امید است که پروردگارتان بدیهایتان را از شما بزداید و شما را وارد باغهای بهشت کند.)

دکتر یوسف قرضاوی<sup>۲</sup> می نویسد: « یکی از آثار شوم معصیت، وحشت و تنهایی است که انسان گناهکار در قلب خود، میان خود و پروردگارش احساس می نماید که قطعاً با هیچ لذتی روبرو نخواهد شد و اگر تمام لذایذ دنیا بر او جمع شوند، آن وحشت و فاصله میان بنده و پروردگار را جبران نخواهد نمود، و این مطلب را جز کسانی که دارای قلب بیدار باشند، احساس نخواهند کرد. که مرده از زخم، احساس درد و الم ندارد! اگر ترک گناهان فقط به خاطر دوری از این وحشت و تنهایی باشد، می ارزد که انسان عاقل اقدام به ترک گناهان و معاصی نماید اما این آثار به اثر توبه از بین می رود.»<sup>۳</sup>

در احادیث نیز به توبه و رجوع تاکید شده است مانند این حدیث: عن ابي موسى -رضي الله عنه- عن النبي صلي الله عليه وسلم قال: « إن الله عز وجل يبسط يده بالليل ليتوب مسيء النهار، ويبسط يده بالنهار ليتوب مسيء الليل حتى تطلع الشمس من مغربها ».<sup>4</sup>

( ابو موسی -رضی الله عنه- میگوید : پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : الله متعال دستش را در شب می گشاید تا توبه ی گناهکار روز را قبول کند و دستش را در روز باز می کند تا توبه گناهکار شب را بپذیرد.)  
بنابراین اگر اخلاق توبه و رجوع از گناه اگر در یک جامعه تقویه شود، بسا از مشکلات، مفسدات و اختلافات زیاد در جامعه رفع گردیده و به این ترتیب امنیت اجتماعی حکمفرما می شود.

### مطلب هفتم: نصیحت و خیرخواهی

یکی دیگر از راهکارهای اخلاقی قرآن برای تقویه امنیت اجتماعی، ترویج فرهنگ نصیحت و خیرخواهی است، نصیحت از ماده ن ص ح گرفته شده است و به معنی پند و اندرز موعظه است ، و ناصح به

<sup>1</sup> سوره تحریم آیه 8

<sup>2</sup> قرضاوی: یوسف عبدالله القرضاوی در سال 1926 در یکی از روستاهای حرمة محله الکبرای استان غربی مصر، در خانواده ای متدین به دنیا آمد. 2 سال بیشتر نداشت که پدرش از دنیا رفت و عموی سرپرستی او را به عهده گرفت. در سن 5 سالگی به منظور حفظ قرآن کریم به مکتب خانگی رفت و در 7 سالگی به تعلیمات رسمی وارد مکتب شد. پیش از آنکه به سن 10 سالگی برسد، حافظ کل قرآن کریم شد. در سال 1963 دوکتورای خود را با رتبه عالی از پوهنتون الازهر گرفت، [aqeedeh.com/writer/list](http://aqeedeh.com/writer/list) (سایت کتابخانه عقیده) .

<sup>3</sup> قرضاوی، دکتر یوسف قرضاوی، التوبة، ترجمه: دکتر احمد نعمتی، المكتبة الشاملة، ص 420

<sup>4</sup> - نیشاپوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن، صحیح مسلم، محقق، محمد فواد عبد الباقي بیروت: ناشر، دار إحياء التراث العربی ، شماره حدیث :

کسی گفته می شود که قلب پاک داشته باشد.<sup>۱</sup> نصیحت در اصطلاح یک کلمه جامع است که دلالت میکند به اراده خیر که ناصح در برابر منصوح دارد و شامل نصیحت به الله و رسول و کتاب او و تمام مسلمانان میشود، قسمی که جرجانی<sup>۲</sup> -رحمه الله- گفته است: «هی الدعاء الی ما فیہ الصلاح، والنهی عما فیہ الفساد».<sup>۳</sup>

( نصیحت عبارت از دعوت کردن به چیز که در آن اصلاح است و نهی کردن از چیزیکه در آن فساد است . در قرآن کریم به نصیحت و خیراندیشی زیاد تاکید شده است و در داستان اکثر پیامبران آمده است که آنان قوم خود را نصیحت میکردند، چنانچه الله تعالی فرموده است که نوح -علیه السلام- به قوم خود گفت: ﴿أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>۴</sup>

( پیامهای پروردگارم را به شما می رسانم، و شما را پند و اندرز می دهم، و از جانب خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید.)

همچنان خداوند در قرآن کریم از شخصی که به موسی -علیه السلام- نصیحت کرد تمجید می کند و می فرماید: ﴿وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ﴾<sup>۵</sup> ( و مردی از نقطه دوردست شهر شتابان آمد، گفت: ای موسی! درباریان و سران درباره تو مشورت می کنند تا تو را بکشند، پس بیرون برو، مسلماً من از خیرخواهان تو هستم.)

پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- نیز نصیحت را مسئولیت تمام مسلمانان دانسته است، چنانچه در روایت صحیح آمده است: « عَنْ تَمِيمِ بْنِ أَوْسِ الدَّارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الدِّينُ النَّصِيحَةُ» قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: «لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ».<sup>6</sup>

( از تمیم بن اوس داری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «دین، نصیحت و خیرخواهی است»، گفتیم: برای چه کسی؟ فرمودند: «برای خدا و کتابش و پیامبرش و پیشوایان مسلمان و عموم آنها برای همدیگر.

1 - جرجانی، سید شریف علی بن محمد، التعريفات، دار إحياء التراث العربي - بيروت 2003م ص: (۲۰۳).  
2 - جرجانی: علی بن محمد بن علی، معروف به شریف جرجانی فیلسوف، عالم و از جمله کبار علما در زبان عربی، او در سال 740 هجری تولد شده و در شیراز درس خواند است، مصنفاتی وی در حدود پنجاه عدد می باشد که از آن جمله کتاب «التعريفات» است او در سال 816 هجری فوت کرده است. اعلام-زرکلی-ج 5 ص 7.  
3 - جرجانی، سید شریف علی بن محمد، التعريفات، دار إحياء التراث العربي - بيروت 2003م ، ص: (۳۶۰).  
4 - سوره : الأعراف / ۶۲ .  
5 - سوره : قصص / ۲۰ .  
6 - نیشاپوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن، صحیح مسلم، محقق، محمد فؤاد عبد الباقی بیروت: ناشر، دار إحياء التراث العربي ، شماره حدیث : ۵۵.

ابن حجر عسقلانی<sup>۱</sup> - رحمه الله - گفته است: که نصیحت برای الله به معنای این است که با تمام خضوع و خشوع از الله تعالی اطاعت نماییم، به او تعالی محبت داشته باشیم و گناه را انجام ندهیم. و نصیحت به کتاب الله به این معنا است که ما کتاب الله را یاد بگیریم معنای آنرا درک کنیم و به آن عمل نماییم، نصیحت به رسول الله به این معنا است که از پیامبر - صلی الله علیه و سلم - اطاعت کنیم و به سنت او عمل کنیم و به او محبت داشته باشیم، و نصیحت ائمه مسلمین به این معنا است که چیزهای که علماء برای ما میگویند و علوم را که برای ما تعلیم می دهند آنرا برای دیگران برسانیم و به آن عمل نماییم، و نصیحت به عموم مسلمین به این معنا است که بالای شان شفقت داشته باشیم و کوشش کنیم برایشان نفع برسانیم نه ضرر.<sup>۲</sup>

به هر صورت فرهنگ نصیحت و موعظه یکی از بزرگ ترین اخلاق اجتماعی است که می تواند نقش بزرگی در برقراری امنیت داشته باشد و به کثرت دیده شده است که بسا از اختلافات و جار و جنجال های بزرگ با نصیحت و پا درمیانی مردم حل شده است.

### مطلب هشتم: حیاء

حیاء در لغت به معنای حشمت، انقباض و انزواء آمده است.<sup>۳</sup> همچنان به معنای تغییر و انکسار ( اثر پذیری درونی) انقباض و گرفتگی نفس از زشتی ها و عامل بازدارندگی از گناه نیز آمده است<sup>۴</sup> و حیاء در اصطلاح چنین تعریف شده است: «الحیاء: خُلُقٌ یبعث صاحبه علی اجتناب القبیح، ویمنع من التقصیر فی حقّ ذی الحقّ»<sup>۵</sup> (عبارت از خصلتی است که انسان را بر ترک کردن فعل قبیح و جلوگیری از کوتاهی کردن در حق دیگران بر می انگیزد).

و علامه زمخشری<sup>۶</sup> - رحمه الله - گفته است: « الحیاء تغیر وانکسار یعتری الإنسان من خوف ما یغاب به

<sup>۱</sup> حافظ ابن حجر: وی شیخ الاسلام قاضی القضاة شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن محمد عسقلانی شافعی است، از کودکی به آموزش حدیث پرداخت و در همه متون حدیث ماهر گشت و از همه مردمان زمانه اش حافظ تر بود. ابن حجر در سال ۸۵۲ وفات کرد. بیش از صد تألیف در فنون حدیث دارد. از جمله: فتح الباری شرح صحیح البخاری، تهذیب التهذیب، تقریب التقریب، الاصابه، الدرر الکامنه. سیوطی، طبقات الحفاظ، ص ۵۵۲.

<sup>۲</sup> عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ناشر: دار المعرفة، مکان طبع: بیروت، ص: ۱۶۷.

<sup>۳</sup> ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۲ ص ۱۲۲، لسان العرب، ج ۱۴ ص ۲۱۷،

<sup>۴</sup> فیومی، المصباح المنیر، ج ۱ ص ۱۶۰

<sup>۵</sup> عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، ج ۱ ص ۵۲

<sup>۶</sup> محمود بن عمر زمخشری خوارزمی مشهور به جارالله زمخشری، مفسر و زبان شناس برجسته، ادیب و خطیب عربی بود که بر علوم گوناگون روزگار دانا بود و مولفی پُر اثر شمرده می شود. زمخشری برای علم آموزی بسیار سفر می کرد و در سفرش به بخارا، از مرکبش برافتاد و پایش شکست، مجبور شد آن را قطع کند و پای چوبین جایگزینش کند. در پیرسالی از راه بغداد به حج رفت. در بغداد با ابن شجری مصاحبت داشت؛ حال آنکه شهرتش فراگیر شده بود. در مکه مدتی ساکن شد و از این به جارالله لقب گرفت و این لقب برای او اسمی علم شد. زمخشری در روز عرفه سال ۵۳۸ ق ۱۲

وَيُدْمُمْ<sup>۱</sup> (حیا عبارت از تغییر حالت و انکساری است که به اثر ترس از انجام آنچه که با آن مورد عیب و مذمت قرار می گیرد، بر انسان عارض می شود).

در مورد حیا و آثار و فواید آن در تحقق امنیت اجتماعی آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن ها نقل می شود:

1- حیا خصلتی از خصلت های ایمان است و اگر در وجود کسیکه حیا وجود داشته باشد تمام فضایل اخلاقی دیگر در آن شخص وجود می داشته باشد و این اخلاق باعث می شود تا امنیت اجتماعی به شکل قابل ملاحظه تقویه شود. چنانچه خداوند - جل جلاله- به مسلمانان حکم می کند: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾<sup>۲</sup>

( بگو برای مؤمنان که پایان اندازند برخی از نظرهای خود را و نگهدارند شرمگاه خود را این پاکیزه تر است ایشانرا هرآینه خدا خبردار است به آنچه میکنید).

در این آیه خداوند متعال انسان ها را به حیا و پاکدامنی امر نموده است بخاطریکه چشم چرانی انسان را به زنا و کار های بد دیگر رهنمائی میکند و این صفت حیا است که انسان را از رذائل اخلاقی محافظت میکند.

2- قرآن کریم درباره کسانی که بدون شرم داشتن از خداوند به گناه و نافرمانی دست می زنند، می فرماید: ﴿يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا﴾<sup>۳</sup>

( آنان بدی خود را از مردم پنهان می کنند، ولی آن را از خدا پنهان نمی کنند درحالیکه خداوند همراه آنها است آنگاه که شب هنگام پنهانی بر گفتاری که خداوند از آن خوشنود نیست متفق می گردند، و خداوند به آنچه می کنند کاملاً آگاه است).

3- حیا باعث می شود انسان از بزرگ ترین مفسد اجتماعی مانند زنا و غیره دست بکشد، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾<sup>۴</sup>

---

ژوئن ۱۱۴۴ م از دنیا رفت. وی اثر زیاد دارد: از جمله المفرد والمولف فی النحو، المفصل فی النحو، الامکنة و الجبال و المیاه در جغرافیا، تفسیر (الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل)، دیوان الشعر، رؤس المسائل فی الفقه، مستقصری فی امثال العرب (ابن احمد. وفیات الأعیان. ج. ۲. ص 509).

<sup>۱</sup> ابن هائم، التبیان فی تفسیر غریب القرآن، ص 61

<sup>۲</sup> - سوره: النور / ۳۰ .

<sup>۳</sup> سوره نساء آیه 108

<sup>۴</sup> سوره ابراء آیه 32

(به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است.)

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - حیا را جزء بزرگی از ایمان گفته است: «الإيمان بضع وسبعون شعبة أعلاها لا إله إلا الله وأذناها إمامة الأذى عن الطريق والحياء شعبة من الإيمان»<sup>1</sup>

(ایمان هفتاد و چند شعبه دارد که بالاترین آن لا اله الا الله و کمترین آن از بین بردن اذیت از سر راه مردم است و حیا شعبه ای از ایمان است.)

پس حیا انسان را از تمام گناهان مصوون میکند و حیا باعث می شود که انسان در هر حالت الله تعالی را حاضر و ناظر بداند و از کارهای که باعث قهر و غضب خداوند -جل جلاله- می شود اجتناب کند و همیشه بخاطر خشنودی الله تعالی کار کند که این یکی از پیامدهای حیا در زندگی فردی است که باعث سعادت دنیا و آخرت فرد می شود. مسلمان باید در زندگی اجتماعی خود نیز حیا داشته باشد که همین حیا باعث میشود که فرد در جامعه محبوب تمام مردم باشد و از کارهایی که سبب از بین رفتن آرامش جامعه میشود پرهیز نماید که همین حیا فرد در جامعه باعث میشود که یک جامعه آرام و به دور از تمام مشکلات امنیتی و جرمی باشد، چنانچه ابن قیم می گوید: «حیا از بزرگترین و بهترین اخلاق است، حیا مخصوص انسانیت است در وجود کسیکه حیا وجود نداشته باشد خصلت انسانیت در آن انسان وجود ندارد، کسیکه حیا داشته باشد پیمان شکنی نمیکند، امانت را خیانت نمیکند و سایر کارهای بی حیائی را انجام نمی دهد»<sup>2</sup>.

### مطلب نهم: تواضع

تواضع از ماده ( و ض ع ) گرفته شده و به معنای پائین بودن یک چیز است، تواضع به وزن تفاعل است اظهار نمودن فروتنی و خود را ذلیل ساختن معنا می دهد<sup>3</sup>. و در اصطلاح چنین تعریف شده است: التَّوَّاضِعُ هُوَ تَرْكُ التَّرَوُّسِ، وَإِظْهَارُ الْخَمُولِ، وَكَرَاهِيَةُ التَّعْظِيمِ، وَالزَّيَادَةُ فِي الْإِكْرَامِ، وَأَنْ يَتَجَنَّبَ الْإِنْسَانُ الْمَبَاهَاةَ بِمَا فِيهِ مِنَ الْفَضَائِلِ، وَالْمَفَاخِرَةَ بِالْجَاهِ وَالْمَالِ، وَأَنْ يَتَحَرَّزَ مِنَ الْإِعْجَابِ وَالْكِبْرِ»<sup>4</sup>

( تواضع عبارت است از ترک سردمداری، اظهار فروتنی، کراهیت بزرگ بینی و زیاده خواهی عزت و اکرام و اینکه انسان از افتخار کردن به فضایل و همچنان به مال و جاه پرهیز کند و اینکه از خود بینی و تکبر دوری کند.)

<sup>1</sup> صحیح البخاری شماره حدیث: 5710 و صحیح مسلم حدیث شماره: 193

<sup>2</sup> ابن قیم، مدارج السالکین ج 2 ص 290

<sup>3</sup> زبیدی، تاج العروس، ج 22 ص 343

<sup>4</sup> جاحظ، تهذیب الاخلاق، ص 25

در مورد تواضع آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن ها نقل می شود:

1- تواضع در قرآن کریم از صفات پیامبران شمرده شده است چنانچه الله تعالی فرموده است: ﴿لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ

مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنُ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

( باز مکن دو چشم خود را بسوی آنچه بهره مند ساخته ایم به آن جماعت های از کافران ، و اندوه

ناک مشو برایشان و پست کن بازوی خود را برای مؤمنان.

قرطبی<sup>۲</sup>-رحمه الله-در تفسیر این آیه گفته است: «أَيُّ أَلِنِ جَانِبِكَ لِمَنْ آمَنَ بِكَ، وَتَوَاضَعْ لَهُمْ»<sup>۳</sup>. (یعنی طرف

خود را برای کسانی که ایمان آورده اند نرم کن و در مقابل آنان تواضع کن.)

2- همچنان خداوند مسلمان را به تواضع در برابر والدین امر کرده و گفته است:

﴿وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾<sup>۴</sup>

( و بال تواضع مهربانی را برایشان فرود آور و بگو: پروردگارا! ببخشا برای شان همان گونه که آنان در

کوچکی مرا تربیت و بزرگ کردند.)

داشتن صفت تواضع یکی از راهکارهای مهم برای وقایه از مفساد است و هرگاه این اخلاق بزرگ از طریق

تعلیم و تربیه درست در میان افراد جامعه تقویه گردد، میزان جرم و جنایت کاهش پیدا می کند.

3- خداوند متعال از کبر و خود بزرگ بینی و رفتار متکبرانه منع نموده است و این به معنای تشویق به تواضع و

فروتنی است چنانچه می فرماید:

﴿وَلَا تَمْسُ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا﴾<sup>۵</sup>

( و مرو در زمین خرامان هر آینه تو نخواهی شکافت زمین را و نرسی به کوه ها در درازی.)

1 - سوره: الحجر / ۸۸ .

2 قرطبی: ابو عبدالله، محمد بن احمد بن ابوبکر بن فَرُحِ انصاری خزرچی اندلسی قرطبی، یکی از امامان بزرگ تفسیر است که در قرن هفتم می زیست. تاریخ تولد او ذکر نشده، اما برخی گفته اند او در آغاز قرن هفتم هجری (میان سال های ۶۰۰ تا ۶۱۰ هجری) در قرطبه دیده به جهان گشود و مدتی در آن سرزمین زندگی کرد اما وفات او را سال ۶۷۱ ق می گویند. تالیفات امام قرطبی بسیار اند از جمله: «الجامع لاحکام القرآن» «التذکرة فی احوال الموتی و امور الآخرة» «التذکار فی افضل الانکار» که به چاپ رسیده است. «الاسنی فی شرح اسماء الله الحُسنى و صفاته العلیا». «الاعلام بما فی دین النصارى من المفسد و الاوهام و اظهار محاسن دین الاسلام». قمع الحرص بالزهد و القناعة ورد ذل السؤال بالكسب و الصناعة (مشهور حسن محمود سلمان، الامام القرطبی شیخ ائمه التفسیر، ج ۱، ص ۱۸۷ - ۲۳۷، دمشق ۱۴۱۳ / ۱۹۹۳).

3 قرطبی ، ابي عبدالله محمد بن أحمد القرطبي (1372 هـ - 1952 م.) الجامع لأحكام القرآن، دار الكتب المصرية- القاهرة، الطبعة: الثانية،

۱۳۸۴ هـ. ج 10 ص 56

4 - سوره: اسراء / ۲۴ .

5 - سوره: اسراء / ۳۷ .



همچنان الله متعال فرموده است: وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ

فَخُورٍ.<sup>۱</sup>

( و رخسار خود را از طرف مردمان دور نکن و در زمین به ناز و خرامان مرو هر آینه خداوند نخره کننده و فخر کننده را دوست نمی دارد)

4- کسانی که تواضع می کنند از جمله عبادالرحمن محسوب شده اند چنانچه الله متعال می فرماید: وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ

الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا<sup>۲</sup>

( و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه روند و هرگاه مردم جاهل به آنها خطاب (و عتابی) کنند با سلامت نفس (و زبان خوش) جواب دهند.

5- همچنان تواضع سبب می شود که انسان به اصل خود تفکر کند و از این طریق غرور و تکبر که عامل فساد در

جامعه است بشکند چنانچه الله متعال در این مورد می گوید: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ \* خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ<sup>۳</sup>

( پس انسان مغرور باید بنگرد که از چه آفریده شده است؟ از آب نطفه جهنده ای خلقت گردیده.

6- تواضع سبب کسب پیروزی و نجات از ناکامی در آخرت می شود، چنانچه الله متعال می فرماید: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ

نَجَعَلَهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ غُلُوبًا فِي الْأَرْضِ وَلَا فِسَادًا ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ<sup>۴</sup>

( ما این دار (بهشت ابدی) آخرت را برای آنان که در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند

مخصوص می گردانیم و حسن عاقبت خاص پرهیزکاران است.

تواضع باعث می شود تا تمام انواع کینه و کدورت ها که عامل اکثر مفاسد در جامعه هستند از بین برود

چنانچه ابن حجر عسقلانی-رحمه الله- گفته است: «التَّوَّاضُعُ فِيهِ مَصْلَحَةُ الدِّينِ وَالدُّنْيَا، وَيَزِيلُ الشَّحْنَاءَ بَيْنَ النَّاسِ،

وَيُرِيحُ مِنَ تَعَبِ الْمَبَاهَاةِ وَالْمَفَاخِرَةِ»<sup>۵</sup>

( در تواضع مصلحت دین و دنیا است و کینه و کدورت را در میان مردم از بین می برد و انسان را از

سختی ها و مشکلات افتخار کردن آسوده می سازد.)

پس در نتیجه معلوم می گردد که داشتن صفت تواضع یکی از راهکارهای مهم برای برقراری امنیت

1 - سوره: القمان / ۱۸ .

2 سوره فرقان آیه 63

3 سوره طارق آیه 5 و 6

4 سوره قصص آیه 83

5 عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، ج 11 ص 341

اجتماعی است و هرگاه این اخلاق بزرگ از طریق تعلیم و تربیه درست در میان افراد جامعه تقویه گردد، میزان جرم و جنایت کاهش پیدا می کند زیرا تواضع باعث کسب سلامتی فرد و جامعه و نجات از مفسد بزرگ اخلاقی مانند حسد، دشمنی، اختلاف و جنگ می شود و باعث می گردد تا صلح و آرامش و محبت و صمیمیت در میان مردم منتشر شود<sup>۱</sup>.

---

<sup>۱</sup> موسوعة الاخلاق ج 1 ص 308

## مبحث سوم: راهکارهای عملی در بخش عبادت

مکلفیت های تبعیدی نیز نقش اساسی را در تضمین امنیت اجتماعی دارند، چنانچه در این مبحث به مهم ترین نکات این بخش طی چند مطلب اشاره می شود:

### مطلب اول: رابطه امنیت با عبادت

مطابق آیه صریح قرآن کریم هدف از پیدایش انسان ها، عبادت و انجام وظایف و مکلفیت هایی است که خداوند متعال بالای انسان ها وضع نموده است اما چون اکثر عبادات در اثر نبود امنیت مختل می شوند بناءً می توانیم برداشت نماییم که قضیه امنیت مقدم تر بر عبادت است چنانچه خداوند می فرماید:

﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَدْكُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾<sup>1</sup>

( پس اگر ترسیدید، پیاده یا سواره نماز را ادا کنید، و چون ایمن شدید پس خدا را یاد کنید، که به شما چیزهایی آموخت که نمی دانستید.)

قسمی که در این آیت مشاهده می کنیم با وجود این که نماز از ارکان اصلی و عمده اسلام است در حالت عدم وجود امنیت، ادای آن به گونه اصلی انجام نمی شود و خداوند اجازه داده است در صورت خوف به صورت پیاده و سوارا ادا شود اما زمانی که وضعیت به حالت عادی برگشت و امنیت تامین گردید، نماز را باید همان گونه که خداوند توسط پیامبرش به ما آموخته است اقامه نماییم، پس معلوم می شود نبود امنیت بر عبادات تاثیر گذار است.<sup>2</sup>

همچنان از این آیه اهمیت نماز فرضی معلوم می شود که قرآن کریم در سخت ترین شرایطی که امنیت وجود نداشته و مسلمانان در حال ترس و خوف هم باشند باید آن را ادا نمایند.<sup>3</sup>

به این اساس برای ما لازم است ضمن این که مردم را به سوی عبادت خداوند دعوت می نماییم برای تامین امنیت و آرامش آنان نیز تلاش کنیم و بر علیه آنانی که امنیت مردم را اخلاص می کنند از طریق طرح های علمی، فرهنگی، دعوتی و نظامی مبارزه نماییم تا مردم بتوانند به گونه درست به عبادت خداوند بپردازند.

<sup>1</sup> سوره بقره (239)

<sup>2</sup> - شفقیطی، اضواء البیان ج 5 ص 55،

<sup>3</sup> - سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 1، ص 258

## مطلب دوم: نماز و نقش آن در حفظ و برقراری امنیت اجتماعی

نماز یکی از ارکان مهم اسلام است که در برقراری امنیت و آرامش فردی و اجتماعی نقش بسیار بزرگ دارد، بیشترین عامل اخلاص امنیت در جامعه عدم اطمینان روحی و آرامش قلبی است و این مشکل به وسیله نماز از بین می رود چون نفس انسان به ذکر و یاد خداوند آرامش پیدا می کند و این آرامش سبب فراهم شدن صلح و امنیت در اجتماع می گردد. چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾<sup>۱</sup>

( کسانی که ایمان می آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می کند. همان دلها با یاد خدا آرام می گیرند.)

ادای نماز با تمام ارکان، آداب و شرایط سبب می شود تا انسان دست از ظلم و تجاوز و سایر منکرات بردارد چون هرباری که انسان به نماز ایستاد می شود با خدایش تعهد می کند و می گوید تنها از خدا اطاعت و بندگی می کند و اگر نماز توأم با فهم معنای قرآن و تدبر در آن خوانده شود، هیچ نیروی منع کننده از منکرات را بالاتر از آن پیدا نخواهیم کرد، به همین خاطر خداوند متعال می فرماید:

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾<sup>۲</sup>

( و نماز را چنان که باید برپای دار. مسلماً نماز انسان را از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند باز می دارد، و قطعاً ذکر خدا و یاد الله از هر چیز دیگری والاتر و بزرگتر است، و خداوند می داند که شما چه کارهائی را انجام می دهید.)

اما مشکل اساسی در جامعه کنونی ما این است اکثریت مسلمانان به مفاهیم آنچه در نماز می خوانند پی نمی برند و نمی دانند که در نماز با خدای خود چه می گویند به همین علت نقشی که نماز در تامین امنیت اجتماعی دارد برای ما آشکار نمی گردد، چنانچه زحیلی-رحمه الله- می نویسد: « إن الصلوات الخمس لما فيها من تلاوة القرآن المشتمل على الموعظة تنهى عن الفواحش والمنكرات، وتكفر ما بينها من الذنوب إذا أدت بحقها وكانت مع استحضر عظمة الله<sup>۳</sup> » (نماز های پنجگانه به اثر آنچه در آن آیات قرآن کریم که مشتمل بر موعظه است، انسان را از انجام فواحش منکرات نهی می کند و گناهان میان دو نماز را می پوشاند، اما زمانی که نماز به گونه

1- سوره الرعد، آیه 28.

2- سوره العنكبوت، آیه 45.

3- زحیلی، التفسیر المنیر ج 20 ص 250

درست ادا شود و عظمت خداوند متعال در آن در نظر گرفته شود).

دانشمندان معاصر تاثیرات فوق العاده نماز را در رفع اضطراب و پریشانی ثابت نموده و گفته اند بهترین راه رسیدن به آرامش درونی و روانی است و زمانی که مؤمن برای نماز آماده می شود این آماده گی باعث تمرکز فکری و از بین رفتن استرس و افسردگی می شود، همچنین گفته اند نماز تاثیر به سزایی در فروکش شدن خشم دارد و هنگامی انسان به آرامش و فروتنی و تواضع در برابر عظمت و بزرگی خداوند متعال ایستاد می شود این موضوع بر سیستم عصبی و کارکرد قلب و منظم شدن ضربات آن بسیار مؤثر است<sup>۱</sup>.

### مطلب سوم: روزه و نقش آن در حفظ امنیت اجتماعی

یکی از بزرگ ترین برنامه های قرآن برای برقراری امنیت اجتماعی، فرض گردانیدن روزه بالای مسلمانان است، روزه باعث بیداری احساس و عواطف و محبت و با خبر شدن از حال دیگران می شود، عواطف و محبت را در وجود انسان غرس می کند و باعث دستگیری و کمک به نیازمندان می شود، نیازمندی که گاهی به علت نداشتن کفاف زندگی دست به اخلاص امنیت می زنند و به وسیله روزه انسان متقی می شود چنانچه یکی از مهمترین اثر روزه را الله متعال متقی ساختن بندگان بیان کرده و فرموده است:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ<sup>۲</sup>

(ای مومنان روزه بر شما فرض شده است، چنانچه بر امت های قبل از شما فرض شده بود، شاید که شما تقوا حاصل نمایید).

ابن عاشور-رحمه الله- در ذیل تفسیر این آیه می نویسد: « حکم الصیام حکم عظیم من الأحكام التي شرعها الله تعالى للأمة ، وهو من العبادات الرامية إلى تزكية النفس ورياضتها ، وفي ذلك صلاح حال الأفراد فرداً فرداً ؛ إذ منها يتكون المجتمع<sup>۳</sup>» (حکم روزه یکی از احکام بزرگی است که اسلام برای امت مشروع گردانیده است، روزه از عباداتی مهمی است که نفس انسان را تزکیه و پرورش می دهد و در آن اصلاح حال افراد به طور انفرادی است چون اجتماع از افراد شکل می گیرد).

همچنان معلوم است که اکثر جرائم ناشی از شهوت فرج و شکم است که روزه این دو شهوت را می شکند و انسان را در برابر معاصی نیرومند می سازد و سبب صبر و پایداری او می گردد، به همین خاطر پیامبر

<sup>۱</sup>- الکحیل، عبدالدائم، عجاز علمی درقرآن وحديث. سایت رسمی عبدالدائم الکحیل [www.kaheel7.com/fa](http://www.kaheel7.com/fa)

<sup>۲</sup>- سوره بقره آیه ۱۸۳

<sup>۳</sup>- ابن عاشور، التحریر والتتویر ج ۲ ص ۱۵۴

اسلام - صلی الله علیه وسلم - جوانان را در صورت نداشتن توان ازدواج به روزه تشویق نموده است:  
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَ: «مَنْ اسْتَطَاعَ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ  
أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ»<sup>۱</sup>

( عبد الله بن مسعود - رضی الله عنه - می گوید: همراه رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - بودیم که ایشان فرمودند: «کسی که توانایی ازدواج کردن دارد، ازدواج کند. زیرا این کار، باعث حفاظت چشم و شرم گاه، می شود. و کسی که توانایی ازدواج را ندارد، روزه بگیرد. چرا که روزه، شهوت را ضعیف و کنترل می کند.)  
انسان روزه دار مطابق احکام الهی و ارشادات نبوی - صلی الله علیه وآله و سلم - سعی و تلاش می ورزد که تمامی احکام الهی را بصورت کامل انجام دهد از تمامی اموریکه الله - جل جلاله - او را منع نموده است اجتناب ورزد و حتی کسانی که قبل از رمضان به یک سلسله از گناهان مبتلا بودند نمیتوانند که در این ماه گناهان خویش را دوام دهند زیرا با ارتکاب هرگناهی روزه ی وی به فساد کشانده میشود او مجبور است که عادات قبلی را ترک نموده، مجالس فسق و فساد را به مجالس عبادت مبدل سازد، بسیاری از اماکن فساد در این ماه بسته می گردد، کسیکه حقیقتاً از اعمال زشت قبلی خویش پشیمان باشد میتواند در خلال این یکماه کاملاً خود را به نیکی ها عادت دهد و با استفاده از این ماه مبارک خود را متقی سازد، مشکل دیگری که جامعه ی امروزی از آن خسته شده است مشکل جنگهای خانمان سوزی است که حتی تکنولوژی پیشرفته را به عوض منفعت بشر، به ضرر آنها استعمال میگردد، روزه ی رمضان انسان را به بزرگترین مرحله ی اخلاق انسانی تربیت میکند و حس انسان دوستی را در وجود انسان زنده می کند و به او می فهماند که جنگهای بی هدف و دشنام دادن دیگران شایسته ی یک انسان مومن نیست، وحتی اگر کسی او را دشنام داده و به جنگ و بداخلاقی دعوت کند به او می گوید که من روزه دار هستم و این شخصیت سازی در رمضان تمرینی است برای ماه های بعدی.<sup>۲</sup>

### مطلب چهارم: حج و نقش آن در حفظ امنیت اجتماعی

حج یکی از فرایض پنجگانه و اساسی اسلام و وسیله ی بزرگی برای تامین و برقرای امنیت اجتماعی است زیرا در مراسم حج هزاران تن از انسان های روی زمین از گوشه و اقطار زمین در یکجا جمع می شوند و بدون ترس و هراس مراسم ویژه را انجام می دهند، الله متعال مسجد الحرام جای امن امان قرار داده است، در اطراف

<sup>۱</sup> بخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، نسخه طرق النجاة، المكتبة الشاملة، حدیث شماره: 1905

<sup>۲</sup> - داعی، عبدالظاهر، نقش روزه در ساختار فرد و جامعه، مکتبه القلم، ص

بیت الله مردم به قتل می رسیدن و مال و جانشان ربوده می شد تنها بیت الله جای امن بود که کسی برکسی دیگر تجاوز نمی کرد. الله متعال می فرماید: (وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا)<sup>۱</sup>

(و به یاد آورید هنگامیکه که خانه کعبه را پناهگاه و مأوای امن و امان مردم گردانیدیم.)

الله متعال حرم را برای کسانی که برای حج می آیند امنیت گردانیده است. مال و جان آبروی مردم درامن امان است. چنانچه الله متعال می فرماید: (فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ)<sup>۲</sup>

(در حج آمیزش جنسی با زنان و فسق و جدالی نیست. در حج جماع دشنام دادن و زشت گفتن و جدال منع شده است این ها بدون حج هم منع است ولی در حج منع اولاً تراست.<sup>۳</sup>

چون امنیت یکه از ضرورت های اولیه است بناء الله متعال تأمین امنیت را وابسته به عبادت ذکر کرده یعنی اگر کسی حج کرد بدون اخلا امنیت دیگران تمام گناهانش بخشیده می شود مانند تولد آن که هیچ گناه را مرتکب نشده است. چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (مَنْ حَجَّ وَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ)<sup>۴</sup>

همچنان الله متعال می فرماید: (فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا بُرَّاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا)<sup>۵</sup>

( در آن نشانه های روشن، مقام ابراهیم است، و هر کس داخل آن (خانه خدا) شود در امان خواهد بود.)  
و قسمی که شاهد هستیم کسانی که به سفر حج می روند در آن ها تغییرات بزرگی ایجاد می شود و با یک انگیزه قوی که در محیط خانه خداوند دیده اند دوباره بر می گردند.

---

1- سوره البقره، آیه 125.

2- سوره البقره، آیه 197.

3- تفسیر حدائق الروح والريحان في روابي علوم القرآن، ج 3 ص 209.

4- صحيح البخاري = الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله (صلی الله علیه وسلم)

وسننه وأيامه ج 3 ص 11 حديث 1819.

(تعليق مصطفى البغا) أخرجه مسلم في الحج باب فضل الحج والعمرة ويوم عرفة رقم 1350  
(يرفث) من الرفث ويطلق على الجماع وعلى ذكر الجماع وخاصة مع وجود النساء وعلى الفحش في القول. (يفسق) من الفسوق وهو الخروج عن حدود الشريعة من قول أو فعل. (كما ولدته) أي نقياً من الذنوب.

5- سوره آل عمران، آیه 97.

## مبحث چهارم: راهکارهای عملی در بخش خانواده

### مطلب اول: ازدواج و نقش آن در ایجاد آرامش

خداوند متعال در قرآن کریم به اشکال مختلف به ازدواج و تشکیل خانواده تشویق کرده است، از نظر قرآن انسان ها به اثر ازدواج خلق شده اند و ازدواج وسیله بقای وجود انسان چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۝<sup>۱</sup>

( ای مردم از پروردگارتان بترسید، پروردگاری که شما را از یک نفس آفرید و همسرش را نیز از وی آفرید، و از آن دو، مردان و زنان زیادی منتشر و پخش کرد، و از خداوندی بترسید که به (نام) او از همدیگر درخواست می کنید، و بپرهیزید از اینکه پیوند خویشاوندی را گسسته دارید، همانا خداوند مراقب شماست.)

همچنان قرآن کریم ازدواج را آیه و نشانه وجود خود و راهی برای همکاری و تعاون و همچنان زمینه ای برای مودت و محبت و کسب آرامش قرار داده است چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝<sup>۲</sup>

( و از نشانه هایش آن است که از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنار آنان بیارامید و درمیانتان دوستی و مهربانی مقرر داشت، بی گمان در این نشانه هایی است برای گروهی که می اندیشند.)

علاوه بر آن قرآن تنها ازدواج را پیوندی شرعی خوانده است که حق و حقوق افراد و اصل و نسب و نوامیس و حریم آنان را محفوظ نگه داشته و نیز نفس انسان را از پلیدی پاک نموده فضیلت و اخلاق را در میان انسان ها حفظ می کند و ازدواج را تنها راه مشروع ارضای غریزه جنسی قرارداده است چنانچه خداوند متعال می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ \* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۝<sup>۳</sup>

( و آن کسانی که عورت خود را محافظت می دارند . مگر از زنان و کنیزان خود ، که در این صورت لومه و سرزنشی بر ایشان نیست.)

<sup>۱</sup> سوره نساء آیه ۱

<sup>۲</sup> سوره روم آیه ۲۱

<sup>۳</sup> سوره معارج آیه ۲۹ و ۳۰



ازدواج امکان پاکدامنی و عفاف فرد مسلمان را افزوده و او را در پرهیز از زنا و عمل ناشایسته یاری می دهد و همچنان او را از وسوسه های شیطان مصئون می دارد پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «إِذَا أَحَدُكُمْ أَعْجَبَتْهُ الْمَرْأَةُ فَوَقَعَتْ فِي قَلْبِهِ فليَعْمِدْ إِلَى امْرَأَتِهِ فليُواقِعْهَا فَإِنَّ ذَلِكَ يَرُدُّ مَا فِي نَفْسِهِ»<sup>۱</sup>

( هر کدام از شما که زنی بیگانه را، که او را به شگفت می آورد، ببیند، پیش همسرش برود و با او همبستر شود، چراکه این کار چیزی را که درون اوست دور می کند.)

همچنان به اثر ازدواج انسان هم میل جنسی اش را به دست می آورد و از این طریق جامعه آبرو و شرف مردم در جامعه حفظ می گردد و از سوی دیگر انسان با همبستری، کسب ثواب می کند چنانچه پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: «وَفِي بُضْعِ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ» قالوا: يا رسولَ اللهِ أَيُّتِي أَحَدُنَا شَهْوَتُهُ، وَيَكُونُ لَهُ فِيهَا أَجْرٌ؟ قال: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ أَكَانَ عَلَيْهِ وِزْرٌ؟ فَكَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ»<sup>۲</sup>

(در همبستری با زن صدقه است. گفتند: یا رسول الله! یکی از ما شهوت خود را برآورده می سازد در آن اجر و مزد است؟ فرمود: بگوئید هرگاه آن را در حرام بنهد آیا بر وی گناه است؟ همچنان اگر آنرا در حلال بنهد برای او اجر است.)

### مطلب دوم: توجه به اصلاح خانواده و نیکی با اقارب

توجه به اصلاح خانواده و صله رحم در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان نقش مهمی دارد و اسلام از قطع صله رحم منع نموده است، خداوند متعال در آیات متعدد به صله رحم توصیه نموده است و آن را در ردیف عبادت خودش قرار داده است، چنانچه می فرماید:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ...﴾<sup>۳</sup>

( و خداوند را عبادت کنید را و به او چیزی را شریک نکنید ، و به پدر و مادر نیکوکاری کنید و به خویشاوندان و به یتیمان و به نیازمندان و به همسایه قریب و به همسایه بیگانه و به همنشین نزدیک و مسافر.) قرآن کریم انفاق و اعطای صدقه به خویشاوندان را در اولویت قرار داده و می گوید: ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ

<sup>۱</sup> نیشاپوری، صحیح مسلم، حدیث شماره 1403

<sup>۲</sup> نیشاپوری، صحیح مسلم، شماره 1006

<sup>۳</sup> - سوره نساء آیه ۳۶.

قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ<sup>1</sup>

( می پرسند ترا که چه نفقه کنند؟ بگو آنچه خرج میکنید از مال پس برای مادر و پدر، و خویشاوندان، ویتیمان و درویشان و مسافران و آنچه میکنید از نیکی پس هر آینه خدا به آن نیک دانا است.)

قرآن کریم عاقبت عدم نیکی و توجه به همسر را نهایت خطرناک دانسته چنانچه می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾<sup>2</sup>.

( ای کسانی که ایمان آورده اید! خودتان و خانواده هایتان را از آتشی نجات دهید که سوخت آن انسان ها و سنگ ها هستند.)

در آیه فوق الله متعال به مومنان حکم کرده است تا متوجه خود و خانواده شان باشند و آنان را از عذاب نجات دهند و این در حقیقت نشان می دهد که عدم توجه به خانواده باعث هلاکت می شود، قسمی که سید قطب-رحمه الله- در تفسیر فی ظلال القرآن نوشته است: « قطعاً شخص مؤمن مکلف و موظف است اهل و عیال خود را رهنمود و رهنمون کند، و خانه و خانواده خویش را اصلاح و خوب و نیک نماید، همان گونه که مکلف و موظف است خود را رهنمود کند، و دل خویش را اصلاح و خوب و نیک گرداند. اسلام دین خانواده است، تکلیف و وظیفه مؤمن این است که پیش از هر کس دیگری به خانه و اهل و خانواده خود رو کند. بر او واجب است این قلعه را از داخل بپاید و آن را از خطرهای اجتماعی ایمن سازد. لازم است مؤمن سوراخ های این قلعه را ببندد، پیش از آن که از این قلعه بیرون برود، و دور از آن دست اندر کار دعوت بشود، و بدون شک همسر نقش بزرگی در این قلعه دارد و قطعاً باید همسر مسلمان باشد که آن را نگه دارد چه پدر مسلمان به تنهایی نمی تواند قلعه خانه را ایمن گرداند و از تاخت و تازها مصون و محفوظ سازد. باید پدری و مادری باشند که به پاسداری از دختران و پسران بپردازند. بیهوده است مرد بکوشد جامعه اسلامی را از مجموعه ای از مردان پدید آورد.<sup>3</sup>

1-سوره بقره آیه ۲۱۵.

2-سوره التحريم آیه ۶.

3 سید قطب، فی ظلال القرآن (ج 6 ص 3543).

## مبحث پنجم: راهکارهای عملی در بخش اقتصاد

### مطلب اول: زکات و صدقات و نقش آن در برقراری امنیت اجتماعی

یکی از طرق جلوی گیری از تجاوز به مال و جان مردم پرداخت زکات به نیازمندان است. هرگاه نیازهای انسان نیازمند از طریق مشروع برآورده نشود دست به عمل غیر مشروع می زند که باعث بروز مشکلات در جامعه می شود. در این صورت جان و مال و آبروی مردم جامعه در نابودی قرار می گیرد، و این سبب گسترش نا امنی جامعه می شود. دین اسلام به منظور جلوگیری از نا امن شدن جامعه مبلغ معین را به عنوان زکات در مال ثروت مند فرض گردانیده است تا به نیازمند داده شود تا از این طریق اشخاص فقیر بتوانند نیازهای اولی شان رفع نموده و دست به عمل ناروا نزنند.

زکات و صدقات خود را به فقیران بدهند چرا اینان نیاز شدید دارند چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

( برای نیازمندی باشد که در راه خدا درمانده اند و به تنگنا افتاده اند و نمی توانند در زمین به مسافرت پردازند به خاطر آبرومندی و خویشنداری، شخص نادان می پندارد که اینان دارا و بی نیازند، اما ایشان را از روی رخساره و سیمایشان می شناسی، با الحاح و اصرار از مردم نمی خواهند. و هر چیز نیک و بایسته ای را که ببخشید، بیگمان خدا از آن آگاه است.)

علاوه بر آن زکات باعث امنیت فکری زکات دهنده می شود زیرا زکات دهنده یقین دارد که الله تعالی به مال و دارایش می افزاید و باعث برکت در جان و مالش می شود. چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾<sup>۲</sup>

( خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را فزونی می بخشد، و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی دارد.)

فقر سلامتی و امنیت جامعه را تهدید می کند در جامعه که مردم از بدست آوردن لقمه نانی عاجز باشند، آن جامعه عاری از امنیت است، در این شکی نیست که زیر بنای زندگی با سعادت در عنصر، طعام و امنیت

1- سوره البقره، آیه 273.

2- سوره البقره، آیه 276.

خلاصه می گردد در صورت موجودیت آن دو در جامعه ثبات و استقرار متحقق می شود و مردم زندگی باعزتی به پیش می برند، امنیت بدون طعام و غذا وجود ندارد و طعام بدون امنیت، موجود نیست، اساس ثبات و استقرار جامعه بجز از طریق ارزش های اسلامی متوافر نمی شود، موجودیت که هیچ جامعه از آن بی نیازی ندارد و موجودیت امنیت، ثبات و استقرار و عدم آشوب، هرج و مرج از جمله احتیاجات اساسی هر جامعه بشری شمرده می شود، این دو عنصر زیربنایست که مدنیت بدون آن ها بنا نخواهد شد، لذا می بینیم که قرآن کریم در سوره قریش این عنصر اساسی را که غیر از آن ها جامعه و مدنیت بنا نمی شود، ذکر می کند که آن دو عنصر مذکور طعام و امنیت است. قرآن کریم می فرماید:

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ<sup>1</sup>

(باید عبادت کنند صاحب آن خانه را که طعام داد ایشان را از گرسنگی و درمان ساخت ایشان را از ترس.) در این شکی نیست که تعاون و همکاری فقرا از طریق پرداختن زکات و صدقات در دفع مفسد اجتماعی نقش زیاد دارد چون هرگاه انسان با کسانی که به کمک و همکاری نیاز دارند همکاری کند این سبب می شود تا کسی به فساد و اخلال امنیت اجتماعی دست نزند، زیرا تعاون مالی به دیگران باعث از بین رفتن کینه و حسد در قلب انسانها میشود و کینه و حسد بزرگ ترین عوامل انتشار فساد هستند.<sup>2</sup>

بنابراین یکی از برنامه های مهم برقراری امنیت اجتماعی برطرف کردن فقر و دستگیری نیازمندان از طریق پرداخت زکات واجبه است و اگرزکات به طور کامل ادا شود، در جامعه انسانی نه فرد گرسنه می ماند، نه شخص برهنه و نه نیازمندی که به علت نداشتن مصارف روزگار دست به تجاوز و اخلال امنیت بزند و همه جا مملو از امنیت و آسایش و آرامش و پیر از صلح صفا خواهد بود.

### مطلب دوم: تشویق به قرض حسنه

قرآن کریم جامعه انسانی را به پرداخت قرض حسنه که مانند زکات و صدقات در تقویه امنیت اجتماعی نقش دارد امر می کند و اجر آن را برای قرض دهندگان مضاعف و چندین برابر می دهد چنانچه می فرماید:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾<sup>3</sup>

( کیست که به خداوند قرضی نیکو دهد و (خدا) آنرا برای او چندین برابر کند؟ و خداوند است که (در

<sup>1</sup> - سوره قریش آیه 3-4

<sup>2</sup> - علی خلیل مصطفی، القيم الإسلامية والتربیة، (بیروت: دار طبیة، الطبعة الأولى، ۱۹۸۰ م)، ص ۳۴

<sup>3</sup> سوره بقره آیه 245

معیشت بندگان) تنگی و گشایش پدید می آورد و به سوی او باز می گردد.)

معلوم است که بسا از انسان ها در زندگی خود چاره امرار معیشت و کسب روزی حلال را ندارند و از مجبوریت دست به دزدی، قتل، غارت و راهزنی می زنند و اگر فرهنگ دادن قرض حسنه به افراد بی بضاعت ترویج شود و آنان بتوانند از این طریق به کار و کسبی مشغول شوند، این امر سبب می شود تا جلو بسیاری از مشکلات و فجایع امنیتی گرفته شود، چنانچه سید قطب در مورد علت مضاعف شدن اجر قرض حسنه چنین می نویسد: قطعاً صدقه دهندگان وانفاق کنندگان مرد و زن، بر گیرندگان صدقه و دریافت کنندگان انفاق تفاخر نمی کنند و برتری نمی فروشند، و در صدقه و انفاقی که می دهند و در کارهای خوب و نیکی که می کنند، با مردمان معامله نمی نمایند. بلکه آنان به خدا قرض می دهند، و مستقیماً با خدا معامله می نمایند. چه انگیزه ای برای صدقه دادن موثرتر و ژرف تر از این است که انسان احساس کند به خداوند بی نیاز قرض می دهد، و با صاحب جهان هستی معامله می کند؟ و چیزی را که می بخشند و خرج می کند برایش چندین برابر ذخیره و اندوخته می شود، و گذشته از همه اینها پاداش بزرگ و ارزشمندی دارد.<sup>۱</sup>

### مطلب سوم: تشویق به کسب روزی حلال

قرآن کریم ضمن تشویق ثروت مندان به پرداخت زکات و صدقات مالی، عموم افراد جامعه را به کسب و کار تشویق می کند تا باردوش دیگران نباشند و به تلاش خود تکیه کنند و یکی از اصول و روش های تربیتی قرآن کریم در تربیت اقتصادی انسان ایجاد انگیزه کسب و کار و فعالیت های اقتصادی است، یعنی قرآن کریم انسان را با اشکال مختلف به کسب و کار تشویق می کند و تلاش برای به دست آوردن روزی را معادل عبادت خود قرار داده است، قسمی که در آیات متعدد قرآن کریم خداوند متعال به اشکال گوناگون به کسب و کار تشویق شده است، چنانچه کسب و کار را در ردیف عبادت قرارداده و امر کرده است تا پس از ادای نماز به جست و جوی رزق و روزی پردازند، چنانچه می فرماید:

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>۲</sup>

( آن گاه چون نماز ادا شد، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجوئید و خداوند را بسیار یاد کنید تا

شما رستگار شوید.)

<sup>۱</sup> سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 6، ص: 3490، دار الشروق - القاهرة.

<sup>۲</sup> سوره جمعه آیه 10

الله متعال انسان را در زمین مؤظف نموده است تا زمین را با کسب و کار آباد کند، چنانچه در آیه دیگر الله متعال می فرماید: ﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ﴾<sup>۱</sup>

(و خدایی است که شما را از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت، پس شما از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاه او توبه کنید.)

در این آیه دو کلمه استعمال شده که نیاز به تشریح دارند یکی کلمه «انشاء» و دوم کلمه «استعمار» راغب اصفهانی - رحمه الله می گوید: «کلمه انشاء به معنای ایجاد و تربیت چیزی است و بیشتر در جانداران (که تربیت بیشتری لازم دارند) استعمال می شود، و کلمه «عمارت» ضد کلمه «خراب است» و به معنای آباد کردن چیزی است تا اثر مطلوب را دارا شود»<sup>۲</sup>

پس بنا بر این، کلمه «عمارت» به معنای آن است که زمین را از حال طبیعیش برگردانی و وضعی به آن بدهی که بتوان از آن فوایدی که از زمین توقع می رود را به دست آورد، مثلاً خانه خراب و غیر قابل سکونت را طوری کنی که قابل سکونت شود و در مسجد طوری تحول ایجاد کنی که شایسته برای عبادت شود و زراعت را به نحوی متحول سازی که آماده کشت و زرع گردد و باغ را به صورتی در آوری که میوه بدهد و یا قابل تنزه و سیر و گشت گردد.

همچنان قرآن کریم انسان را امر کرده است تا از مال و دارای را حفاظت و از آن دفاع کند، قسمی که در بحث های قبلی به این مطلب اشاره شد که قرآن کریم از سپردن مال به انسان های بی خرد نهی کرده است، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾<sup>۳</sup>

(اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید.)

همچنان در روایت آمده است: (عن سعید بن زید قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ).<sup>۴</sup>

(سعید بن زید می گوید من از پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- شنیدم که می گفت: کسی در دفاع از

<sup>۱</sup> سوره هود آیه 61

<sup>۲</sup> راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج 1 ص 494

<sup>۳</sup> سوره نساء آیه 4

<sup>۴</sup> ترمذی، محمد ابن عیسی، سنن الترمذی، کتاب الجهاد، باب ما جاء فیمن قتل دون ماله فهو شهید، ج 4 ص 29، شماره حدیث: 1419

(ترمذی در مورد حکم این حدیث گفته است: «حدیث حسن صحیح».)

مال خود کشته شود شهید است، کسی که در دفاع از خون خود کشته شود شهید است، کسی که در دفاع از دین خود کشته شود شهید است و کسی که در دفاع از اهل و خانواده خود کشته شود شهید است.)

همچنان در روایت دیگر آمده است: (عن أبي هريرة ، قال: جاء رجلٌ إلى رسول الله ﷺ فقال: يا رسول الله أرأيت إن جاء رجلٌ يريدُ أخذَ مالي؟ قال: فلا تُعطِه مالك قال: أرأيت إن قاتلني؟ قال: قاتله. قال: أرأيت إن قتلني؟ قال: فأنت شهيدٌ قال: أرأيت إن قتلته؟ قال: هو في النار)<sup>1</sup>

(از ابوهیره - - رضی الله عنه - - روایت شده است که گفت: مردی نزد پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: ای رسول خدا! اگر کسی بیاید و بخواهد مال مرا (به زور از من) بگیرد، چه کار کنم؟ فرمودند: «مال خود را به او نده»، گفت: اگر با من جنگ کرد؟ فرمودند: «تو هم با او جنگ کن»، گفت: اگر مرا کشت؟ فرمودند: «تو شهیدی»، گفت: اگر من او را کشتم؟ فرمودند: «او در آتش است».

---

<sup>1</sup> نیشاپوری، ت: 261 هـ صحیح مسلم، کتاب الجهاد، باب الدلیل علی أن من قصد أخذ مال غیره بغير حق كان القاصد مهدر الدم في حقه وإن قتل كان في النار وأن من قتل دون ماله فهو شهيد، ج 1 ص 124، شماره حدیث: 140

## مبحث ششم: راهکارهای عملی در بخش حقوق و حکومت داری

بیشترین راهکارهایی که قرآن برای برقراری امنیت اجتماعی ارایه میکند به بخش حقوق و حکومت داری خوب تعلق می‌گیرد، هرچند نمی‌توانیم تمام احکام و طرح‌های امنیتی قرآن بشماریم اما تلاش می‌شود طی چند مطلب به مهمترین موارد این بخش اشاره شود:

### مطلب اول: عدالت اجتماعی

بدون شک هیچ چیزی در راستای تحقق امنیت کامل یک جامعه انسانی، سودمندتر و مؤثرتر از اجرای کامل عدالت اجتماعی و اجرای قانون به شکل مساویانه در میان مردم نیست و به این اساس گفته می‌توانیم هر کشوری که در آن عدالت اجتماعی مرعی‌الاجرا نبود، امنیت اجتماعی نیز از آنجا سلب خواهد شد یا به عبارت دیگر هر کشور و منطقه‌ای که مردمانش در امنیت و آرامش به سر نمی‌برند و با مشکلات امنیتی دست و پنجه نرم می‌کنند، باید بدانیم که عدالت اجتماعی در آنجا عملاً تطبیق نه شده است.

عدالت اجتماعی عبارت از اجرای قانون بالای همه به طور مساویانه و بدون در نظر داشت گرایش‌های به گونه‌ای که تمام ساکنان یک جامعه از حقوق و خواسته‌های شان برخوردار گردند، چنانچه در «المصباح المنیر» آمده است: «عدلت الشاهد» یعنی عدالت را به او نسبت دادم و وصف کردم. عدل ضد جور است، و هر آنچه که راست و درست اقامه شده باشد.<sup>۱</sup>

امام غزالی - رحمه الله - در «المستصفی» عدالت را چنین تعریف می‌کند: «عدالت عبارت است از استقامت سیرت و دین و حاصل آن برمی‌گردد به هیئت راسخ در نفس که حمل می‌شود بر ملازمت همیشگی تقوی و مروت تا اینکه مردم به صدق او اطمینان حاصل کنند.<sup>۲</sup>

در مورد عدالت و آثار و فواید آن آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن‌ها نقل می‌شود:

1- موضوع عدالت اجتماعی در قرآن کریم به عنوان یک اصل مهم مورد توجه قرار گرفته است و انسان را به اجرای آن مامور ساخته است چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> فیومی، المصباح المنیر، (2، 397)

<sup>۲</sup> غزالی، ابوحامد، المستصفی من علم الأصول، دارالکتب العلمیة، بیروت، الطبع الأولى، 1413 هـ.ق. ج 1 ص 157

<sup>۳</sup> سوره نحل آیه 90



( همانا خداوند به عدالت، احسان و دادن حق اقارب امر می نماید و از بی حیایی، منکرات و تجاوز منع می کند و به شما پند می دهد تا همه چیز را به یاد آورید.

2- اجرای عدالت از دیدگاه قرآن به چنان از جایگاه والای برخوردار است که به خاطر تحقق عدالت در یک قضیه دزدی که در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم رخ داده بود و یک طرف آن مردی به ظاهر مسلمان و طرف مقابل آن یک مرد یهودی بود، آیه های مبنی بر تایید و حق بودن مرد یهودی در آن قضیه نازل شد<sup>1</sup> این آیات پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم را این گونه مورد خطاب قرار داد:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِبِينَ خَصِيمًا﴾<sup>2</sup>

( ما کتاب ( قرآن) را به حق بر تو نازل کرده ایم تا میان مردمان طبق آنچه خدا به تو نشان داده است فیصله کنی بناءً تو مدافع خائنان نباش!)

3- یکی از موارد اساسی که کمال توجه قرآن را به عدالت اجتماعی نشان می دهد این است که خداوند هدف بعثت پیامبران اجرا و تطبیق عدالت در میان انسان ها می داند ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾<sup>3</sup>

( ای داود! ما تو را در زمین نماینده خود و جانشین پیامبران گذشته ساخته ایم پس در میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می سازد. بی گمان کسانی که از راه خدا منحرف می گردند عذاب سختی به خاطر فراموش کردن روز حساب در انتظار دارند.)

در قرآن کریم به انواع مختلف عدالت اشاره شده است که در ذیل به برخی آنها اشاره میشود:

**الف: عدالت در گفتار:** اسلام دین اعتدال و میانه روی است و بر اجرای عدالت در تمام عرصه های زنده گی امر کرده است حتا در سخن گفتن چنانچه قرآن کریم به صراحت می گوید: ﴿وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

( و هنگامی سخن گفتید عدالت را مد نظر بگیرید اگر چه کسی که در موردش سخن می گوئید از نزدیکان شما باشد و به عهد الله وفا کنید، این است توصیه خداوند به شما تا باشد پند بگیرید.)

**ب: عدالت در حکم:** بنیادی ترین چیزی که نیاز به عدالت در آن محسوس است اجرای احکام جزایی و

<sup>1</sup> زحیلی، التفسیر المنیر، ج 5-260-263

<sup>2</sup> سوره نساء آیه 105

<sup>3</sup> سوره ص آیه 26

فیصله ها است در این مورد نیز قرآن در چندین آیه به عدالت و غیر جانب داری از یک طرف قضیه دستور داده است ﴿وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾<sup>۱</sup>

( و اگر حکم کردی پس به عدل و انصاف در میان شان حکم کن زیرا خداوند عدالت پیشه گان را دوست می دارد.)

پس اجراء و تطبیق عدالت در جامعه از برجسته ترین راهکارهای قرآن جهت برقراری امنیت اجتماعی است.

**ج: عدالت در صلح:** در نظر داشتن عدالت در قضایای صلح و میانجی گری میان دو جناح درگیر، تنها راهکاری هست که می تواند طرف ثالث بالخیر را در پروسه صلح موفق بسازد و اگر چنین نباشد هرگز آنان نخواهند توانست میان دو گروهی از مسلمانان که باهم می جنگند راه مصالحه و گفت و گو را باز کنند. عدالت در صلح به این معنا است که جانب سوم، به یک جهت میلان نداشته باشد بلکه راهی را انتخاب نماید که در آن خواسته های هر دو طرف مد نظر گرفته شود.

در شرایطی کنونی کشور ما، اساسی ترین چیزی که به آن نیاز بیش تر احساس می شود، قضیه صلح است اما تاکنون مردم افغانستان پس از چندین دهه جنگ و بدبختی نتوانستند به این هدف نایل آیند چون تلاش های که در این خصوص صورت می گیرد اکثراً یک جانبه اند، اما طرح ای که قرآن برای تحقق صلح طرح کرده است شرط اول آن در نظر داشتن عدالت میان جانبین است، چنانچه این مطلب از این آیه دانسته می شود که الله متعال می فرماید:

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾<sup>۲</sup>

( و اگر دو گروهی از مومنان با هم درگیر شوند، شما در میان شان صلح کنید و هرگاه یکی از این گروه ها بر بالای دیگری تجاوز نمود با گروه بغاوت کننده بجنگید تا به امر خداوند رجوع کند و هرگاه این هدف به دست آمد شما در میان شان به عدالت صلح بیاورید و عدالت را در نظر بگیرید چون خداوند عدالت پیشه گان را دوست می دارد.)

1- برپا داشتن عدالت از بزرگترین کارهایی است که مفسد را از جامعه دور می کند و انسان هارا به تقوا و

<sup>۱</sup>. سوره مائده آیه (42)

<sup>۲</sup>. سوره حجرات آیه 9

پرهیزگاری نزدیک می نماید چنانچه الله متعال گفته است:

2- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اءَدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ<sup>1</sup>

( ای کسانی که ایمان آورده اید! بر انجام واجبات الهی مواظبت داشته باشید، و به دادگری گواهی دهید، و دشمنی گروه و قومی شما را بر آن ندارد که دادگری نکنید، دادگری کنید که دادگری به پرهیزگاری نزدیکتر است، و از خدا بترسید، همانا خدا به آنچه می کنید آگاه است.

اجرای عدالت بیانگر دیانت و پرهیزگاری کسی است که آن را پیشه خود نموده است. و بر جایگاه رفیع او در اسلام دلالت می نماید. پس کسی که خیرخواه خودش است و می خواهد نجات یابد، باید بی نهایت به دادگری توجه داشته باشد و همواره آن را مد نظر خویش قرار دهد و باید هر چیزی را که او را از عمل به عدالت باز دارد از خودش دور نماید. و بزرگترین مانع در راستای اقامه دادگری و عدالت، پیروی از هوی و هوس است. بنابراین خداوند به دوری جستن از این مانع تذکر داد و فرمود: «وَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ» از شهوات خود که مخالف حق است پیروی نکنید، زیرا اگر از آن پیروی کنید از حق منحرف شده و از اقامه عدالت و دادگری باز می مانید، چرا که هوی و هوس بینش و بصیرت آدمی را کور می گرداند، تا جایکه حق را باطل می بیند، و باطل را حق می پندارد. یا اینکه حق را می شناسد اما آن را به خاطر تبعیت از هوای نفس ترک می کند. پس هرکس از شر هوی و هوس خود سالم بماند، حق را دریافته و به راه راست هدایت شده است.<sup>2</sup>

### مطلب دوم: شهادت به حق

چنانچه در مطلب گذشته بیان شد بزرگترین اهداف اسلام، بر قرار کردن عدالت و برابری است، شهادت یا گواهی معیاری است که حق را از باطل باز می شناسد، و مرزی است که حق طلبی را از ادعاهای کاذب و دروغین جدا می کند و زمینه تطبیق عدالت را فراهم می کند.

در قرآن کریم در مورد شهادت و نقش آن در تحقق امنیت و عدالت اجتماعی آیات زیادی آمده است که به طور نمونه چند آیه آن نقل می شود:

1- قرآن کریم شهادت حق را نیز بالای مسلمانان واجب می گرداند و حتی می گوید در مقابل پدر و مادر که نیکی

<sup>1</sup> سوره مائده آیه 8

<sup>2</sup> ابن عاشور، التحریر و التنویر ج 8 ص 147، سعدي، تيسير الكريم الرحمن، ج 2 ص 398، ( تفسير ابن كثير ج 1 ص 565. تفسير الفخر

الرازي ج 11 ص 74.

به آنان بعد از عبادت خداوند در شریعت اسلامی درجه دوم را دارد، لازم گردانیده است چنانچه می فرماید:

﴿أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلُؤْا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾<sup>۱</sup>

( ای کسانی که ایمان آورده اید! در اقامه عدالت و دادگری بکوشید و به خاطر خدا شهادت دهید، گرچه شهادت به زیان خودتان یا پدر و مادرتان یا خویشاوندان تان باشد، اگر (کسی که به زیان او شهادت داده می شود) ثروتمند یا فقیر باشد، خداوند به آن دو (از شما) سزاوارتر است، پس، از هوی و هوس پیروی نکنید، که منحرف می گردید، و اگر زبان را در ادای شهادت بیچنانید، یا از آن روی بگردانید، همانا خداوند به آنچه می کنید آگاه است. )

2- از نظر قرآن کریم ادای شهادت به گونه واقعی از صفات مومنان است وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ<sup>۲</sup>

( و کسانی که گواهی هائی را که باید بدهند، چنان که باید اداء می کنند ( و شهادت لازم را پنهان و کتمان نمی کنند). )

در اینجا شهادت و گواهی را نشانه ای از نشانه های مؤمنان کرده است . شهادت و گواهی را امانتی از امانتها شمرده است، آن را به طور مستقل ذکر فرموده است تا بیانی عظمت آن بوده و اهمیت آن را جلوه گر نماید. همان گونه که نشانه های مؤمنان را با نماز آغازیده است ، و پایان آن نشانه ها را نیز با نماز خاتمه بخشیده است و خداوند - جل جلاله- حق و حقوق زیادی را به ادای شهادت و اظهار گواهی واگذار فرموده است. بلکه اجرای حدّهای خود را به ادای شهادت و اظهار گواهی منوط کرده است ، حدّهای که با ادای شهادت و وجود گواهی اجراء می گردند. پس به همین خاطر خداوند، شهادت دادن و گواهی نمودن را شهادت و گواهی برای خودش به شمار آورده است تا بدین وسیله آن را به اطاعت عبادت خود پیوند بدهد. لذا فرموده است : ( وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ )<sup>۳</sup>. گواهی دادن را برای خدا اداء کنید ( و انگیزه شهادت محض رضای خدا باشد، و از هیچ کدام جانبداری ننمائید.<sup>۴</sup>

3- همچنان قرآن کریم به صراحت از انکار شهادت منع می کند و می گوید: وَلَا يَأْبُ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا.<sup>۵</sup>

1. آیه (135) سوره نساء

2 سوره معارج آیه 33

3 سوره طلاق آیه 2

4 سید قطب، فی ظلال القرآن ج 6 ص 261

5 سوره بقره آیه 282

( و شاهدان هرگاه دعوت شدند از حضور و شهادت خودداری نکنند.

پس هرگاه افراد جامعه متوجه این حقیقت نشوند و به حقیقت و راستی در تمام بخش های زندگی شهادت ندهند، این باعث می شود تا امنیت از هم بپاشد و مفساد زیادی در جامعه منتشر شود.

شهادت دادن به حق و عدم رعایت اقارب در این خصوص بالاترین تاثیر را در ایجاد یک جامعه سالم و آرام و نقش بزرگی در برقراری امنیت اجتماعی دارد که تاثیر آن را کم تر می توان در سایر موارد یافت. از نظر قرآن کتمان و پوشانیدن حقیقت یکی از عوامل بزرگی است که می تواند امنیت اجتماعی را برهم بزند به همین خاطر در قرآن کریم کتمان حق و شهادت دروغ نکوهش شده است، چنانچه می فرماید:

وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ<sup>۱</sup>

( و شهادت را پنهان نکنید، و هرکس که آن را پنهان کند دلش گناهکار است، و خداوند به آنچه می کنید داناست.)

همچنان قرآن کریم کسی را که حقیقت را پنهان و کتمان می کند ظالم ترین انسان ها می پندارد و می گوید: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ<sup>۲</sup>  
( و کیست ستمگرتر از کسی که شهادتی را که از جانب خدا نزد او است کتمان کند؟، و خداوند از آنچه می کنید غافل نیست.)

### مطلب سوم: وفاء به عهد و پیمان های سیاسی

وفاء به معنای حفاظت و نگهداری و پوره کردن وعده است چنانچه در تاج العروس می نویسد: « وفي الرجل وفاء إذا تم العهد و لم ينقض حفظه»<sup>۳</sup> ( مرد وفا کرد یعنی زمانی که عهدش را پوره کند و حفظ آن را نشکند. و در اصطلاح: به قرارداد ها و پیمان های که باید آنها را حفظ کرد و دقیقاً رعایت نمود عهد گفته میشود.<sup>۴</sup>  
در مورد فرق میان وفاء و صدق در کتب لغت چنین آمده است: «الوفاء قد يكون الفعل دون القول، ولا يكون الصدق إلا في القول؛ لأنه نوع من أنواع الخبر، والخبر قول»<sup>۵</sup> ( وفاء گاهی به سبب فعل صورت می گیرد بدون قول

<sup>۱</sup> سوره بقره آیه 238

<sup>۲</sup> سوره بقره آیه 140

<sup>۳</sup> - زبیدی، تاج العروس، ص: ۶۸۵

<sup>۴</sup> - الجرجانی، علی بن محمد السید الشریف، التعريفات، ص: (۱۳۴).

<sup>۵</sup> عسکری، ابو هلال، الفروق اللغوية، مؤسسة الرسالة، بيروت، لبنان، ب. ت ص 194

اما صدق تنها قولی می باشد زیرا صدق نوعی از خبر است و خبر قول است.)

در مورد وفاء و آثار آن در تحقق امنیت اجتماعی آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن ها نقل می شود:

1- وفا به عهد و پیمان از صفات مؤمنین است قسمی که خداوند متعال فرموده است:

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ.<sup>۱</sup>

( و آنها که امانتها و عهد خود را مراعات میکنند.)

2- و فاء به عهد یک مسئولیت است و مورد بازپرس خداوند قرار می گیرد قسمی که خداوند متعال فرموده است:

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا.<sup>۲</sup>

( به عهد خود وفا کنید یقیناً عهد چیز سوال شدنی است.)

مومنان به وفاء عهد و پیمان مکلف و مامور هستند قسمی که خداوند متعال فرموده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ.<sup>۳</sup>

( ای مؤمنان ! به پیمانها و قرارداد ها وفا کنید.)

3- مسلمانان حتی به وفا به عهد و پیمان در برابر مشرکان و کفار نیز مامور هستند تا از آن مخالفت نکنند، قسمی

که خداوند متعال فرموده است:

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَهُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ.<sup>۴</sup>

( مگر آنانیکه پیمان کرده اید با ایشان از مشرکین باز کمی نکردند بشما هیچ چیز و مدد نکردند بر شما

کسی را پس تمام کنید با ایشان پیمان شانرا تا مدت مقرر شان بیشک الله دوست دارد پرهیزگاران را).

4- الله متعال از شکستن عهد نهی کرده و آن را نکوهش کرده است قسمی که خداوند متعال فرموده است:

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ.<sup>۵</sup>

1 - سوره : مومنون / ۸ .

2 - سوره : الاسراء / ۳۴ .

3 - سوره : المائده / ۱ .

4 - سوره : توبه / ۴ .

5 - سوره : النحل / ۹۱ .

( و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید! و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید، در حالی که خدا را کفیل و ضامن بر (سوگند) خود قرار داده‌اید، به یقین خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.)

5- وفا به عهد و پیمان باعث کسب محبت خداوند و رسیدن به مقام تقوا می‌شود قسمی که خداوند متعال فرموده است: **بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ**<sup>۱</sup>

( آری! کسی که به عهد و پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری نماید، پس یقیناً خداوند پرهیزگاران را دوست میدارد.)

مهمترین سرمایه یک جامعه اعتمادی است که افراد به یکدیگر دارند و هرچیز که این اعتماد و همبستگی را تقویت کند مایه سعادت و پیشرفت جامعه است و هرچیز یکه به آن لطمه بزند عامل شکست و بدبختی است، از مهمترین اموری که اعتماد عمومی و خصوصی را شگوفا می‌کند وفا به عهد و پیمان است که از فضایل مهم اخلاقی در بخش سیاست و حکومت داری محسوب میشود.<sup>۲</sup>

وفا به عهد و پیمان خدا، هر نوع بیعتی را شامل می‌شود که مسلمانان با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بسته‌اند، و هر نوع عهد و پیمانی را دربر می‌گیرد که بر انجام کارهای نیک بسته می‌شود، و خدا بدان دستور می‌دهد. وفا، به عهد و پیمان ضامن ماندگاری عنصر اعتماد و اطمینان در معاملات مردمان با یکدیگر است، و بدون همچون اعتماد و اطمینانی جامعه برجا و ماندگار نمی‌ماند، و بشریت نیز استوار و برقرار نخواهد ماند. نص قرآنی همپیمانانی را نکوهش می‌کند که سوگندها را پس از تاکید آنها بشکنند، در حالی که خدای را آگاه و گواه بر خودشان دانسته و گرفته‌اند، و او را بر عهد و پیمانشان حاضر و ناظر دیده‌اند، و حضورش را برای وفای به عهد و پیمان بس دیده‌اند.<sup>۳</sup>

### مطلب چهارم: تقویه نظام شورایی

اصل دیگری دین اسلام برای ایجاد و بقای امنیت، تاسیس و تقویه نظام شورایی است که قرآن کریم افتخار آن را زمانی به بشریت عرضه کرده است که در آن هنگام نامی از مشوره و اجرای امور به اساس شورا وجود نداشت و خبری از انتخابات و آزادی رای نبود، در چنین وضعیت قرآن کریم سوره ای از سوره هایش را

1 - سوره: آل عمران / ۷۶ .

2 موسوعة الاخلاق الاسلامية، (ج 3 ص 802).

3 سيد قطب، في ظلال القرآن (ج 1 ص 138).

به اسم «شوری» نامگذاری می کند و نظام شورایی را همانند اقامه نماز و انفاق مال یک اصل بزرگ جامعه اسلامی می پندارد و می گوید:

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾<sup>۱</sup>

(و کسانی که دستور پروردگار شان را اجابت کردند، نماز را برپا نمودند و اساس کارهای شان مشوره در میان یکدیگر است و از آن چه آنان را روزی دادیم خرچ می کنند.)

در چنین عصری جهان در تلاطم امواج شاهی و رژیم های استبدادی به سر می برد و عرب را جز به ملوک الطوایفی روش دیگری را برای حکومت داری نمی شناسند، قرآن کریم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم دستور می دهد حتا آنانی را که مرتکب خطا و اشتباه شده اند نیز در مشوره ها شریک بسازد و می گوید:

﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾<sup>۲</sup>

( از آنان در گذر، برای شان مغفرت بخواه و در امور اجتماعی از آنان مشوره بخواه!

شهید سید قطب رح در ادامه تفسیر این آیه می نویسد: «اسلام با این نص قطعی و جزمی: (وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ) اصل شورائیت را در نظام حکومت بنیان می گذارد حتی در آن زمان که حکومت به دست محمد فرستاده خدا -صلی الله علیه و سلم- هم باشد چنین اصلی باید رعایت شود، این نص قاطعی است که برای امت اسلامی محل شک و تردیدی باقی نمی گذارد در اینکه اصل شورا یکی از اصول و ارکان سیستم اسلامی است و نظام اسلام نباید بر پایه دیگری جز آن استوار گردد اما شکل شوری و وسیله ای که شوری بدان تحقق می پذیرد، امری است که جای بحث و گفتگو در آن باقی است و برابر مقتضیات اوضاع ملت اسلامی و شرائط زندگی این امت، تغییرپذیر است و مسلمانان می توانند درباره چگونگی آن نظر بدهند. هر شکل و فورم و وسیله و راهی که اصل شوری - نه نمای ظاهر آن - بدان انجام پذیرد، مقبول و پذیرفته اسلام است»<sup>۳</sup>

### مطلب پنجم: اطاعت از ولی امر در کارهای نیک

اطاعت از مسؤول و سرپرست که امور مسلمانان را به عهد دارد سبب یک پارچه گی شده واز تفرقه وچند پارچه گی جلوگیری می شود. مطابق ارشادات قرآن مسلمانان باید در امور دولت داری و اداره باید دستورات اولی را مد نظر گرفته طبق آن عمل نمایند زیرا سرکشی از دستورات سرپرست وزعیم مسلمانان سبب تفرقه شده

<sup>۱</sup>. سوری شوری آیه (38)

<sup>۲</sup>. آل عمران آیه (159)

<sup>۳</sup>. سید قطب. فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرم دل، سال چاپ 1387 هجری، نشر احسان تهران. تفسیر آیه ج 2 ص 64



وحدت و همبستگی را از بین می رود که باعث هرج مرج و به وجود آمدن فته های گوناگون می شود و امنیت اجتماعی را به چالش می کشاند، به همین منظور پیروی از فرمان ولی امر و یا زعیم مسلمان واجب است البته تا زمانی که به کار های خلاف شرع امر نکند، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا<sup>۱</sup>﴾

( ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و از پیغمبر اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید مادام که دادگر و حَقِّگرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند و اگر در چیزی اختلاف داشتید و در امری از امور کشمکش پیدا کردید آن را به خدا با عرضه به قرآن و پیغمبر اوبا رجوع به سنت نبوی برگردانید تا در پرتو قرآن و سنت، حکم آن را بدانید.)

اطاعت از ولی امر در کار های نیک سبب وحدت و همبستگی افراد جامعه شده، تفرق و اختلاف از بین رفته، آسایش و آرامش به جامعه رونما می گردد، که این خود سبب ایجاد مهر و محبت و همکاری در روابط فردی و اجتماعی انسانها می شود، به همین منظور پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- به اطاعت از اولی الامر تاکید کرده است چنانچه در روایت صحیح از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا، وَإِنْ اسْتُعْمِلَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ، كَأَنَّ رَأْسَهُ زَبِيئَةٌ»<sup>۲</sup>

( بشنوید و اطاعت کنید اگرچه امیر شما برده ای حبشی تعیین گردد که سرش به اندازه ی یک دانه ی کشمش باشد.)

---

<sup>۱</sup> - سوره النساء، آیه ۵۹.

<sup>۲</sup> بخاری، صحیح البخاری، شماره حدیث: ۷۱۴۲

## مبحث هفتم: مجازات شرعی و نقش آن در تحقق امنیت اجتماعی پایدار

قرآن کریم برای اینکه امنیت کامل جامعه را فرا گیرد یک سلسله مجازاتی را وضع کرده است که با تطبیق آن بدون شک امنیت اجتماعی حکم فرما می شود، در این مبحث به گونه مختصر روی تاکید قرآن کریم بالای مجازات و سزای مجرمین بحث می شود:

### مطلب اول: قصاص قاتل

یکی از طرح های عملی قرآن برای تضمین امنیت اجتماعی، سزای قصاص است که قرآن کریم آن را حیات و زندگی خوانده است چنانچه می گوید:

﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾<sup>۱</sup>

(ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص زنده گی است شاید شما بدینوسیله خود را نجات دهید.)

قرآن کریم به طور خاص و اسلام به طور عام، هیچ چیزی را با ارزش تر از خون انسان ندانسته و سزای هیچ گناهی را سخت تر و شدید تر از قتل نفس بی گناه قرار نه داده است چنانچه الله متعال می گوید:

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾<sup>۲</sup>

(و کسی که یک نفر مومن را عمداً به قتل برساند، پس جزای او جهنم است که برای همیشه در آنجا می

ماند، و خداوند بالای او خشمناک شده و او را لعنت کرده است و برایش عذاب بزرگی را آماده کرده است.)

این سزای قاتل در آخرت است که خداوند به هیچ یک از گناهان بزرگ چنین وعید سختی نداده است، اما در دنیا هیچ سزایی به جز قصاص و اعدام نمی تواند پیامد های منفی قتل را پاک کند به همین وجه قرآن

یگانه راه حل را قصاص دانسته و می گوید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ...﴾<sup>۳</sup>

(ای مومنان قصاص بر بالای شما در مورد کشته شده ها، فرض و مقرر گردانیده شده است.)

همچنان قرآن کریم قتل یک نفس بی گناه را با کشتن تمام انسان ها و نجات دادن یک انسان را از قتل با

زنده نگه داشتن تمام مردم روی زمین مساوی می داند و می گوید:

﴿مَنْ أَجَلٍ ذَلِكُمْ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ

1. آیه (179) سوره بقره

2. النساء (93)

3. سوره بقره آیه (179)

أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ﴿١﴾

( از همین خاطر بر بنی اسرائیل مقرر کردیم که کسی نفسی را بیدون کشتن نفس دیگر یا فساد در روی زمین بکشد گویا تمام مردم را به طور مجموعی کشته است و کسی که یک نفس را نجات دهد، گویا تمام مردم جهان را نجات داده است.)

در حدیثی نیز آمده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم می فرماید: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَزَوَالُ الدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ قَتْلِ رَجُلٍ مُسْلِمٍ»<sup>۲</sup>

( قسم به آن ذاتی که نفس من در دست اوست، زوال و ازبین رفتن تمام دنیا در نزد خداوند سبک تر از این است که یک مرد مسلمان کشته شود.)

علاوه بر آن آیات و احادیث زیادی در مورد نکوهش قتل وجود دارند که به هدف اجتناب از دراز شدن موضوع از نوشتن تمام آن ها صرف نظر می کنیم.

و خلاصه اینکه مطابق دستور قرآن ادامه حیات مردم در قصاص است، حیاتی که با گرفتن دست کسانی حاصل می گردد که می خواهند جان مردمانی را بگیرند. همچون کسانی وقتی که می بینند قصاص در انتظار ایشان است، پیش از اقدام به قتل از آن دست برمی دارند و بدان دست نمی یازند. حیات بودن قصاص بدین معنا است که جلو دست صاحبان خون را می گیرد، وقتی که درون شان به جوش و خروش درمی آید و نمی خواهند تنها به قصاص قاتل بسنده کنند. بلکه در کار انتقام به پیش می روند و به جای کشتن خود قاتل، افراد بیگناه و اشخاص زیادی را از قوم و قبیله قاتل هلاک می سازند. آن وقت است که خون ها بر زمین ریخته می شود، و این دسته آن دسته را می کشد، و آن دسته این دسته را، تا این که سرانجام سیلاب خون جاری می گردد. قصاص حیات است چون قصاص باعث می شود که هرکسی بر خود ایمن گردد و به عدالت قصاص اطمینان حاصل کند. لذا هرکسی در امن و امان به کار می پردازد و به تولید دست می یازد. به ناگاه ملاحظه می شود که جملگی افراد ملت از حیات برخوردار می گردند و به زندگی می نشینند.<sup>۳</sup>

در واقع نمی توان طرح مهم تر از قصاص را در کشوری که فساد و ناامنی گسترش یافته باشد یافت، این

---

<sup>۱</sup>. سوره مائده آیه (32)

<sup>۲</sup>. ترمذی، ابو عیسی، محمد بن عیسی، ت: 279 هـ - سنن ترمذی - ناشر: دار احیاء التراث، بیروت، سال: 1985 م. (قال أبو عیسی و هذا أصح من حدیث ابن عدی) ج 18 ص 365.

<sup>۳</sup> سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 2 ص 342

یگانه راه برای تامین درست امنیت اجتماعی است و روش بهتر از آن را نمی توان یافت، البته قصاص تنها در عوض خون نه بلکه در قرآن کریم و شریعت اسلام در اعضای بدن نیز مطلوب است.

### مطلب دوم: تعیین بدترین سزا برای کسانی که امنیت اجتماعی را به خطر مواجه می سازند.

قرآن کریم برای تامین امنیت اجتماعی بدترین سزا و مجازات را برای اشخاص مفسد، قاتل، راهزن و دزد که هرکدام در اخلال امنیت، خون، مال، جان و آبروی مردم نقش عمده و اساسی دارند، سخت ترین سزا و کیفر را تعیین نموده است، این سزاهای به گونه مختصر چنین شرح می گردند:

#### 1- سزای راهزنان و مفسدان:

پدیده راهزنی، غارت گری و چپاول از خطرناک ترین پدیده هایی است که در طول تاریخ انسان های عادی رنج آن را کشیده اند و امروز نیز با وصف همه ترقی و تمدن، امن ترین کشور های دنیا از این ناحیه رنج می برند و احساس امن نمی کنند، چون امروز این قضیه اشکال پیش رفته ای را به خود گرفته است و باند ها و گروه های بزرگ در کشور های مختلف شکل گرفته اند که اکثراً دستگاه های قضایی، قانونی و اجرایی کشورها را نیز در اختیار دارند و با روش های گوناگون خون و مال مردم را می خورند، این در حالی است که نیرومند ترین کشور ها با راه اندازی صدها طرح و استحکام قوی امنیت توسط سیستم های بزرگ امنیتی نتوانسته اند، این قضیه را از بین ببرند، اما آن چه قرآن پیشنهاد می کند امر خیلی ساده است که می تواند کاملاً فساد، راهزنی و باند های مافیایی خطرناک را به زودی از بین ببرد اما هدایت قرآن در این خصوص این است که دزدان، راهزنان و اعضای باندهای مافیایی دست گیر شوند و نظر به کاری که مرتکب شده اند باید چنین مجازات شوند: چنانچه قرآن تصریح می کند:

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾<sup>1</sup>

( همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آنها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف یکدیگر ببرند و یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود.)

<sup>1</sup> .سوره مائده آیه (33)

در این آیه تصریح شده است که مجازات دنیوی کافی نیست و تنها می تواند در دنیا به آنان کفایت کند اما در آخرت خداوند برای شان عذاب بزرگی را آماده کرده است.

## 2- سزای دزدان عادی

قضیه دزدی و سرقت اموال مردم نیز از عادی ترین پدیده های است که امنیت مالی و گاهی امنیت جانی مردم را مختل می سازد، در قوانین وضعی امروزی مجازات دزد چند ماه یا چند سال حبس در نظر گرفته شده است که به هیچ نمی تواند جلو گسترش دزدی را بگیرد و یا این پدیده را از بین ببرد؛ اما قرآن کریم برای از بین بردن این پدیده، راهکار ساده و آسان پیشنهاد می کند که با تطبیق آن دیگر کسی جرئت دزدی را نخواهد کرد و آن عبارت است از بریدن دست دزد که الله متعال در مورد آن فرموده است:

﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>1</sup>

(دستان مردان و زنان سرقت کننده را برای انجام سزای کارشان، قطع کنید این عذابی است از جانب خداوند و خداوند ذات گرامی و حکیم است.)

در دین اسلام سزا و مجازات عمومی بوده و هیچ کس از آن مستثنی نیست چنانچه در حدیثی آمده است: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ فُرَيْشًا أَهَمَّهُمْ شَأْنُ الْمَخْزُومَةِ الَّتِي سَرَقَتْ ، فَقَالُوا : وَمَنْ يُكَلِّمُ فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ؟ فَقَالُوا : وَمَنْ يَجْتَرِئُ عَلَيْهِ إِلَّا أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ حُبُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَكَلَّمَهُ أُسَامَةُ ، فَقَالَ : أَتَشْفَعُ فِي حَدِّ مَنْ حُدِّدَ اللَّهُ !؟ ثُمَّ قَامَ فَاخْتَطَبَ ، فَقَالَ : إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ ، وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ ، وَأَيُّمُ اللَّهِ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا<sup>2</sup>

(عایشه رضی الله عنها می فرماید: قریش قضیه ی آن زن مخزومی که دزدی کرده بود برایشان بسیار مهم گردید ، ( زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم می خواست دستش را قطع نماید ) گفتند: چه کسی با رسول الله صلی الله علیه و سلم صحبت می کند؟ پاسخ دادند: و چه کسی جز اسامه بن زید دوستدار و محبوب رسول الله صلی الله علیه و سلم جرات چنین کاری را دارد؟ اسامه نیز با پیامبر صلی الله علیه و سلم صحبت کرد ( تا از قطع کردن دست او خودداری کند ) ، پیامبر صلی الله علیه و سلم به او فرمود: آیا در مجازاتی که خداوند قرار داده است میانگیری می کنی؟ سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم بلند شده و

<sup>1</sup> .سوره مائده آیه (38)

<sup>2</sup> بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح البخاری، دار المعرفه، بیروت، لبنان حدیث شماره: (5954)

شروع به صحبت نمودند و فرمودند : چیزی که باعث نابودی امتهای پیش از شما شده است این بود که وقتی انسانی اصل و نسب دار دزدی می کرد او را رها می کردند ، و اگر شخصی با نسبی پایین دزدی می کرد مجازاتش می کردند ، به خدا قسم اگر فاطمه دختر محمد دزدی کند دستش را قطع می کنم.)

### مطلب سوم: مجازات تهمت کننده برای حفظ امنیت روانی اجتماعی

در مطالب گذشته دریافتیم که قرآن کریم به خون، مال و آبروی انسان، ارزش قابل ملاحظه ای قایل است و به همین اساس کسانی را که مرتکب جنایت تهمت و بهتان بر شرف، عزت و آبروی دیگران می شوند و تهمت و ادعای خود را از طریق شهادت شاهدان عادل ثابت نمی سازند، مورد سرزنش و نکوهش قرار داده و برایشان سزای مناسبی را پیشنهاد کرده است که آن عبارت از هشتاد ضربه تازیانه است، خداوند می گوید:

﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾<sup>1</sup>

( کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می دهند، سپس چهار گواه ( بر ادعای خود، حاضر) نمی آورند، آنان را هشتاد تازیانه بزنید، و هرگز گواهی دادن آنان را نپذیرید، و چنین کسانی فاسق و متمرّد از فرمان خدا هستند.)

دین اسلام، خون، مال و آبروی انسان را با هم مساوی می داند و به این سه عنصر اساسی به طور یکسان ارزش داده است چنانچه در روایتی آمده است: عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَعَرَضُهُ وَمَالُهُ»<sup>2</sup>

( از ابوهریره - - رضی الله عنه - - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «تمام حقوق یک فرد مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است: خونس، مالش و ناموسش.)

به همین خاطر دین اسلام کسی را که به آبروی دیگران تجاوز می کند، سزای سختی را تعیین کرده است و باید چنین شخص در جلو مردم دره زده شود و شهادتش نیز دیگر قابل قبول نباشد، چون او با تهمت و دروغی که بر شخص بی گناه بسته است، اعتمادش را از دست داده است.

<sup>1</sup> سوره نور آیه 4

<sup>2</sup> نیشاپوری، صحیح مسلم، شماره حدیث: 2564

## مطلب چهارم: مجازات متجاوز جنسی

یکی از اهداف قرآن و شریعت اسلامی حفظ شرف و آبروی افراد جامعه است و به همین هدف کسانی که به هر نحوی این عزت را پامال می کنند و پرده شرم و حیا را می درند، به آنان نیز سزای سنگینی را وضع کرده است تا جامعه از لوث فساد پاک گردیده و شرف و عزت خانواده ها محفوظ بمانند و نسل بشری نیز مختلط نشود. قرآن کریم در این مورد می گوید:

﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

( هریک از زن زناکار و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و در اجرای احکام دین خدا، رحم و شفقتی شما را فرا نگیرد، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، و بر شکنجه ایشان گروهی از مومنان نیز باید حضور یابند).  
سید قطب-رحمه الله- می نویسد: «این آیه، پس از قضیه افک به سال پنجم هجری (یا بنا به روایتی، به سال چهارم هجری) نازل شده است. هنگامی که این آیه نازل شد، رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) فرمود: «خذوا عني. خذوا عني قد جعل الله لهن سبيلاً...»<sup>۲</sup> از من بیاموزید. از من بیاموزید. به راستی خداوند راهی برای آنان پیدا کرد... الی آخر راهی که خداوند برای آنان پیدا کرد، حکمی است که این آیه سوره نور، آن را در برگرفته است»<sup>۳</sup>. قبل از نزول این آیه، در مورد زنانی که مرتکب فحشا می شوند حکم این بود که باید در خانه ها محبوس شوند تا زمانی که بمیرند و یا خداوند برای شان راه خروج بیاورد، بناءً نزول سوره نور می تواند همان راه خروج باشد که خداوند وعده کرده بود.

<sup>۱</sup>. سوره نور آیه (2)

<sup>۲</sup> این حدیث را امام مسلم به این عبارت روایت کرده است: وَعَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «خَذُوا عَنِّي خَذُوا عَنِّي فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِهِنَّ سَبِيلًا: الْبِكْرُ بِالْبِكْرِ جَلْدُ مِائَةٍ وَنَفِي سَنَةٌ وَالتَّيِّبُ بِالتَّيِّبِ جَلْدُ مِائَةٍ وَالرَّجْمُ» (از عبادة بن صامت رضي الله عنه روایت است که رسول خدا صلي الله عليه و آله وسلم فرمود: «از من بگیريد که خداوند براي آنان راهی قرار داده است، اگر بکر (فردی که ازدواج نکرده است) با زنی با کره ای زنا کرد؛ هر یک صد شلاق بخورد و یک سال تبعید شود. و هرگاه فرد متأهل (ازدواج کرده) با زن متأهل زنا کند؛ باید صد ضربه شلاق بخورد و سنگسار شود).

<sup>۳</sup>. سید قطب. فی ظلال القرآن. ج 3 ص 223

## مبحث هشتم: راهکارهای عملی در بخش سیاست و روابط

چون قرآن کریم کتاب جامع است در بخش سیاست و ارتباطات جهانی نیز راهکارهای مهمی را غرض تامین امنیت اجتماعی مشروع گردانیده است.

### مطلب اول: مشروعیت جهاد برای تامین امنیت اجتماعی

یکی از ویژه طرح های قرآن برای تامین امنیت اجتماعی، فرض گردانیدن جهاد، جنگ و مبارزه علیه کسانی است که امنیت مردم را از هر طریق ممکن سلب می کنند و از ضعف علمی، فکری و اقتصادی برخی انسان ها به نفع خود استفاده نموده می خواهند قدرت و سلطه خود را بر مردم تحمیل کنند، همچنان قرآن می خواهد مسلمانان را در برابر قدرت های مستکبر و متجاوز که به بهانه های مختلف دارایی و ثروت مادی، تاریخی و فرهنگی شان را می ربایند و با شعار استعمار، همه هست و بود شان را استثمار نموده هیچ نوع ارزشی به اتباع کشور های ضعیف قایل نیستند، به حمایت مردان، زنان و اطفالی که توان خروج از مهلکه را ندارند؛ تشویق نموده و انگیزه آنان را در این قسمت بیدار کند و می گوید:

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾<sup>۱</sup>

( و چرا باید در راه خدا و نجات مردان و زنان و کودکان درمانده و بیچاره ای نجنگید که ( فریاد می زنند و می گویند: پروردگارا! ما را از این شهر و دیاری که ساکنان آن ستمکارند ( و بر ما بیچارگان، ستم روا می دارند) خارج ساز، و از جانب خود سرپرست و حمایتگری برای ما پدید آور، و از سوی خود یابوری برایمان قرار بده ( تا ما را یاری کند و از دست ظالمان برهاند).

جهاد دارای انواع مختلف است که هر کدام نقش خود را در برقراری امنیت اجتماعی دارند:

1- جهاد بانفس: این جهاد با کسب علوم شرعی که منجر روشنایی بصیرت انسان می گردد و با استقامت بر اعمال نیک مبنی بر علم صحیح، راه درست زیستن برای انسان واضح و روشن می شود.<sup>۲</sup> و از جمله جهاد با نفس ایستادن در برابر خواسته های نفسانی و تمایلات درونی انسان برای غوطه ور شدن در اعماق شهوت های حرام می باشد، الله متعال می فرماید: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا<sup>۳</sup> (کسانی که در راه ما

<sup>۱</sup>سوره نساء آیه 75

<sup>۲</sup>این قیم، زاد المعاد ج 3 ص 5

<sup>۳</sup>سوره عنکبوت آیه 69



تلاش و جهاد نمایند، آنان را به راههای خود رهنمود می کنیم).

2- **جهاد و جنگ و پیکار با کفار:** این نوع جهاد در راه الله قله و بالاترین درجه اسلام است و بوسیله این

فریضه دینی بود که پرچم اسلام در شرق و غرب بر افراشته شد و این امر از بالاترین و مهمترین عملهایی است که قرب و نزدیکی به الله متعال را بدنبال دارد و از بارزترین عبادت ها است. الله متعال فرموده است:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَاً عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ<sup>1</sup>

(بیگمان الله جان و مال مومنان را در برابر بهشت خریداری می کند، اینکه در راه الله بجنگند و بکشند و کشته شوند. این وعده ای است که الله در تورات و انجیل و قرآن، وعده راستین آنرا داده است و چه کسی از الله به عهد خود وفا کننده تر است؟ پس به معامله ای که کرده اید شاد باشید و این پیروزی بزرگ و رستگاری سترگی است)

3- **جهاد و مبارزه مالی و زبانی:** چنانچه پیامبر-صلی الله علیه وسلم- فرموده است: «جَاهِدُوا الْمُشْرِكِينَ بِأَمْوَالِكُمْ

وَأَنْفُسِكُمْ وَالسِّنِّكُمْ»<sup>2</sup>

(با مال ها و جان ها و زبان های خود، با مشرکان جهاد کنید)

آیات قرآنی زیاد هستند که همه بر اهمیت جهاد و مبارزه برای تامین امنیت مردم دلالت دارند و چون هدف از بحث ما فقط نشان طرح های قرآن برای تامین امنیت است بناءً از شرح و بسط در این مورد می گذریم.

### مطلب دوم: امر به معروف به هدف استحکام ارزش های جامعه

یکی از پایه های اساسی فراهم کننده امنیت و حافظ استقرار امنیت دستور به کارهای نیک است که مسئولیت عمومی مسلمانان بوده و از واجبات اساسی در یک جامعه است، زیرا بقا و استمرار حیات در سایه آسایش و آرامش امنیت است و امنیت بدون امر به نیکی ها و نهی از بدی ها امکان ندارد. به همین خاطر قرآن کریم ایجاد یک گروهی را که مسئولیت پیش برد این وجیه بزرگ را به عهده بگیرد توصیه نموده و می فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>3</sup>

1- سوره توبه آیه 111

2- سجستانی، سنن ابی داود، کتاب الجهاد، شماره حدیث: 2504 (اسناد این حدیث را ابوداود صحیح شمرده است)

3- سوره آل عمران، 104.

( باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان خود رستگارند.)

یکی از اصول مهم اسلام امر به معروف و نهی از منکر است بدون شک اصلاح انسان ها در زنده گی و کامیابی در آخرت متوقف بر طاعت الله متعال و پیروی رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- است و تمام طاعات متوقف به امر به معروف و نهی از منکر به خاطر همین صفت امر به معروف و نهی از منکر الله متعال امه مسلمة را بهترین امت خوانده. چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾<sup>1</sup>

( شما ای پیروان محمد بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده اید مادام که امر به معروف و نهی از منکر می نمائید و به خدا ایمان دارید.)

ابن کثیر -رحمه الله- می گوید: « فمن اتصف من هذه الأمة بهذه الصفات دخل معهم في هذا الثناء عليهم والمدح لهم ومن لم يتصف بذلك أشبه أهل الكتاب الذين ذمهم الله بقوله: ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنِ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾<sup>2</sup> »<sup>3</sup>

( کسی از افراد این امت که به این صفات متصف باشد شامل این مدح و ثنا می شود و کسی که این صفت را نداشته باشد شبیه اهل کتاب می شود که خداوند آنان مذمت کرده و در مورد شان گفته است: آنان از کارهای زشتی که انجام می دادند یک دیگر را منع نمی کردند، و چه کار بدی انجام می دادند.)  
قرآن کریم وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را تنها به مردان مختص نمی داند بلکه در این زمینه زنان را نیز مانند مردان در این کار سهیم دانسته و می فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>4</sup>

( مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می خوانند و از کار بد باز می دارند، و نماز را چنان که باید می گزارند، و زکات را می پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می

1- سوره آل عمران، آیه 110.

2 سوره مائده آیه 79

3 ابن کثیر، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير دمشقي، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: سامي بن محمد سلامة، دار طيبة، طبع دوم، 1420 هـ.

- 1999 م جلد دوم صفحه 103

4- سوره التوبه، آیه 71.

کنند. ایشان کسانیند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می گرداند. خداوند توانا و حکیم است.

### مطلب سوم: نهی از منکر و مبارز علیه فساد

یکی از طرح های قرآن آوردن یک اجتماع سالم و خالی از ترس، وحشت، بی عدالتی و نا امنی ها، تقویه فرهنگ مبارزه علیه فساد و نهی از منکر است که آن را مسؤولیت هر فرد جامعه قرار داده و ملتی را که از این اصل به ساده گی بگذرد و آن را مدار اعتبار و عمل قرار ندهد مستحق هلاکت و نابودی دانسته است چنانچه در مورد برخی از امت های گذشته که از مبارزه علیه فساد اجتماعی دست کشیده و به سرنوشت بدی رو به رو شده بودند، می گوید:

﴿لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾<sup>1</sup>

( چرا خدا پرست ها و دانشمندان شان آنان را از گفتن سخن گناه و خوردن مال حرام نهی نمی کردند و این چه کار زشتی بود که انجام دادند.)

البته آیات و احادیث زیادی در مورد اهمیت قضیه امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد و به هدف اختصار با بیان آیات فوق و یک حدیث اکتفا می کنیم، در حدیثی که نزد همه مشهور و معروف است پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم می فرماید:

« مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ »<sup>2</sup>

( اگر کسی از شما کار خلاف و منکر را ببیند باید این کار را بکند، اگر نتواند باید به زبانش علیه آن مبارزه کند و اگر این کار را هم نتواند به قلبش باید آن را نکوهش کند و البته این پایین درجه ایمان است.)  
ترک وظیفه نهی از منکر باعث هلاکت و از بین رفتن امنیت عامه می شود چنانچه الله متعال در مورد پیامد آن می فرماید:

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ﴾<sup>3</sup>

( پروردگارت چنین نبوده است که شهرها و آبادیها را ستمگرانه ویران کند ، در حالی که ساکنان آن ها درصدد اصلاح برآمده باشند.)

<sup>1</sup> .سوره مائده آیه 63

<sup>2</sup> .صحیح مسلم، شماره حدیث: 186

<sup>3</sup> .سوره هود آیه 117.

از آیه فوق به خوبی دانسته می شود که مطابق سنت و عادت پروردگار زمانی که در میان اهالی یک جامعه مصلحان و دعوتگران وجود داشته باشد، هیچ گاه خداوند آنان را مورد هلاکت قرار نمی دهد و این خود اثر امر به معروف و نهی از منکر را نشان می دهد، چنانچه در تفسیر این آیه نقل شده است: «في معنى الآية قولين أحدهما أن الله تعالى لا يهلك القرى إلا إذا شذت عن الصلاح فكفرت بالله وكذبت الرسل واقترفت المنكرات. وثانيهما أن الله لا يهلك القرى إذا كان أهلها مصلحين يتعاطون الحق بينهم ولا يتظالمون وإن كانوا غير مؤمنين بالله ورسوله وإنما يهلكهم إذا تظالموا»<sup>1</sup>.

(در معنای این آیه دو قول است: اول اینکه خداوند قریه ها را هلاک نمی کند مگر اینکه دست از صلاح و نیکی بردارد و به خداوند کفر کند و پیامبران را تکذیب و منکرات را انجام دهد، و دوم اینکه الله تعالی قریه ها را هلاک نمی کند مگر اینکه اهالی آن مصلحین باشند که حق را در میان خود ادا کنند و یکدیگر را ظلم نکنند اگرچه به خداوند و پیامبرانش ایمان نداشته باشند و آنان زمانی مورد هلاکت قرار می گیرند که بالای یکدیگر ظلم کنند.)

### مطلب چهارم: تشویق به صلح و آشتی در روابط سیاسی و اجتماعی

قرآن کریم قسمی که جهاد و مبارزه را بر علیه مفسدان، متجاوزان، باغیان و سایر افراد و گروه هایی که امنیت و آرامش مردم را به خطر مواجه می کنند، فرض گردانیده است همچنان از صلح به عنوان یک راهکار اساسی برای رسیدن به هدف می داند، زیرا در اسلام جنگ هدف نه بلکه رسیدن به امنیت است و تا زمانی که این هدف بیدون جنگ و خون ریزی به دست بیاید، جنگ را ترجیح نمی دهد بلکه تلاش می کند تا مسلمانان از طریق صلح به اهداف خویش برسند، به همین منظور قرآن کریم در موارد متعدد به صلح تاکید ورزیده است از جمله:

**الف: صلح با دشمن:** قرآن کریم پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم و سایر مسلمانان را به صلح در برابر دشمنان توصیه کرده و اگر صلح طی یک طرح و طرح ریزی مشخص صورت گرفته باشد آن را فتح نامیده است، خداوند متعال در مورد صلح با دشمن می گوید:

﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾<sup>2</sup>

<sup>1</sup> محمد عزت دروزه، التفسیر الحديث، دار إحياء الكتب العربية القاهرة 1383 ق - دار الغرب الإسلامي - دمشق (ج 3 ص 553).  
<sup>2</sup> سوره انفال آیه (61)

( اگر آنان به آشتی میلان کردند تو نیز به آن متمایل باش و نتیجه کارت را به خداوند واگذار کن، یقیناً او ذات شنوا و دانا است.)

**ب: صلح میان دو گروه متخاصم:** چنانچه در خاتمه فصل دوم متذکر شدیم، در شرایطی کنونی کشور ما، اساسی ترین چیزی که به آن نیاز بیش تر احساس می شود، قضیه صلح است چون بیش از چهل سال است که مردم افغانستان از پدیده جنگ میان گروه ها رنج می برند اما تاهنوز مردم افغانستان به صلح دست نیافتند چون مسلمانان بیرونی در این زمینه وظیفه خود را در قبال صلح میان اطراف درگیر و متخاصم به درستی انجام ندادند و بیش تر خواستند قضیه گل آلود نموده و به خصوص کشور های همسایه خواستند منافع خود را تا مصالح مردم افغانستان ترجیح دهند. الله متعال می گوید:

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ قَاتِلُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾<sup>۱</sup>

( و اگر دو گروهی از مومنان با هم درگیر شوند، شما در میان شان صلح کنید و هرگاه یکی از این گروه ها بر بالای دیگری تجاوز نمود با گروه بغاوت کننده بجنگید تا به امر خداوند رجوع کند و هرگاه این هدف به دست آمد شما در میان شان به عدالت صلح بیاورید و عدالت را در نظر بگیرید چون خداوند عدالت پیشه گان را دوست می دارد.)

**ج: صلح میان خانواده ها:** قرآن کریم برای تامین امنیت خانواده ها نیز طرح دارد و به برقراری صلح میان دو خانواده تاکید می ورزد چنانچه می فرماید:

﴿وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ...﴾<sup>۲</sup>

( هرگاه همسری دید که شوهرش با او او نمی سازد و یا از وی رویگردان است ، در این حالت برآنان گناهی نیست تا میان خویشان صلح نمایند و صلح ( همیشه از جنگ و جدائی ) بهتر است.)

### مطلب پنجم: تشویق به پناه دادن سیاسی

هدف اساسی اسلام آوردن امنیت و آزادی برای مردم است تا در یک فضای آرام و فارغ از هر نوع زور و اکراه پیغام و رسالت اسلام را بشنوند و به انتخاب و اراده خود وارد این شوند، هیچ گاه اسلام نمی خواهد، زور و

---

<sup>۱</sup>. سوره حجرات آیه ۹  
<sup>۲</sup>. سوره نساء آیه (128)

سلاح را معیار تطبیق احکام قرار دهد، به همین منظور خداوند به پیامبرش دستور می دهد:

﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾<sup>1</sup>

( هرگاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد او را پناه بده تا پیغام خدا را بشنود و سپس او را به جای امنی که

خودش می خواهد برسان، چون آنان قومی هستند که هنوز نمی دانند.)

این آیه در ادامه آیاتی هست که خداوند متعال به شدید ترین الفاظ به پیامبر تاکید می ورزد تا مکه را از لوٹ و کثافت شرک پاک کند و به مشرکان چهار ماه دیگر فرصت دهد تا خوب فکر کنند و اگر باز هم قناعت نکردند باید مکه را ترک نمایند، در چنین اوضاع خداوند به پیامبرش دستور امن می دهد تا با این دشمنان سرسخت پناه بدهد و امنیت آنان را برای اصلاح تامین نماید.

### مطلب ششم: ابلاغ امور سیاسی به مسئولین

تامین امنیت کامل ایجاب می کند یک سلسله مسایل و قضایا تا یک زمانی پوشیده بمانند چون افراد جامعه همه به طور یک سان درک و فهم ندارند و نشر زود هنگام اخبار بیدون تحقیق و بررسی و پیش از رساندن آن از طریق یک آدرس مسئول و پویا، موجب ایجاد خوف و ترس مردم می شود، آیه ذیل یکی از نشانه های منافقان را به ما بیان می کند و می گوید:

﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ

مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾<sup>2</sup>

( و هنگامی که خبری (حاکمی) از امنیت یا ترس به آنها برسد آن را پخش می کنند، و اگر آن را به پیامبر و اولی الامر خود ارجاع می دادند قطعاً کسانی در میان ایشان وجود داشتند که (می توانستند درست یا غلط بودن) آن را دریابند. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود جز تعداد اندکی از شیطان پیروی می کردید.)

خداوند متعال در اینجا بندگانش را ادب می نماید از این کار که شایسته آنها نیست دوری کنند، و به آنها می فرماید شایسته است وقتی که کاری مهم و منفعتی عمومی که امنیت و شادی مومنان را در پی دارد، با ترسی که مصیبت را برای آنها به همراه دارد پیش آید، پابرجا باشند، و در پخش همراه دارد پیش آید، پابرجا باشند، و در پخش کردن این خبر شتاب نورزند. بلکه آن را به پیامبر و اولی الامر که اهل رای و دانش و عقل و

<sup>1</sup> سوره توبه آیه (6)

<sup>2</sup> سوره نساء آیه (84)

متانت و خونسردی هستند و می دانند چگونه حوادث و اطلاعات را پردازش و تحلیل نمایند و منافع و مضار را می شناسند، ارجاع دهند. پس اگر آنها صلاح ببینند که پخش کردن این خبر مصلحتی برای مومنان دارد، و باعث شادی و نشاط آنها می شود، و باعث می شود تا آنها برای مقابله با دشمنان، خود را آماده کنند، این خبر را پخش می کنند. و اگر ببینند که پخش شدن این خبر مصلحتی را در بر ندارد، یا اینکه مصلحتی دارد اما زیان آن از مصلحت و فایده اش بیشتر است، آن را پخش نمی کنند.<sup>۱</sup>

### مطلب هفتم: حق آزادی

قرآن کریم برای تامین درست امنیت اجتماعی قواعد بنیادی برای تضمین حیات ساکنان یک منطقه و کشور است وضع کرد است که حیثیت قانون اساسی را برای یک جامعه اسلامی دارند، این چنین قواعد در قرآن کریم بی شمار می باشند که بررسی آن نیاز به یک مطالعه و بحث ویژه دارد و یکی از این قواعد مهم، قاعده آزادی و عدم اکراه در دین و رای است.

اسلام به طور عام و قرآن کریم به گونه خاص برای انسان و اراده او احترام می گذارد، قرآن انسان را کرامت و فضیلت بخشیده است و ضمن این که او را به گرایش به دین حق دعوت می کند، ساحه پذیرش دین و آیین را برایش آزاد گذاشته و هر نوع جبر و اکراه دینی را رد می کند و این آیه اصل و اساس بزرگی در این مورد است:

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنَ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۲</sup>

( هیچ نوع جبر و اکراه در دین مطلوب نیست، چون راه هدایت از راه گمراهی آشکار است پس کسی که به طاغوت کفر ورزد و به الله ایمان بیاورد او به ریسمان محکمی چنگ زده است که قطع شدنی نیست و خداوند شنوا و دانا است.)

عدم جبر و اکراه در باب عقیده و سایر حقوق زندگی یکی از قواعد بزرگ قرآنی و بیانگر آن است که دین اسلام دینی کامل است، چون دلایل آن کامل و نشانه های آن روشن اند. اسلام دین عقل و دانش و فطرت و حکمت، و دین صلاح و اصلاح و دین حق و هدایت است، پس به خاطر کامل بودن آن و اینکه سرشت و فطرت

<sup>۱</sup> سعدی، تفسیر الکریم الرحمن، ج 2 ص 224  
<sup>۲</sup> آیه (256) سوره بقره

آن را می پذیرد، نیازی نیست که کسی مجبور گردد تا دین اسلام را بپذیرد، زیرا انسان بر انجام چیزی اجبار می شود که از آن متنفر است، و اجبار و اکراه با حقیقت در تضاد است، ضمن اینکه انسان بر پذیرفتن آیینی اجبار می شود که دلایل و نشانه های آن پوشیده باشد، در حالی که هرکس این دین را رد کرده و نپذیرفته باشد به خاطر عناد و کینه ورزی بوده است، به دلیل اینکه هدایت از گمراهی مشخص گردیده و برای کسی عذر و دلیلی باقی نمانده است، قسمی که امام رازی-رحمه الله- در این مورد نوشته است: «معناه أنه تعالی ما بنی أمر الإیمان علی الإجبار والقسر ، وإنما بناه علی التمكن والاختیار لانه ظهرت الدلائل، ولم یبق بعدها إلا طریق القسر والإلجاء والإکراه ، وذلك غیر جائز لأنه ینافی التکلیف»<sup>۱</sup>

(مفهوم قاعده فوق این است که خداوند متعال بنای ایمان را بر اجبار و خشونت نگذاشته است و آن را بر تمکین، قناعت و اختیار بنا کرده است، زیرا دلایل آشکار شده اند و دیگر در اینجا برای زور و متوسل شدن به زور جایی باقی نمانده است و این جایز نیست به خاطر اینکه منافی تکلیف شرعی است. البته بین این مطلب و آیات زیادی که جهاد را واجب می گردانند تضادی نیست، زیرا خداوند به پیکار و جنگ دستور داده است تا دین کاملاً از آن او باشد، تا تجاوز تجاوزگران دفع گردد.<sup>۲</sup>

سید قطب-رحمه الله- در مورد اهمیت و ارزش این قاعده سخنان جالبی نوشته است که در اینجا بخشی آن را نقل می کنیم: «وفي هذا المبدأ يتجلی تکریم الله للإنسان واحترام إرادته وفکره ومشاعره وترك أمره لنفسه فيما يختص بالهدی والضلال في الاعتقاد وتحمله تبعه عمله وحساب نفسه .. وهذه هي أخص خصائص التحرر الإنساني. والتحرر الذي تنكره علی الإنسان في القرن العشرين مذاهب معتسفة ونظم مذلة لا تسمح لهذا الكائن الذي كرمه الله - باختیاره لعقیدته - أن ینطوي ضميره علی تصور للحياة ونظمها غیر ما تمليه علیه الدولة بشتی أجهزتها التوجيهية ، وما تمليه علیه بعد ذلك بقوانينها وأوضاعها فإما أن یمتنق مذهب الدولة هذا - وهو یحرمه من الإیمان یاله للکون یصرف هذا الکون - وإما أن یتعرض للموت بشتی الوسائل والأسباب! إن حرية الاعتقاد هي أول حقوق «الإنسان» التي یثبت له بها وصف «إنسان». فالذي یسلب إنسانا حرية الاعتقاد ، إنما یسلبه إنسانيته ابتداء .. ومع حرية الاعتقاد حرية الدعوة للعقيدة ، والأمن من الأذى والفتنة .. وإلا فهي حرية بالاسم لا مدلول لها في واقع الحياة»<sup>۳</sup>

(در این قاعده بزرگداشت خدا نسبت به انسان ، آشکار است ، و احترام به اراده و افکار و احساسات او

<sup>۱</sup> رازی، تفسیر کبیر ج ۱ ص ۹۹۳

<sup>۲</sup> آلوسی، روح المعانی، ج ۱ ص ۲۸۱

<sup>۳</sup> سید قطب، فی ضلال القرآن ج ۱ ص ۲۹۱



نمایان و پیدا است، انسان در آنچه به هدایت و ضلالت عقیده مربوط است، به خودش واگذار شده است و خودش مسؤول کردار و رفتار و حساب و کتاب خویش است، این هم برجسته ترین ویژگی از ویژگی های آزادی انسانی است، آزادی ای که مذهب های کجرو و مکتب های نادرست و رژیم های ذلیل آن را در قرن بیستم به انسان روا نمی دارند. به این موجودی که خداوند او را - با تفویض اختیار به او، برای گزینش عقیده اش - گرامی داشته است، اجازه نمی دهند که در دل خود جهان بینی و بینشی را درباره زندگی و مقررات آن جای دهد، مگر آنچه را که دولت با دستگاه های تبلیغاتی گوناگون خود بر او دیکته می کند، و مگر آنچه را - علاوه از آن - با قوانین و اوضاع خویش بر او املاء می نماید. انسان یا باید مذهب و مکتب این دولت را گردن نهد که او را از ایمان به خدای جهان و گرداننده امور آن، محروم می دارد، یا باید به بهانه های گوناگون و به عناوین مختلف، خود را به کشتن دهد و مرگ را پذیرا گردد. بی گمان حریت عقیده نخستین حقوق «انسان» است که با بودن آن، وصف انسان برای او ثابت می شود. پس کسی که حریت عقیده را از انسانی سلب کند، در حقیقت پیش از هر چیز انسانیت او را سلب می نماید، همراه با حریت عقیده، حریت دعوت به آن، و امنیت از اذیت و آزار و فتنه و نیرنگ است و اگر چنانچه نباشد هرگونه حریتی اسماً حریت خواهد بود و در واقعیت زندگی، مدلولی نخواهد داشت.

این قاعده در امور ایمانی و عملی دین قابل تطبیق است به این معنا که در دین اسلام انسان از اختیار کامل برخوردار است و هر عملی که به وسیله جبر و اکراه صورت بگیرد، بر آن حکم شرعی مرتب نمی گردد، به طور مثال مجبور کردن یک فرد بخاطر اینکه اسلام را بپذیر هرگز درست نیست و قرآن کریم این مسئله را رد کرده است چنانچه علامه رشید رضا - رحمه الله - - رحمه الله - می نویسد: «أَنَّ الْإِكْرَاهَ عَلَى الدِّينِ مَنْفِيٌّ مِنَ الْإِسْلَامِ بِنَصِّ الْقُرْآنِ ، وَلَمْ يُحَارِبِ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَحَدًا مِنَ الْعَرَبِ وَلَا مِنْ غَيْرِهِمْ لِأَجْلِ الْإِكْرَاهِ عَلَى الْإِسْلَامِ وَإِنَّمَا حَارَبَ دِفَاعًا ، وَكَيْفَ يُحَاوَلُ الْإِكْرَاهُ وَاللَّهُ - تَعَالَى - يَقُولُ لَهُ : أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»<sup>1</sup>

(جبر و اکراه بر دین از جانب اسلام به اساس نص صریح قرآن کریم، منفی است و پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - با هیچ یک از عرب ها و غیر آنان نجنگیده است تا آنان را به اسلام مجبور نماید و بدون شک جنگ او دفاعی بوده است و چگونه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به زور و اکراه متوسل می شود در حالی که الله متعال به او فرموده است: آیا تو مردم را مجبور می سازی تا مومن شوند؟.

<sup>1</sup> رشید رضا، تفسیر المنار ج 4 ص 51

## مطلب هشتم: سپردن امانت و کار را به اهل کار دادن

قاعده دیگری قرآن برای تضمین، بقا و تداوم امنیت اجتماعی سپردن امانت یا هر کار و وظیفه به اهل و متخصصش است، قرآن کریم در این زمینه چنین اشاره می کند:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾<sup>۱</sup>

( همانا خداوند شما را فرمان می دهد تا امانت ها را به صاحبانشان برسانید و هنگامی که میان مردم داوری می کنید دادگرانه داوری کنید، همانا خداوند شما را به بهترین اندرز پند می دهد، همانا خداوند شنوا و بینا است.)

هرچند با در نظر داشت شان نزول آیه فوق که مطابق روایت نقل شده در باره سپردن کلید خانه کعبه از طرف علی رضی الله عنه به عثمان بن طلحه صاحب کلید کعبه، نازل شده است؛ مدلول اولی آیه فوق سپردن چنین امانت هایی است که نزدمان گذاشته می شود اما امانت به معنای عام شامل تمام چیز هایی است که خداوند به ما سپرده است یا مردم و حکومت بالای ما اعتماد کنند و انجام یک کار اجتماعی را به دوش ما بگذارند، چنانچه زحیلی<sup>۳</sup>-رحمه الله- در ذیل تفسیر این آیه می نویسد: «أمر عام بأداء الأمانات إلى أهلها لكل مسلم في كل أمانة في ذمته أو تحت يده، ويتناول كل ما يؤتمن عليه الإنسان، سواء أكان ذلك في حق نفسه، أم في حق غيره من العباد، أم في حق ربه»<sup>۴</sup>. ( این آیه یک امر عام و شامل ادای امانت ها به سوی اهل آن و هر مسلمان در هر نوع امانتی می شود که در ذمه او یا زیر دستش قرار دارد و شامل هر چیزی می شود که انسان نسبت به آن امین شمرده می شود برابر است که مربوط نفس او باشد یا مربوط حق سایر انسان ها یا مربوط پروردگارش.)

همچنان ابن عاشور-رحمه الله- در تفسیرش می نویسد: «وإنما قيّد الأمر بالعدل بحالة التصدي للحكم بين الناس ، وأطلق الأمر بردّ الأمانات إلى أهلها عن التقييد : لأنها على اعتبار تعميم المراد بالأمانات الشامل لما يجب على

<sup>۱</sup>سوره نساء آیه (58)

<sup>۲</sup> ابن عاشور، التحرير و التنوير، ج 4 ص 212

<sup>۳</sup> وهبه زحيلي متولد ۱۹۳۲ (ميلادی) در شهر عطيه در اطراف دمشق است. وهبه زحيلي رئيس گروه فقه مذاهب اسلامي دانشگاه دمشق است و موضوع بیشتر نوشته هایش به فقه و اصول فقه اختصاص دارد. وی بیشتر از 100 اثر علمی در بخش های تفسیر فقه، اصول، حدیث و از خود بجا گذاشته اند که معتبرین آنها آثار الحرب فی الفقه الإسلامی. الفقه الإسلامی وأدلته. در 10 جلد، - التفسیر المنیر فی العقیده والتشريع والمنهج. در 14 جلد- الفقه الإسلامی فی أسلوبه الجدید. أصول الفقه الإسلامی. الذرائع فی السیاسة الشرعیة، والفقه الإسلامی؛ و... الموازنه بین القرآن والسنة فی الأحكام. الفقه الحنبلی المیسر (بأدلته وتطبيقاته المعاصرة) ودر شامگاه شنبه، ۱۷ مرداد ۱۳۹۴ هـ در دمشق وفات نمود.

<http://www.nedayesunnat.com>

<sup>۴</sup> زحیلی، التفسیر المنیر، ج 5 ص 123

المراء إبلاغه لمستحقه»<sup>1</sup> ( در این آیه امر به عدالت مقید به حالت تصدی حکم در میان مردم شده است اما امر به سپردن امانت ها مطلق و غیر مقید است زیرا این امر به اعتبار این است که اینجا امانات شامل هرآنچه می شود که بر بالای یک انسان رساندنش به مستحق آن امانت واجب است.)

بنائاً چه امانت به معنای خاص و چه معنای عام گرفته شود هر دو از مواردی به شمار می روند که در تامین امنیت اجتماعی نقش اساسی دارند و اگر این قضیه را مطابق حالت موجوده خود در کشور مان افغانستان مطالعه کنیم می بینیم عمده ترین عاملی که امنیت را از ما سلب کرده است این است که در مقام ها و مناصب مهم دولتی بنا به عوامل مختلف نتوانستیم اشخاص مسلکی و متخصصین با تجربه را بگماریم و حتی نمی توانیم در انتخابات ها حق رای مان را که آن هم یکی از بزرگ ترین امانت ها به شمار می رود مطابق اصول و طرح به نامزدی که واقعاً اهلس باشد، استعمال کنیم و در نتیجه تلخی های روزگار را به شکل مکرر تجربه می کنیم و همواره ملامتی را به دوش دیگران بار می کنیم.

---

<sup>1</sup> ابن عاشور، التحرير و التتوير، ج 5 ص 95

## مبحث نهم: راهکاری عملی در بخش صحت و امنیت غذایی

برخورداری از امنیت غذایی و غذای سالم و کافی که جزئی از امنیت اجتماعی به شمار می رود، ابتدایی ترین حق از حقوق هر انسانی است که متأسفانه در جهان امروز بسیاری از آن بی بهره‌اند، قرآن کریم اشارات زیادی به صحت و امنیت غذایی دارد که در این مبحث به شکل خلاصه به شرح آن پرداخته می شود. در حقیقت امنیت بدون طعام و غذا وجود ندارد و طعام بدون امنیت، موجود نیست، این دو عنصر زیربناییست که مدنیت بدون آن‌ها بنا نخواهد شد، لذا می بینیم که قرآن کریم در سوره قریش این عنصر اساسی را که غیر از آن‌ها جامعه و مدنیت بنا نمی شود، ذکر می کند که آن دو عنصر مذکور طعام و امنیت است. قرآن کریم می فرماید:

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ<sup>1</sup>

(باید عبادت کنند صاحب آن خانه را که طعام داد ایشان را از گرسنگی و درمان ساخت ایشان را از ترس.)

### مطلب اول: تشبیه نعمت های دنیوی و نعمت های بهشتی

در قرآن کریم نعمت هایی که به مومنان در بهشت داده می شود به نعمت های دنیایی تشبیه داده شده است، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا﴾<sup>2</sup>

( به آنها که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند بشارت ده که برای آنها باغ هایی از بهشت است که نهرها زیر درختانش جاری است، هر زمان از این باغ‌ها میوه‌ای به آنها داده شود می گویند این همان است که پیش از این نیز به ما داده شده بود و برایشان چیزهای مشابه آورده می شود.

این آیه بیانگر این است که مومنان باید به غذا و خوردنی خود متوجه بوده و از چیزهای پاک استفاده نمایند، همچنان از این آیه چنین می توان نتیجه گرفت که جامعه اسلامی می تواند به گونه‌ای ساخته شود که به بهشت موعود شباهت داشته باشد. چراکه خداوند نعمات خود را برای مومنین در دنیا و آخرت مشابه هم آفریده است.

<sup>1</sup>- سوره قریش آیه 3-4

<sup>2</sup> سوره بقره آیه 25

مفسران قرآن کریم از جمله ابو حیان-رحمه الله- در مورد تشابه نعمت های بهشت با نعمت های دنیا تفاسیر مختلفی ذکر کرده‌اند اما یک نظر بر آن است که مومنان هنگامی که میوه های بهشتی را می بینند آن را مشابه میوه های دنیا می یابند و خاطره نعمات دنیوی بر آنها زنده می شود<sup>1</sup>.

بنا بر این چنین استنباط می گردد که حکومت اسلامی مسئولیت دارد تا برای مردم و اتباع خویش امکانات استفاده از نعمت ها و انواع میوه ها را میسر کند تا مردم از آن مستفید شوند و آرام زندگی کنند.

### مطلب دوم: دسترسی دائم به غذا

چنانچه در مطلب گذشته بیان شد، بین دنیا و آخرت برای مومنان شباهت وجود دارد و مومنان زمانی که نعمات بهشتی را می بینند به یاد نعمات دنیوی می افتند و این گونه نتیجه گیری کردیم که جامعه اسلامی و نعمات آن به بهشت و نعماتش شبیه می باشد، یکی دیگر از این شباهت دسترسی دایم به غذا است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است:

﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكْلُهَا دَائِمٌ وَ ظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ﴾<sup>2</sup>

( وصف بهشتی که به متقین وعده داده شده این است که از زیر درختان آن نهرها جاری است، میوه و سایه اش همیشگی است این فرجام پرهیزگاران است اما فرجام کافران آتش دوزخ است.)

در این آیه عبارت «أَكْلُهَا دَائِمٌ» وجود دارد یعنی خوردنی هایی که همیشه وجود دارد. پس از این آیه می توان چنین استنباط کرد که در جامعه اسلامی دسترسی به خوراک و مواد غذایی بایستی همیشگی بوده و غذا به طور دائم در دسترس مسلمانان باشد، و حکومت اسلامی وظیفه دارد تا امکانات را برای جامعه اسلامی فراهم سازد. چون مهربانی خداوند تنها به آخرت مختص نیست و اگر ما تلاش کنیم می توانیم با استفاده از منابع طبیعی تمام بشر را از نعمت دسترسی به غذا مستفید سازیم و این کار ممکن است چون خداوند داستانی را در قرآن از گذشته بیان کرده است که نشان می دهد مردمی از امنیت غذایی کامل استفاده می کردند اما به سبب کفران از آن محروم شدند چنانچه می فرماید:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ

<sup>1</sup> ابو حیان، محمد بن یوسف الشهیر بابی حیان الأندلسی، تفسیر البحر المحیط، دار الکتب العلمیة - لبنان/ بیروت - 1422 هـ - 2001 م ج 1 ص

<sup>2</sup> سوره رعد آیه 35

## الجُوعُ وَ الْخَوْفُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ<sup>۱</sup>

( خداوند (مردمان) شهری را مثال می زند که ایمن و آسوده بودند و از هر طرف روزیشان به گونه فراوان به سویشان سرازیر می شد، اما کفران نعمت خدا کردند و خداوند به خاطر کاری که انجام دادند لباس گرسنگی و هراس را (به تن آنان کرد و طعم گرسنگی را) بدیشان چشانید.

خلاصه اینکه در جامعه اسلامی نعمات سه گانه دنیوی شامل: امنیت، اطمینان اجتماعی و بهره مندی از مواهب دنیوی که قطعاً رزق حلال و طیب از مهمترین آنهاست باید مهیا باشد تا بتوان به نعمت بزرگتر و تکمیل کننده آنها یعنی شریعت و عمل به آن دست یافت.

### مطلب سوم: استفاده از انواع روزی های پاک و حلال

بدن انسان برای رشد، حیات و کسب انرژی دارای نیازهای مختلف است و تنها با تغذیه متنوع و متعادل از انواع خوراک این نیاز برآورده می شود، از نظر قرآن باید افراد یک جامعه از انواع میوه ها، غذا ها و محصولات زراعتی باید مستفید شوند و این مطلب از دعای ابراهیم -علیه السلام- استنباط می شود که خداوند در حکایت از آن می گوید: ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ<sup>۲</sup>

( پروردگارا! من (یکی از) فرزندانم را در درّه ای بی کشت و زرع (و) در کنار خان؟ تو که آن را حرام ساخته ای سکونت داده ام، پروردگارا تا اینکه نماز را برپا دارند، پس چنان کن که دلهای گروهی از مردم متوجه آنان گردد و از میوه ها به آنان روزی ده شاید که سپاسگزار باشند.

حضرت ابراهیم علیه السلام پس از ساکن کردن فرزندان در سرزمین مکه برای آنها از پیشگاه خداوند متعال چنین می خواهد به انواع ثمرات روزیشان دهد و این در حقیقت درسی است برای مسئولین حکومت ها تا با تلاش های مثمر زمینه استفاده از تمام نعمت های الهی را برای مردم مهیا سازند.

همچنان خداوند متعال از مردم به گونه امتنان خواسته است تا از روزی های پاکیزه و حلال بخورند از

جمله:

1- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> سوره نحل آیه 12

<sup>۲</sup> سوره ابراهیم آیه 37

<sup>۳</sup> سوره بقره آیه 168

( ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه بخورید و از گامهای شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست.)

2- ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴾<sup>1</sup>

( ای مومنان! از روزی های پاکیزه ای که به شما داده ایم، بخورید، و شکر خداوند را به جای آورید، اگر شما تنها او را می پرستید. )

و در روایت آمده است که پیامبر-صلی الله علیه وسلم- فرموده است: « إن الله يحب أن يرى أثر نعمته على

عبده»<sup>2</sup>

(خداوند متعال دوست دارد تا آثار نعمت هایش را بر بندگان خود ببیند.)

و صلی الله علیه خیر خلقه محمد و علی آله و اصحابه اجمعین

پایان بحث

---

<sup>1</sup> سوره بقره آیه 172

<sup>2</sup> - ترمذی، سنن ترمذی، باب ما جاء إن الله تعالى يحب أن يرى أثر نعمته على عبده، شماره حدیث: 2819 (ترمذی آن را حسن گفته است. ج 5 ص

## خاتمه

### الف: نتیجه گیری

- از آنچه در مورد امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن به رشته تحریر درآمد، چنین نتیجه گیری می شود:
- قرآن کریم نسبت به مسئله امنیت در اجتماع بشری توجه ویژه ای داشته و در آیات بسیاری ضمن بیان اهمیت موضوع امنیت، مخاطبان خود را نسبت به اهمیت آن متذکر شده است.
  - موضوع محوری این بحث امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن است و واژه امن بیش از (925) مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است و نظر به اختلاف مصادر، معانی گوناگون و متقارب از آن اراده شده است.
  - امنیت دارای اقسام گوناگون و متنوع است و در یک تقسیم بندی کلی می توان امنیت را به دو نوع «امنیت فردی» و «امنیت اجتماعی» تقسیم نمود.
  - امنیت اجتماعی عبارت است از ایجاد شرایط و موقعیتی که براساس آن همه افراد جامعه در انجام فعالیت های مشروع و قانونی خود، آزادی کامل داشته و از امکانات جامعه یکسان برخوردار باشند. و همه افراد در موقعیت برابر قرار گیرند.
  - از دیدگاه قرآن هیچ چیز بالا تر و با ارزش تر از امنیت نیست و در حقیقت فلسفه و هدف نهایی نزول قرآن و آمدن پیامبران را نیز همین مسئله امنیت و ایجاد یک محیط آرام و دور از تهدید و ظلم برای بشریت تشکیل می دهد.
  - عمده ترین نیرویی که بالای انسان حاکمیت دارد فکر و اندیشه و طرز تفکر و پنداشت او می باشد و تمام اعمال و کارکردهای انسان نتیجه افکار و باور های او است که در سر می پروراند، قرآن کریم با درک این موضوع در قدم نخست اصلاح عقیده و اندیشه را هدف قرار داده و می خواهد شیوه تفکر انسان را تغییر دهد.
  - در مرحله دوم قرآن کریم می کوشد از طرق و روش های مختلف، اخلاق انسان را به سمت خوبی و نیکی توجیه کند و قرآن کریم ضمن منع منکرات و نهی از چیزهایی که باعث اخلال امنیت و تجاوز بر حقوق دیگران می شوند، مسلمانان را به انجام یک سلسله مسایل اخلاقی که برای تامین هرچه بیش تر امنیت اجتماعی کمک کننده واقع می شوند؛ مامور ساخته است و راهکارهای اخلاقی را از بهترین گزینه ها برای برقراری امنیت اجتماعی می داند.
  - نماز یکی از ارکان مهم اسلام است که در برقراری امنیت و آرامش فردی و اجتماعی نقش بسیار بزرگ دارد، بیش ترین عامل اخلال امنیت در جامعه عدم اطمینان روحی و آرامش قلبی است و این مشکل به وسیله نماز از بین می رود چون نفس انسان به ذکر و یاد خداوند آرامش پیدا می کند و این آرامش سبب فراهم شدن



صلح و امنیت در اجتماع می گردد.

- از نظر قرآن یکی از طرق جلوی گیری از تجاوز به مال و جان مردم پرداخت زکات به نیازمندان است، چون هرگاه نیاز مندی نیازهایش از طریق مشروع برآورده نشود دست به عمل غیر مشروع می زند که باعث بروز مشکلات در جامعه می شود. در این صورت جان و مال و آبروی مردم جامعه در نابودی قرار می گیرد، و این سبب گسترش نا امنی جامعه می شود.
- بیش ترین راهکارهایی که قرآن برای برقراری امنیت اجتماعی ارایه میکند به بخش حقوق و حکومت داری خوب تعلق می گیرد.
- تاسیس و تقویه نظام شورایی و مردم سالاری از اصول اساسی قرآن کریم است که افتخار آن را زمانی به بشریت عرضه کرده است که در آن هنگام نامی از دموکراسی و اجرای امور به اساس شورا وجود نداشت و خبری از مردم سالاری، انتخابات و آزادی رای نبود.
- برخورداری از امنیت غذایی و غذای سالم و کافی که جزئی از امنیت اجتماعی به شمار می رود، ابتدایی ترین حق از حقوق هر انسانی است که متأسفانه در جهان امروز بسیاری از آن بی بهره‌اند، قرآن کریم اشارات زیادی به صحت و امنیت غذایی دارد.
- هدف اساسی اسلام آوردن امنیت و آزادی برای مردم است تا در یک فضای آرام و فارغ از هر نوع زور و اکراه پیغام و رسالت اسلام را بشنوند و به انتخاب و اراده خود وارد این شوند، هیچ گاه اسلام نمی خواهد، زور و سلاح را معیار تطبیق احکام قرار دهد.
- قرآن کریم به هدف تامین امنیت اجتماعی از اعمالی که باعث رنجش خاطر دیگران، تجاوز به ارزش ها و حقوق، تعرض بر ممتلكات مردم و موجب خدشه دار شدن حق و کرامت انسانی می شوند، نهی کرده و انجام آن را گناه بزرگ و قابل مجازات دانسته است.

## ب: پیشنهاد ها

بعد از اینکه از مطالب و مباحث این تحقیق دانسته شد، مناسب می دانم به عنوان پیشنهادات نکات ذیل را ارایه کنم:

- 1- هدایات قرآن برای برقراری امنیت اجتماعی به صورت درست مطالعه گردد.
- 2- مسئولین با در نظر داشت هدایات قرآن کریم در مورد تامین امنیت اجتماعی گامهای مؤثر بردارند.
- 3- در مورد اهمیت برنامه های امنیتی قرآن در زندگی باید بحث ها و رساله های مختلف نوشته شود تا از این طریق بتوانیم اهمیت قرآن را در دیدگاه مردم بیشتر کنیم.
- 4- هدایات قرآن در مورد برقراری امنیت اجتماعی در مساجد، شبکه های رسانه یی، نهادهای تعلیمی و تحصیلی و از طریق برنامه های مختلف این موضوع تذکر داده شود.
- 5- پوهنتون سلام باید روند انتخاب موضوعات رساله ماستری را به محصلان آسان تر کند و در این زمینه به محصلان کمک کند تا به مشکل مواجه نشوند.
- 6- همچنان باید منابع زیادی در کتابخانه بگزارد تا محصلان به راحتی بتوانند تحقیق کنند.
- 7- رساله های ماستری که تا هنوز از طریق فارغان ماستری پوهنتون سلام دفاع شده اند توسط یک کمیته بررسی گردد و آن عده رساله هایی که در جامعه اثرگذار می باشند به چاپ برسند.

## ج: فهرست آيات

شماره	طرف آیت	صفحه
1.	أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لِّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ	54
2.	إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا	91
3.	أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	28
4.	أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ	63
5.	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ	25
6.	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ	27
7.	إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	29
8.	إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَىٰ فِي النَّارِ	39
9.	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ	117
10.	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا	11
11.	إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ	33
12.	إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ	86
13.	إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ	11
14.	إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ	97
15.	أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ	35
16.	أَهْوَلَاءِ الَّذِينَ أَفْسَمْتُمْ لَا يِنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ	28
17.	تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا	70
18.	ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا	41
19.	الَّذِينَ يُتَفَقَّهُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ	55
20.	الزَّانِيَةَ وَالزَّانِيَ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ	100
21.	سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ	51
22.	فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ	14

82	فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ	23
72	فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَدْكُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم	24
21	فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ	25
53	فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ	26
33	فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ	27
59	فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَحِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ	28
67	قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ	29
103	كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ	30
108	لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ	31
36	لَقَدْ كَانَ لِسَيِّ فِي مَسْكِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ	32
80	لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا	33
104	لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَنْبِيَاءُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِنَّمِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ	34
113	مِثْلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ	35
16	مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا	36
39	مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمِنَدِ آمِنُونَ	37
81	مَنْ ذَا الَّذِي يُفْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً	38
69	وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا	39
31	وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي	40
29	وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ	41
65	وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ	42
53	وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ	43
81	وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكَحْنَ	44
64	وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ	45
58	وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً قَالَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ	46
78	وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا	47

73	وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ	48
87	وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ	49
53	وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ	50
93	وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ	51
87	وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا	52
93	وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ	53
103	وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ	54
107	وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ	55
43	وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رآهَا تهتت كأنها جانٌ ولى مديراً ولم يعقب	56
106	وَإِنْ امْرَأَةٌ خافت من بعلها نُشوراً أو إغراضاً فلا جناح عليهما	57
81	وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ	58
82	وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأصْلِحُوا بَيْنَهُمَا	59
45	وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ	60
70	وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا	61
106	وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ	62
35	وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرى ظَاهِرَةً	63
63	وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا	64
37	وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا	65
27	وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ	66
33	وَقَالُوا إِنْ تَتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُنْتَخِطُ مِنْ أَرْضِنَا	67
52	وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ	68
75	وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.	69
70	وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا	70
85	وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ	71
70	وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتَمٌ قَلْبُهُ	72

41	وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ	.73
103	وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ	.74
25	وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ	.75
15	وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ	.76
77	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا	.77
51	وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا	.78
13	هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا	.79
62	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ	.80
61	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ	.81
94	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ	.82
64	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ	.83
95	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَىٰ	.84
116	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ	.85
47	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ	.86
115	يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ	.87
61	يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ	.88
28	يَا بَنِي آدَمَ إِذَا يَأْتَيْنَكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَفْضُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي	.89
86	يَا دَاوُدَ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ	.90
79	يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّوَالِدِينَ	.91
80	يَمَحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ	.92

## د: فهرست احاديث

شماره	طرف حديث	صفحه
1.	الإحسان. قال: أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ. فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ	47
2.	إذا أحذكم أعجبتة المرأة فوقعت في قلبه فليعمد إلى امرأته فليواقعها	78
3.	اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا، وَإِنْ اسْتُعْمِلَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ، كَأَنَّ رَأْسَهُ زَبِيَّةٌ	94
4.	أَنَّ أَبَا طَلْحَةَ قَالَ غَشِينَا النُّعَاسُ وَنَحْنُ فِي مَصَافِنَا يَوْمَ أُحُدٍ	41
5.	أَنَّ أَبَا طَلْحَةَ قَالَ غَشِينَا النُّعَاسُ وَنَحْنُ فِي مَصَافِنَا يَوْمَ أُحُدٍ قَالَ فَجَعَلَ سَيْفِي	41
6.	إن الله عز وجل ييسط يده بالليل ليتوب مسيء النهار	64
7.	أن رجلا قال: للنبي صلى الله عليه و سلم أوصني قال: لا تغضب	62
8.	أَنَّ فُرَيْشًا أَهَمَّهُمْ شَأْنُ الْمَخْرُومَةِ الَّتِي سَرَقَتْ	98
9.	الْإِيمَانُ بَضْعٌ وَسَبْعُونَ شُعْبَةً أَعْلَاهَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ	68
10.	جاهدوا المشركين بأموالكم وأنفسكم وألسنتكم	102
11.	الَّذِينَ النَّصِيحَةُ» قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: «لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ	65
12.	المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يسلمه ومن كان في حاجة أخيه	59
13.	مَنْ اسْتَطَاعَ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَخْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ	75
14.	مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سِرْبِهِ، مُعَاقَى فِي جَسَدِهِ، عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ،	10
15.	مَنْ رَأَى مُنْكَرًا فَاسْتَطَاعَ أَنْ يُغَيِّرَهُ بِيَدِهِ فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ،	104
16.	مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ	83
17.	النعاس في الصلاة من الشيطان والنعاس في القتال أمانة من الله	41
18.	وفي بضع أحذكم صدقة» قالوا: يا رسول الله يأتي أحدنا شهوته، ويكون له فيها أجر	78

## هـ: فهرست اعلام

شماره	نام	صفحات
-1	ابن جریر طبری	30
-2	ابن حجر	66
-3	ابن عاشور	42
-4	ابن فارس	9
-5	ابن قیم جوزیه	54
-6	ابن کثیر	38
-7	ابن منظور	9
-8	ابو حیان اندلسی	103
-9	امام غزالی	54
-10	جرجانی	11
-11	راغب اصفهانی	9
-12	زمخشری	69
-13	سید قطب	32
-14	علی بن أبی طلحة	48
-15	فیروز آبادی	59
-16	قرضاوی	64
-17	قرطبی	71



## و: فهرست منابع

- 1- قرآن كريم
- 2- ابن حجر، فتح الباری أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار المعرفة بیروت، 1379
- 3- ابن عاشور، محمد الطاهر بن عاشور، التحرير و التنوير، دار سحنون للنشر والتوزيع تونس 1997 م ج 14 ص 72
- 4- ابن فارس، ابی الحسين احمد ابن فارس ابن ذکریا(ب،ت) معجم مقاییس اللغة تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، دارالفکر سال طبع:399هـ 1979م
- 5- ابن قییم، کتاب الروح، دار المعرفة بیروت ، 1379
- 6- ابن قییم، مدارج السالکین دار المعرفة بیروت ، 1379
- 7- ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل، تفسیر قرآن العظیم، انتشارات دار طیبہ للنشر و التوزیع، 1420هـ 1999م
- 8- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب ، بیروت: دارصادر، 1414 ق
- 9- ابو حیان، محمد بن یوسف الشهیر بأبی حیان الأندلسی، تفسیر البحر المحیط، دار الکتب العلمیة لبنان/ بیروت 1422 هـ 2001 م
- 10- ابوسعود بن محمد بن مصطفی (ت:982هـ) إرشاد العقل السلیم الی مزايا الكتاب الکریم) دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- 11- اسامه، سید عبدالسمیع، الأمن الاجتماعی فی الاسلام و مقارنته بما ورد فی اليهودیة و المسیحیة، دارالجامعة الجدیة، مصر.
- 12- اصفهانی ، أبی القاسم حسین بن محمد بن راغب ، المفردات فی غریب القرآن، مکتبة نزار مصطفی الباز .
- 13- امن البلدان من خلال القرآن (دارسة موضوعیة) دكتور ریاض بن محمد المسیمیری، دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود، ریاض
- 14- الأمن فی ضوء القصص القرآنی، دراسة قرآنیة موضوعیة المؤلف سامی محمد بشیر الجدیة الطبعة الأولى: 1433 هـ ق.
- 15- اندلسی، عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت، ط:1، دار الکتب العلمیة 1422 هـ
- 16- بخاری، ابوعبد الله محمد بن اسماعیل ،صحیح البخاری، نسخه طوق النجاة، المکتبة الشاملة، اصدار، 3.32
- 17- ثعلبی نیشابوری، اسحاق بن احمد، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ط:1، 1422، هـ 2002م

- 18- جرجاني، سيد شريف على بن محمد، التعريفات، دار إحياء التراث العربى - بيروت 2003م.
- 19- جوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربيه، دارالعلم الملايين - بيروت 1979م.
- 20- خطيب، عبدالقادر، اثر تعليم القرآن الكريم فى حفظ الامن الاجتماعى، المكتبة الشاملة، اصدار 3.32
- 21- دارقطنى، ابوالحسن على بن عمر (918 - 995 هـ) سنن دارقطنى، الطبعة الأولى، 1424هـ 2004م، مؤسسه الرساله، بيروت، لبنان.
- 22- دكتور محمد عماره، مقومات الامن الاجتماعى فى الاسلام، مكتبة الامام البخارى للنشر والتوزيع، 2009م ، قاهره ، مصر، ص 15
- 23- راغب اصفهاني، حسين بن محمد (ت 401) تحقيق صفوان عدنان، المفردات فى غريب القرآن، ط: 1، 1412، دارالقلم، دمشق،
- 24- رشيد رضا، تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار) الهيئة المصرية العامة للكتاب، 1990 م
- 25- زحيلي ، وهبة بن مصطفى ، التفسير المنير فى العقيدة والشريعة والمنهج، انتشارات: دار الفكر المعاصر - دمشق، الثانية، 1418هـ
- 26- سعيد على حسن ، التخطيط الاستراتيجى لتحقيق الأمن الاقتصادى، ورقة بحثية مقدمة لمؤتمر تقنية المعلومات والأمن الوطنى، الرياض، 2007م.
- 27- سيد قطب فى ظلال القرآن مترجم: مصطفى خرم دل، سال چاپ 1387 هجرى، نشر احسان، تهران.
- 28- طنطاوى، محمد سيد التفسير الوسيط للقرآن الكريم، قاهره، الطبعة، الأولى دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة 1998م.
- 29- عبدالباقي، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، دارالكتب المصرية، القاهرة، 1364.
- 30- عسقلانى ، أحمد بن على بن حجر ، فتح البارى شرح صحيح البخارى، دار المعرفة، بيروت.
- 31- عسكرى، ابو هلال، الفروق اللغوية، مؤسسه الرساله، بيروت، لبنان، ب ت ص 194
- 32- علوان، عبدالله ناصح، كيف نربى أولادنا، عبدالله ناصح علوان، ( عبدالله احمدى، المكتبة الشاملة،
- 33- غزالى، ابوحامد، المستصفى من علم الأصول، دارالكتب العلمية، بيروت، الطبع الأولى، 1413 هـ ق
- 34- فيروز آبادى ، مجدالدين محمد بن يعقوب ، القاموس المحيط ، تحقيق : مكتب تحقيق التراث فى مؤسسه الرساله ، طبع : ١٩٩٨م.
- 35- فيروز آبادى ، مجدالدين محمد بن يعقوب ، القاموس المحيط ، ص: ٤٢٢
- 36- فيومى، أحمد بن محمد بن على الفيومى المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير ، ط س: 1975، المكتبة العلمية بيروت

- 37- قرضاوى، دكتور يوسف قرضاوى، التوبة، ( دكتور احمد نعمتى، المكتبة الشاملة، اصدار، 3.32
- 38- قرضاوى، دكتور يوسف قرضاوى، التوبة، ( دكتور احمد نعمتى، المكتبة الشاملة،
- 39- قرضاوى، دكتور يوسف، مدخل لمعرفة الإسلام، مؤسسة الرسالة، ط 1
- 40- قرطبي ، أبى عبدالله محمد بن أحمد القرطبي (1372 هـ 1952 م) الجامع لأحكام القرآن، ، دار الكتب المصرية القاهرة، الطبعة: الثانية، ١٣٨٤ هـ
- 41- قرطبي ، أبى عبدالله محمد بن أحمد القرطبي (1372 هـ 1952 م) الجامع لأحكام القرآن، ، دار الكتب المصرية القاهرة، الطبعة: الثانية، ١٣٨٤ هـ
- 42- الكحيل، عبدالدائم، عجاز علمى درقرآن وحديث سايت رسمى عبدالدائم الكحيل [www.kaheel7.com/fa](http://www.kaheel7.com/fa)
- 43- كيلانى، عمر عبدالله نجم الدين، مفهوم الاصلاح فى القرآن الكريم، مجله «ديالى» كلية التربية الاصمعي، شماره 28، سال 2008م
- 44- كيلانى ، رشاد صالح ( ٢٠١٢ ) : الأمن الاجتماعى ( مفهومه ، تأصله الشرعى وصلته بالمقاصد الشرعية ) ، المؤتمر الدولى ( الأمن الاجتماعى فى التصور الإسلامى ) ، كلية الشريعة ، جامعة آل البيت ، عمان ، اردن،
- 45- ماوردى، أبو الحسن على بن محمد بن محمد، تسهيل النظر وتعجيل الظفر فى أخلاق الملك وسياسة الملك، تحقيق: محى السرحان، وحسن الساعاتى بيروت: دار النهضة العربية، دط،
- 46- مجموعة من الباحثين بإشراف عبد القادر السقاف، موسوعة الأخلاق الإسلامية،
- 47- مجموعة من العلماء، موسوعة نضرة نعيم فى أخلاق الرسول الكريم (ص) ، ناشر: دار الوسيلة للنشر و التوزيع ، سال طبع : ١٩٩٨م ، طبع : اول.
- 48- نيشاپورى، مسلم بن الحجاج أبو الحسن، صحيح مسلم، محقق، محمد فؤاد عبد الباقي بيروت: ناشر، دار إحياء التراث العربى.
- 49- هلالى، نشأت هلالى، الأمن الجماعى الدولى، المكتبة الشاملة، اصدار 3.32
- 50- <https://www.umt.edu/ethics/debatin>
- 51- [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org)

## Summary of the discussion

This treatise has been written on the subject of the Holy Quran's strategies for establishing social security in an introduction, two chapters and a conclusion. To refer to and implement the rules of the Holy Quran with the aim of providing and establishing social security in the country

Considering what has been said about the Qur'an's guidance for social security in this treatise in three chapters and several sub-topics, we conclude that social security is the creation of conditions under which all members of society inThey have complete freedom to carry out their legitimate and legal activities and have the same facilities as the society.

And all people are in an equal position.The first condition for a healthy social life is the establishment of order and security in society.A society without security will not have comfort and tranquility and vitality and effort will disappear from it. In social insecurity, the economy collapses and the cultural sphere becomes stagnant, and intellectuals, instead of exchanging opinions, thoughts and expressing thoughts, resort to secrecy and secrecy, which is why social order and security have a special place in the Qur'an and Islam.In this great divine book, basic and applicable solutions in every society and environment to establish social security are stated.

And all people are in an equal position.The first condition for a healthy social life is the establishment of order and security in society.A society without security will not have comfort and tranquility and vitality and effort will disappear from it.In social insecurity, the economy collapses and the cultural sphere becomes stagnant, and intellectuals, instead of exchanging opinions, thoughts and expressing thoughts, resort to secrecy and secrecy, which is why social order and security have a special place in the Qur'an and Islam.In this great divine book, basic and applicable solutions in every society and environment to establish social security are stated .

Keywords: Security, Social, Quran.



**Salam University**  
**Faculty of Sharia & Law**  
**Master program in Tafseer & Hadith**



**Islamic Emarat of Afghanistan**  
**Ministry of Higher Education**  
**DM of Academic Affairs**

# **Quranic guidelines for social security**

(A master's thesis)

Student: Aminullah Musaeid

Supervisor: Dr. Fazulhadi Wazin

Year: 2020



Sufyan University  
Faculty of Sharia & Law  
Master program in Tabooer & Hadith



Islamic Emirat of Afghanistan  
Ministry of Higher Education  
DMI of Academic Affairs

# Quranic guidelines for social security

(A master's thesis)

Student: Aminullah Musaddid

Supervisor: Dr. Fazlullah Waziri

Year: 2020